

# هنا يسأك حاج



حضرت آیة الله العظمى  
الذى حاج شیخ لطف الله صافى تلبایتکانى

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# مناسک حج آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

نویسنده:

لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۸	..... مناسک حج آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی
۸	..... مشخصات کتاب
۸	..... فضیلت حج
۹	..... احکام حج
۹	..... اقسام حج
۹	..... - حج قرآن
۹	..... - حج افراد
۱۰	..... - حج تمتع
۱۰	..... - عمره تمتع
۱۰	..... مستحبات احرام عمره
۱۲	..... مکروهات احرام
۱۲	..... مواقيت احرام
۱۳	..... احکام میقات
۱۴	..... احکام احرام بانوان
۱۵	..... نذر احرام پیش از میقات
۱۶	..... واجبات احرام
۱۷	..... ۲۵ چیز بر محرم حرام است
۲۲	..... محل ذبح کفاره
۲۳	..... طواف عمره
۲۳	..... - مستحبات داخل شدن به حرم
۲۴	..... - مستحبات داخل شدن به مکه معظمه
۲۴	..... - مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

۲۶	احكام طواف عمره تمنع
۲۶	شرایط طواف
۲۷	واجبات طواف
۲۹	مستحبات و مکروهات طواف
۳۱	نماز طواف
۳۱	مستحبات نماز طواف
۳۲	سعی
۳۲	- واجبات سعی -
۳۳	- مستحبات سعی -
۳۵	تقصير
۳۵	مسائل حج تمنع
۳۶	احرام حج
۳۷	وقوف به عرفات
۳۸	مستحبات وقوف به عرفات
۴۱	وقوف به مشعر
۴۳	مستحبات وقوف به مشعر
۴۴	اعمال منی در روز عید
۴۴	رمی جمره عقبه
۴۵	مستحبات رمي
۴۵	قرباني
۴۷	مستحبات قرباني
۴۷	حلق يا تقصير
۴۸	مستحبات حلق و تقصير
۴۸	واجبات بعد از اعمال منی

۴۹	مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء
۴۹	ماندن در منی در شب‌های تشریق
۵۰	رمی جمرات سه گانه
۵۰	مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
۵۱	مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع
۵۲	دستور عمره مفرده
۵۲	طواف وداع
۵۳	استفتاءات حج
۵۶	آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت
۵۷	آداب زیارت
۵۷	آداب زیارت مدینه منوره
۶۰	زیارت امین الله
۶۱	ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه
۶۲	زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار
۶۳	زیارت قبور شهداء احمد رضوان الله علیهم
۶۳	زیارت وداع
۶۴	دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه
۶۹	فهرست
۷۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مناسک حج آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

### مشخصات کتاب

سروشناسه : صافی، لطف الله، ۱۲۹۷-

عنوان و نام پدیدآور : مناسک حج / مطابق با فتاوی لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: موسسه انتشارات حضرت مصصومه سلام الله علیها، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهري : ۳۰۴ ص؛ ۱۶ × ۲۵ س.م.

شابک : ۹۶۴-۶۱۹۷-۴۳-۴۵۰۰۰ ریال؛ چاپ هجری ۵۰۰۰ ریال

یادداشت : چاپ هجری ۱۳۸۵.

موضوع : حج.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه.

رده بندی کنگره : BP188/۸/ص۱۶ م۸

رده بندی دیوبی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۲-۵۰۱۹

### فضیلت حج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، عَلَىٰ حَيْرٍ خَلْقِهِ وَأَشْرَفَ بَرِئَتِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، لَأَسِيَّمَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَلَغُنَّةُ اللَّهِ  
عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَىٰ قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قال الله تعالى: والله على الناس حجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سِيرًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ  
حجّ بیت الله الحرام، در بین واجبات و فرائض دین اسلام دارای موقعیت خاص و جایگاه ویژه است.

حکمت‌ها و منافع تربیتی، اجتماعی و سیاسی آن بسیار است. حج، مدرسه عالی و دانشگاهی است که در کلاس‌هایش بخش‌های مهمی از معارف قرآن کریم و تعالیم و هدایت‌های اسلام، ضمن عمل به ارکان و دستورات آن آموخته می‌شود.

اسلام حقیقی، که تسلیم محض در برابر احکام و اطاعت خالص از خداوند متعال است در عمل به برنامه‌های آن ظاهر می‌گردد.  
همه موافق و مشاعر آن سازنده و موجب رشد فکر و پرواز روح به عوالم غیر متناهی و درس و جهاد با نفس و سیر در فضاهای رحمانی و ملکوتی است.

حج، مشتمل بر عبادات و وظایف مهم دینی است مثل نماز، دعا، انفاق، خضوع و خشوع در درگاه الهی، خویشتن داری و صبر و بازداری از مشتبهات، آشنایی با مسلمانان مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام و اعلاء، کلمه اسلام و ظهور نفوذ دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآل‌هی در شرق و غرب و دورترین نقاط و حضور در یک اجتماع میلیونی از نماینده‌گان مردم سراسر جهان و امور بسیار دیگر، همه در حج مندرج است.

خلاصه؛ فضایل این فریضه بزرگ، بسیار بوده و ثواب‌هایی که برای یکایک آن اعمال مقرر است بی‌شمار می‌باشد. باید کسانی که به حج مشرف می‌شوند در کشش تشریف انجام این مراسم نورانی و حضور در این اجتماع پر فیض را توفیقی بزرگ شمرده، خودسازی و استفاده‌های معنوی در هر کدام از مواقف آن را نصب العین خود قرار دهند. و مخصوصاً تعجیل فرج حضرت صاحب الامر ارواح

العالمین له الفداء را در همه آن مشاهد مقدسه از خداوند متعال مسئلت نمایند.

## احکام حج

- مسئله ۱. بر هر مکلف مستطیع در تمام عمر یک بار حجۃ‌الاسلام واجب می‌شود که باید اعمال آن را بجا آورد.
- مسئله ۲. واجب است مستطیع در سال اول استطاعت به حج برود، و تأخیر آن بدون عذر، گناه کبیره است و اگر در سال اول نرفت، و تا سال بعد از استطاعت افتاد حج از او ساقط نمی‌شود، و باید به هر صورت ممکن حج نماید.

## اقسام حج

مسئله ۳. حج بر سه قسم است:

۱. حج تمنع و این وظیفه کسانی است که منازل آنان تا مکه معظمه ۱۶ فرسخ شرعی یا بیشتر باشد.
- ۲ و ۳. حج قران و افراد و این وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که فاصله منازل آنان از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسخ شرعی است. و بر آن‌ها واجب است بعد از حج عمره مفرد بجا آورند.
- مسئله ۴. تعیین وظیفه نسبت به حجۃ‌الاسلام همان است که ذکر شد، اما در حج مستحبی اهل مکه هم می‌توانند حج تمنع بجا آورند، و اشخاصی که منزلشان از مکه ۱۶ فرسخ یا زیادتر، دور باشد می‌توانند حج قران یا افراد بجا آورند، بلی تمنع برای هر دو طایفه در حج مستحبی افضل است.

## - حج قران

کیفیت حج قران مانند حج افراد است در همه اعمال مگر اینکه حج افراد قربانی ندارد و در حج قران که مکلف قربانی به همراه خود می‌آورد باید همان قربانی را ذبح یا نحر کند و چنین شخصی مخیر است در عقد احرام بین اینکه تلیه بگوید یا اشعار و یا تقلید نماید و به هر کدام ابتدا کرد احراشم بهمان منعقد می‌شود و چون حج افراد و قران خیلی مورد ابتلاء نیست به همین اشاره مختصر اکتفا می‌شود و وظیفه کسانی که عمره تمنع آن‌ها به جهت بعض عذرها مبدل به حج افراد می‌شود در جای خود بیان خواهد شد.

## - حج افراد

- کیفیت و آداب و اعمال واجبه و مستحبه حج افراد مانند حج تمنع است، و در چند چیز با هم تفاوت دارند:
۱. مکلف باید از میقات‌های معروفه محروم شود و به عرفات برود برخلاف حج تمنع که از مکه محروم می‌شود بلی کسانی که وظیفه آن‌ها حج تمنع است و از میقات برای عمره تمنع محروم می‌شوند و بعد به جهت عذری عمره آن‌ها مبدل به حج افراد می‌شود یا همان احرام به عرفات می‌روند.
  ۲. قربانی ندارد.
  ۳. بعد از انجام آن باید عمره مفرد بجا آورد.
  ۴. جایز است برای کسیکه حج افراد بجا می‌آورد که طواف زیارت و سعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد لیکن مکروه است و ترک آن احوط است برخلاف حج تمنع که در آن تقدیم طواف و سعی بر وقوفین جایز نیست مگر در وقت اضطرار که در مسائل آینده ذکر می‌شود.

## - حج تمتع

چون نوع واجب حج بر فارسی زبانان و ایرانیان بلکه بر بیشتر مسلمانان حج تمتع است، احکام و مسائل حج تمتع مشروحاً بیان خواهد شد انشاء الله تعالى.

مسئله ۵. حج تمتع، مرکب از دو عبادت است که اول را عمره تمتع و دوم را حج تمتع گویند، و باید عمره تمتع قبل از حج تمتع بجا آورده شود. و اگر کسی به شرحی که گفته خواهد شد بواسطه عذری نتواند عمره تمتع را پیش از حج تمتع بجا آورد، حج او حج افراد می‌شود.

مسئله ۶. در انجام حج هم مانند سایر عبادات دیگر قصد قربت لازم است، و همین مقدار که پیش از پوشیدن لباس احرام، قصد کند بجا آوردن عمره و حج واجب خود را برای خدا کافی است، و لازم نیست که در ابتدا، صورت حج تمتع را بداند، پس اگر وقتی که می‌خواهد احرام بیند تمام کارهای واجب حج را نداند ولی نیت کند که برای اطاعت امر خداوند متعال عمره و حج واجب خود را بجا می‌آورم، و قصدش این باشد که بعد از مشغول شدن به عمل، هر چه را لازم است مطابق رساله‌ای که نزد او می‌باشد، یا مطابق دستور مجتهد یا عالم مورد وثوق که همراه اوست انجام دهد کفايت می‌کند، و عمل او صحیح است.

## - عمره تمتع

مسئله ۷. اول از کارهای حج تمتع، عمره تمتع می‌باشد و کارهای واجب عمره تمتع پنج چیز است:

۱. احرام.
۲. طواف خانه کعبه.
۳. دو رکعت نماز طواف.
۴. سعی بین صفا و مروه.
۵. تقصیر.

که در شرح احکام هر یک خواهد آمد، انشاء الله تعالى.

## مستحبات احرام عمره

مسئله ۸. کارهایی که پیش از احرام، و در وقت مهیّا شدن برای احرام و در حال بستن احرام و بعد از آن، مستحب است ده چیز است:

۱. پیش از احرام پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و شارب و زائل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم) با نوره.  
۲. غسل احرام در میقات، و هر گاه احتمال دهد که در میقات آب نباشد، جایز است که پیش از رسیدن به میقات غسل کند. و اگر پیش از میقات غسل کرد و در میقات آب یافت، مستحب است که در میقات دوباره غسل کند، و اگر بعد از غسل خواب برود، یا چیزی را که خوردنش و یا پوشیدنش برای محروم جائز نیست بخورد یا پوشد، یا استعمال بوی خوش کند، مستحب است دوباره غسل را بجا آورد. و اگر محدث، به حدث اصغر، غیر از خواب بشود، بهتر است رجاءً غسل را اعاده کند، و غسل روز برای شب و غسل شب برای

روز کفايت می‌کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب، و غسل روز در آخر روز باشد، و بهتر آن است که به غسل اول روز برای روز و به غسل اول شب برای شب اکتفا کند. و غسل احرام بر حائض و نفساً نیز مستحب است و شرط احرام، طهارت از حدث

نیست.

۳. خواندن این دعا در وقت غسل است:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَيْ نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزاً وَآمِنًا مِنْ كُلِّ حَوْفٍ وَشَفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَأَشْرَحْ لِي صَدَرِي، وَأَجْرِ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمَدْحَنَتِكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ قَوْمَ دِينِي التَّشَّلِيمُ لَكَ، وَالْأَتَابُعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۴. نتراسیدن و نگرفتن موی سر و ریش از اول ذیقعده بنابر مشهور بین علماء مستحب است، بلکه احوط و اولی ترک آن است، و نگرفتن موی سر برای زن‌ها هم از اول ذیقعده بعيد نیست مستحب باشد.

۵. آن که بعد از نماز ظهر محرم شود، و اگر در وقت نمازهای دیگر می‌خواهد محرم شود بعد از یکی از آن‌ها، و اگر نه، بعد از نماز قضا احرام بیندد، و اگر نماز قضا بر ذمه ندارد شش رکعت نماز یا حداقل دو رکعت نماز بخواند، و در رکعت اول، بعد از حمد، سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَد (توحید) و در رکعت دوم، بعد از حمد سوره قل يا آیه‌الکافرون (جحد) را بخواند، و چون از نماز فارغ شود و بخواهد نیت احرام کند، حمد و ثنای خدا بجای آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات‌الله علیهم بفرستد و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَامْنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أُخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَاسْأَلْكَ أَنْ تَعْزِمْ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنْنَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّيَنِي عَلَى مَا ضَعَفْتُ عَنْهُ وَتُسْلِمْ لِي مَنَاسِكَ وَعَافِيَةً، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفِدَكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْضَيَتْ وَسَمَيَتْ وَكَبَّتْ، اللَّهُمَّ إِنِّي حَرَجْتُ مِنْ شُقَّةِ بَعِيْدَةِ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي اِتِّغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَّتُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنْنَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسُنُنِي فَخُلِّنِي حَيْثُ حَبَسَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَى، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أُخْرِمُ لَكَ شَعْرِي وَبَشَّرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالشَّيَّابِ وَالطَّيْبِ أَبْتَغِي بِذِلِّكَ وَجْهَكَ وَالدَّارِ الْآخِرَةِ.

پس دو جامه احرام را بطوری که در واجبات گفته می‌شود پوشد.

۶. جامه احرام از پنه باشد، و در حال پوشیدن احرام بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوْرِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدِي فِيهِ فَرِضَتِي وَأَعْيُدُ فِيهِ رِبِّي وَأَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمْرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَلَعَنَّى وَأَرَدْتُهُ فَاعْنَى وَقَبَلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسِلْمَنِي فَهُوَ حَصِينِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهِيرِي وَمَلَازِي وَمَنْجَائِي وَذُخْرِي وَعُدَّنِي فِي شِدَّنِي وَرَخَائِي.

۷. نیت احرام را به زبان بیاورد، و چنان که در واجبات احرام هم گفته خواهد شد واجب است مقارن نیت بگوید:  
لَبَيِّكَ اللَّهُمَّ لَبَيِّكَ لَبَيِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَيِّكَ.

و بنابر احتیاط واجب جمله ذیل را هم بگوید:  
إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

و بهتر آن است که بعد از این جمله، یک لَبَيِّكَ دیگر نیز بگوید.

۸. پس از آن مستحب است بگوید:

لَبَيِّكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ دَاعِيَاً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ غَفَارَ الدُّنُوبِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ أَهْلَ التَّلِيَّةِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ ذَا الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ ثُبَّدَهُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَنُ إِلَيْكَ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ مَرْغُوباً وَمَرْهُوباً إِلَيْكَ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ إِلَهُ الْحَقِّ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ ذَا النَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ كَشَافُ الْكُرُبِ الْعِظَامِ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ عَيْدُكَ وَابْنُ عَيْدِكَ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ يَا كَرِيمَ لَبَيِّكَ.

و این جمله را نیز به رجاء استحباب بخواند:

لَيْكَ أَنَّقَرْبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَيْكَ، لَيْكَ بِعُمْرَةٍ.

و در احرام حج بگوید: لَيْكَ بِحَجَّةٍ وَپس از آن، در عمره تمنع بگوید:

لَيْكَ، لَيْكَ وَهِذِهِ عُمْرَةُ مُنْعَةٍ إِلَى الْحَجَّ لَيْكَ، لَيْكَ أَهْلَ التَّلِيَّةِ لَيْكَ، لَيْكَ تَلِيَّةً تَامُّهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.

۹. مرد تلبیه را بلند بگوید مگر در میقات مدینه، که در آن جا بهتر آن است که اگر سواره است آهسته تلبیه بگوید، و وقتی که زمین بیداء (هموار) نمایان شود بلند بگوید، و کسی که از مکه محروم به حج می شود مستحب است وقتی که به (رقداء) می رسد، یا مشرف بر (ابطح) شود بلند بگوید.

۱۰. در وقت بیدار شدن از خواب، و عقب هر نماز واجب و مستحب، و وقت رسیدن به منزل، و وقتی که به سواره برسد، و وقت سوار شدن، و وقت بالا رفتن بر تلی، و پائین رفتن از سراشیبی نیز تلبیه بگوید، و در سحرها بسیار بگوید، هر چند جنب یا حایض باشد، و در عمره تمنع تلبیه را قطع نکند در عمره تمنع تا خانه‌های مکه را بینند، و در حج تمنع تا ظهر روز عرفه تلبیه بگوید.

## مکروهات احرام

مسئله ۹. در احرام، ده چیز مکروه است:

۱. پوشیدن لباس سیاه، بلکه اولی تر ک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثناء شده است.

۲. خوابیدن در رختخواب و بالش زرد رنگ، و هم چنین مکروه است محروم شدن در جامه کثیف. و سزاوار است جامه احرام نظيف باشد، و بهتر آن است که تا نجس نشود آن را نشوید.

۳. هنا بستن بدون قصد زینت، ولی با قصد زینت خلاف احتیاط آن است که مطلقاً هنا نبندد، حتی پیش از احرام در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی بماند، و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام هنا بستن، هر گاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند.

۴. حمام رفتن و سائیدن بدن.

۵. لَيْكَ گفتن در جواب کسی که او را بخواند.

۶. شستن بدن با آب سرد.

۷. مبالغه در مسوак کردن و سائیدن رو.

۸. کشتی گرفتن، و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن، یا افتادن موی از بدن باشد.

۹. شعر خواندن.

۱۰. استعمال ریاحین و گل‌های خوشبو، و بهتر ترک شستن سر، به سدر و خطمی می‌باشد.

## مواقبت احرام

مسئله ۱۰. محلی را که در آن احرام بستن واجب است میقات گویند و هر کس باید در آن میقاتی که در راه او به مکه است محروم شود به این شرح:

۱. مسجد شجره و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره به مکه مشرف می‌شوند، مثل بسیاری از حاجیان ایران و آن را ذوالحیفه نیز می‌نامند، و اکنون به آبار علی معروف است. و فاصله آن، بنابر نقل بعضی تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است، و تا

مدينه تقریباً هفت کیلومتر است. و بهتر بلکه احوط آن است که در داخل مسجد محروم شوند و جنب و حائض در حال عبور از داخل مسجد محروم شوند. و اگر از پشت مسجد هم محروم شوند، صحیح است. و در وقت ضرورت، احرام بستن را تا میقات اهل شام که جحفه است می توانند به تأخیر اندازنده، و در جحفه محروم شود.

۲. جحفه، و آن میقات اهل جحفه و نواحی آن، و میقات مردم مصر و شام و شهرهای غرب و اروپا می باشد، و هم اکنون بعضی ایرانیان هم از آن جا محروم می شوند و هر کسی که از کanal سوئز به قصد مکه عبور می کند، باید در دریا در محاذات جحفه محروم شود، و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلومتر است و به رابع نزدیک است و احرام از رابع مجزی نیست.

۳. وادی عقیق، و آن میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج می روند، و افضل آن است که از اول آن، که مسلح است - اگر بطور یقین معلوم شود - محروم گردند، والا وقتی که یقین کردنده به وادی عقیق رسیده اند پیش از رسیدن به ذات عرق محروم شوند. و اگر بواسطه تقیه ناچار شوند از تأخیر احرام تا ذات عرق، قبل از آن که به آن جا برسند در لباسی که پوشیده اند، نیت احرام نموده، و آهسته تلبیه بگویند. و اگر ممکن شود لباس های خود را بیرون آورده، و دو جامه احرام را بپوشند، و بعد لباس احرام را درآورده و لباس خود را بپوشند، و به جهت آن - بطوری که گفته خواهد شد - فدیه دهنده، و هر گاه که به ذات عرق رسیدند آن جا جامه احرام را بپوشند.

۴. قرن المنازل کوهی است مشرف به عرفات، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل طائف و نواحی آن و کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف می شوند.

۵. یلمل کوهی است از کوه های تهامه، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از آن طریق به حج مشرف می شوند.

## احکام میقات

مسئله ۱۱. لازم است تحصیل علم، یا بینه شرعیه، به رسیدن به میقاتی که باید در آن محروم شود، و اگر تحصیل هیچیک ممکن نشود، اکتفا به ظن حاصل از گفته اهل اطلاع و معرفت به آن اماکن جایز است.

مسئله ۱۲. هر کس متزل او از این میقات ها به مکه نزدیکتر باشد، یعنی متزل او بعد از یکی از این میقات ها باشد، میقات او همان متزل اوست که از همانجا باید محروم شود.

مسئله ۱۳. بهتر آن است که از راهی برود که از یکی از میقات ها عبور کند، و اگر از راهی می رود که به هیچ یک از این پنج میقات عبور نمی کند، باید در محاذی هر میقاتی که ابتداءاً از آن عبور می کند احرام بیندد، هر چند که نسبت به میقات دیگر دورتر از مکه باشد، یا فاصله اش با اصل میقات بیشتر باشد، و اگر بعد از آن، در راه خود به محاذات میقات دیگر رسید در آنجا هم تجدید احرام کند.

مسئله ۱۴. اگر کسی احرام بستن از میقات را فراموش کند، بعد از آن که یادش آمد - خواه بعد از داخل شدن به حرم یادش بیاید یا پیش از وارد شدن به حرم - اگر برگشتن به میقات ممکن است، برگرد و از میقات محروم شود، و اگر برگشتن به میقات ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که هر مقدار ممکن است بسوی میقات برگرد و از آن جا محروم شود، و اگر برگشتن هیچ ممکن نیست، از همان مکان خود احرام خود را بیندد، و هم چنین است حکم برای جاهل، مثل آن که زن حائض گمان کرده که احرام برای او صحیح نیست و بدون احرام از میقات گذشته است.

مسئله ۱۵. در احرام، طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست، پس جایز است شخص جنب و زن حائض و نفسا محروم شوند، بلکه اگر وقت نباشد که صیر کند تا از حیض و نفاس پاک شود، واجب است یا همان حال از میقات احرام بیندد، و غسل

احرام برای حائض و نفسae مستحب است.

## احکام احرام بانوان

مسئله ۱۶. زن اگر در حال حیض محرم شود به احرام عمره تمنع، و گمان کند که برای عمره پاک می شود، ولی پاک نشود، تا وقت آن بگذرد، حج او مبدل به افراد می شود، و لازم است با همان احرام به عرفات و مشعر برود، و وقوفین را با مردم بجا آورد، و بعد به منی بیاید، و اعمال منی را انجام دهد، و در حج افراد قربانی واجب نیست، و روز دوازدهم یا سیزدهم به مکه مراجعت نماید و در آنجا بماند، هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن را بجا آورد، و بعد سعی بین صفا و مروه نماید، پس از آن طواف نسae و نماز آن را بجا آورد، و آن گاه به خارج حرم رفته و محرم شود به احرام عمره مفرد، و به مکه آمد و اعمال عمره را تمام نماید.

مسئله ۱۷. در مسئله سابق اگر آن زن نمی تواند بماند تا پاک شود - مثلا همسفرهای او مهلت نمی دهند و ناچار از مراجعت است - باید برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و پس از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد، آن زن سعی بین صفا و مروه نماید، و پس از آن برای طواف نسae و نماز آن نایب بگیرد، و بعد خودش سعی بین صفا و مروه نماید، و بعد تقصیر کند و بعد برای طواف نسae و نماز آن نایب بگیرد.

مسئله ۱۸. اگر زن در میقات پاک باشد و محرم شود به احرام عمره تمنع، و قبل از طواف عمره، حائض شود و پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، عدول به حج افراد نموده، و بنحوی که قبل ذکر شد عمل نماید.

مسئله ۱۹. اگر زن در حال احرام پاک بود و محرم به احرام عمره تمنع شد، و در بین طواف حائض شد، واجب است فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر بعد از چهار شوط حائض شده، عمره تمنع او صحیح است، می رود سعی بین صفا و مروه می نماید و بعد تقصیر می نماید، و از عمره محل می شود، و بعد در خارج از مسجد در مکه محرم شود به احرام حج، و اعمال عرفات و مشعر و منی را بجا آورد، و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نسae و نماز آن را به ترتیب بجا آورد، پیش از طواف حج آنچه از طواف عمره و نماز طواف باقی مانده آن را بجا آورد، و احتیاطاً سعی را هم اعاده نماید، هر چند لازم نیست، و اگر قبل از پاک شدن ناچار است از مراجعت به وطن، برای کسری طواف عمره و نماز آن و برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد خودش سعی نماید، و بعد برای طواف نسae و نماز آن نایب بگیرد و اگر بعد از سه شوط و نیم و پیش از تمام شدن شوط چهارم حائض شود احوط این است که سعی بین صفا و مروه را رجاءاً به قصد سعی عمره تمنع انجام دهد و تقصیر کند و در خارج مسجد در مکه، به احرام حج تمنع، رجاءاً محرم شود و اعمال عرفات، مشعر و منی را به قصد ما فی الذمه از حج تمنع یا افراد بجا آورد و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد باقی مانده طواف عمره و سعی را رجاءاً قبل از طواف زیارت بجا آورد و طواف زیارت و نماز آن و رجاءاً سعی و طواف نسae و نماز آن را به قصد ما فی الذمه بجا آورد، سپس یک عمره مفرد بجا آورد و احتیاطاً برای تقصیر کفاره بدهد.

مسئله ۲۰. اگر زن در میقات پاک است، لکن احتمال می دهد که قبل از طواف عمره حائض شود و پاک نشود، تا وقت عمره بگذرد، یا آن که در میقات حائض باشد و احتمال بددهد پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمنع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال را تمام کند و محل شود، و بعد اعمال حج را بجا آورد و حج تمنع او صحیح است و اگر پاک نشد، با همان احرام اعمال حج را بجا آورد و بعد عمره مفرد بجا آورد، و حج او حج افراد است. و اگر فرصت طوافها را ندارد بنحوی که در مسائل گذشته ذکر شد برای طوافها نایب بگیرد.

مسئله ۲۱. اگر زن در میقات حائض است و یقین دارد پاک نمی شود تا وقت عمره تمتع بگذرد، یا آن که در میقات پاک است و یقین دارد قبل از طواف عمره حائض می شود و پاک نمی شود تا وقت عمره بگذرد جمعی فرموده اند: واجب است از میقات محروم به حج افراد شود، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، و یا در فرع دوم در حیض تأخیر شود، احتیاط مسئله قبل را ترک نکند و به همان نحو عمل نماید.

مسئله ۲۲. اگر زن چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج افراد محروم شد، و اتفاقاً در مکه بر خلاف عادت پاک شد، لازم است از حج افراد - عدول به عمره تمتع کند - یعنی طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد و تقصیر نماید، و بعد برای حج محروم شود و اعمال حج را بجا آورد، و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.

مسئله ۲۳. اگر زن در بین طواف قبل از سه شوط و نیم حائض شود، و تا گذشتن وقت عمره پاک نشود، حکم حائض شدن قبل از طواف را دارد، و عمره تمتع او باطل است، و واجب است عدول به حج افراد نماید بنحوی که گذشت.

مسئله ۲۴. اگر کسی احرام را فراموش نماید، و تا بعد از انجام جمیع واجبات به خاطرش نیاید، اقوی صحت آن عمره است، و جاهل به مسئله در حکم ناسی است، و هم چنین است حکم، در ترک تلبیه جهلاً یا نسیاناً.

مسئله ۲۵. اگر کسی عمداً احرام را ترک کند، و برگشتن به میقات ممکن نباشد اقوی فساد عمره اوست، اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محروم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاe آن را بجا آورد.

جدّه میقات نیست

مسئله ۲۶. میقات بودن جدّه به نظر حقیر محرز نیست، لذا اشخاصی که از ایران یا سایر ممالک از طریق هوایی وارد جدّه می شوند، لازم است یا قبل از حرکت نذر کنند که در محل خود محروم شوند، و بعد از احرام حرکت کنند، و برای نشستن زیر سقف یک گوسفند کفاره در مکه ذبح نمایند، در این صورت از هر طریق بخواهند می توانند وارد مکه شوند، و با همان احرام اعمال عمره را بجا آورند و تجدید نیت هم لازم نیست، هر چند از یکی از میقات ها عبور نمایند و یا آن که اگر نذر نمی کنند لازم است در این حرکت، عازم ورود به مکه نباشند، بلکه قصد کنند که می رویم جدّه که از آن جا به یکی از میقات ها برویم، و در این صورت واجب است پس از ورود به جدّه به یکی از میقات ها بروند و از آن جا محروم شوند، چنانچه با این فرض نتوانستند به میقات بروند، احتیاطاً هر مقدار ممکن است بجانب میقات بروند محروم شوند، و اگر نتوانستند بجانب میقات بروند، در جدّه محروم شوند، و در حدیبیه و یا جعرانه یا ادنی الحل احتیاطاً تجدید نیت کنند، و در غیر این صورت در جدّه نمی توانند محروم شوند.

## نذر احرام پیش از میقات

مسئله ۲۷. چنانچه گفته شد پیش از رسیدن به میقات یا محاذاات آن، احرام بستن جائز نیست، ولی اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محروم شود، مثلًا نذر کند که در تهران یا مشهد یا کوفه محروم شود باید به نذر خود وفا کند، و در همان محل معین که نذر کرده است احرام بیندد، و احرام او صحیح است.

مسئله ۲۸. برای صحت نذر احرام قبل از میقات، کافی است بگوید مثلًا:

لِهَرْ عَلَى أَنْ أُحْرِمَ مِنْ طِهْرَان  
یا فارسی بگوید:

از برای خدا بر من است که از تهران محروم شوم.

مسئله ۲۹. در هر جا که تشخیص میقات یا محاذاات آن به علم یا ظن معتبر ممکن نشود، بهتر آن است که نذر کند پیش از میقات یا

پیش از محاذات میقات، در محل معینی احرام بیند، و از همان محلی که نذر کرده محروم شود.  
مسئله ۳۰. اگر در وقت نذر احرام پیش از میقات، بنا داشته باشد که با وسیله سقف دار مثل هواپیما یا کشتی یا اتومبیل مسقف حرکت نماید، نذر او صحیح است، ولی مرد باید تا ممکن می‌شود در حال حرکت و طی منزل، زیر سقف ننشیند، و اگر مضطرب باشد جایز است، و کفاره دارد که در بحث کفاره ذکر می‌شود.

مسئله ۳۱. کسی که می‌خواهد با هواپیما به حج برود، اگر ناچار باشد و طور دیگر ممکن نباشد، جایز است نذر کند از محل خود محروم شود، ولی در حین احرام قصد کند که تا بتوانم تخلیل نکنم، و با اضطرار، هر چند از جهت ضيق وقت باشد یا وسیله‌ای غیر آن نباشد، جایز است به هواپیما سوار شود، و برای تخلیل فدیه بدهد، لیکن اگر هواپیما شب حرکت کند و جوب فدیه معلوم نیست، ولی مطابق احتیاط است.

## واجبات احرام

مسئله ۳۲. واجبات احرام سه چیز است:

اول - پوشیدن دو جامه احرام، و واجب است که یکی از آن‌ها از ناف تا زانو را پوشاند که آن را لنگ گویند، و دیگری باید بر دوش انداخته شود، و بقدری باشد که شانه‌ها را پوشاند و آن را ردا گویند، و احتیاط لازم آن است که پیش از نیت و گفتن تلبیه‌های واجب، لباس دوخته را درآورد، و لباس احرام را پوشد و بعد نیت کند، و احتیاط مستحب آن است که زن‌ها نیز این دو جامه را پوشند، و درآوردن لباس دوخته بر آن‌ها واجب نیست، و جایز است بانوان بعد از احرام، دو جامه احرام را بیرون بیاورند، و با لباس خودشان باشند، و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

مسئله ۳۳. احرام باید در لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد، پس اگر لباس احرام حریر (ابریشم) خالص باشد، یا از اجزای حیوان حرام گوشت، یا نجس باشد به نجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده یا غصبی باشد، احرام در آن صحیح نیست، ولی اگر لباس احرام به نجاستی که نماز خواندن با آن صحیح است نجس باشد، مثل خون زخم و جراحت و دمل ضرر ندارد.

مسئله ۳۴. باید پارچه‌ای که از ناف تا زانو را می‌پوشاند، بقدری نازک نباشد که پوست بدن از زیر آن نمایان باشد، و احوط در پارچه‌ای که بدوش انداخته می‌شود نیز این است، که به حدی که گفته شد نازک نباشد.

مسئله ۳۵. اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محروم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

مسئله ۳۶. جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد، باید از ابریشم خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که سایر لباس‌های او نیز از ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۳۷. احتیاط واجب آن است که لباس احرام بافتی باشد، چه محروم مرد باشد و چه زن، و از پوست یا مثل نمد مالیده نباشد، و هم چنین از اجتناس جدید مثل پلاستیک و نایلون و امثال آن اگر بافته نیستند، نباشد.

دوم - از واجبات احرام، نیت است، یعنی قصد کند که احرام می‌بنند برای عمره تمنع حجۃ الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم. و معنای احرام بستن، آن است که برای توجه به مکه، و بجا آوردن اعمال حج و عمره، برخود قرار دهد و ملتزم شود کارهای را که در عمره تمنع بر او حرام است ترک نماید، و مستحب است که نیت احرام را به زبان بیاورد چنانچه گذشت.

سوم - گفتن چهار تلبیه است بعد از نیت، و صورت آن این است که بگوید:

لَبَيِّكَ اللَّهُمَّ لَبَيِّكَ، لَبَيِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَيِّكَ  
و بنابر احتیاط واجب جمله ذیل نیز گفته شود.

إنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةُ لَكَ وَالْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ  
وَبَهْرَ، اضَافَه يَكَ لَيْيَكَ دِيَگَرَ است بَعْدَ از لَا شَرِيكَ لَكَ، وَاجْبَ است كَه اين عبارت را به عربى صَحِيحَ بَگَوِيدَ، وَاحْوَطَ وَأَوْلَى  
كَسَرَ هَمْزَه إِنَّ وَفَتْحَ كَافَ الْمُلْكَ است، وَاجْبَ است كَسَى كَه اين عبارت را نَمِيَ دَانَدَ به طور صَحِيحَ آن را يَادَ بَگَيْرَدَ، يَا كَسَى به  
او در وقت گفتن تلقین کند، وَأَكْرَمَ مَمْكُنَ نَشَدَ، به هر صورت که می تواند بَگَوِيدَ، وَتَرْجِمَه اش را به فارسی يا زبان دِيَگَرَ بَگَوِيدَ، وَ  
نايَبَ هَمَ بَگَيْرَدَ رَجَاءً كَه از طرف او بطور صَحِيحَ بَگَوِيدَ.

مسائله ۳۸. مکرر گفتن این چهار تلبیه مستحب است، و پیش از يك مرتبه گفتن آن واجب نیست.

مسائله ۳۹. شخص محرم تا محل نشده جایز نیست لباس دوخته بپوشد، ولی بیرون آوردن لباس احرام برای او در صورتی که ناظر  
محترم نباشد جایز است.

مسائله ۴۰. هر گاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید، و پیش از آن که مشغول طواف شود، بخاطرش بیاید، احוט آن است که  
به میقات برگردد، و لباس احرام را بپوشد، و تلبیه را هم رجاءً بَگَوِيدَ، وَأَكْرَمَ بَرْگَشْتَنَ به میقات ممکن نباشد، هر مقدار ممکن است  
برگردد، و در آن جا بپوشد، وَأَكْرَمَ بَرْگَشْتَنَ اصلاً ممکن نشود، هر جا به خاطرش آمد همانجا لباس احرام بپوشد، و تلبیه را بنحوی  
که ذکر شد بَگَوِيدَ، وَأَكْرَمَ با تمكن برنگشت، و هر جا يادش آمد لباس احرام پوشید، احرام او صحیح است علی الظاهر، گرچه  
خلاف احتیاط است.

مسائله ۴۱. معلوم شد که احرام این است که شخص ملتزم شود، و بر خود قرار دهد، ترک کارهای را که در حال احرام حرام است.  
پس لازم است آن کارها را، پیش از نیت احرام بطور اجمال بشناسد، تا در موقع نیت، ترک آنها را بر خود قرار دهد، و کفايت  
می کند که در نظر داشته باشد ترک محترماتی که در مناسک نوشته شده، و لازم نیست که بطور تفصیل در وقت احرام آن کارها  
در نظرش باشد.

## ۲۵ چیز برو محروم حرام است

- ۱- شکار حیوان صحرائی.
- ۲- جماع (نزدیکی) با زن و سایر لذات.
- ۳- عقد کردن زن.
- ۴- شاهد عقد شدن.
- ۵- استمناء.
- ۶- بوئیدن بوی خوش و گرفتن بینی از بوی بد.
- ۷- پوشیدن چیز دوخته برای مرد.
- ۸- سرمه کشیدن.
- ۹- نگاه کردن در آینه.
- ۱۰- پوشیدن روی پا برای مرد.
- ۱۱- دروغ گفتن و فحش دادن.
- ۱۲- قسم خوردن.
- ۱۳- کشتن جانوران بدن.
- ۱۴- برای زینت انگشتر بدست نمودن.

- ۱۵- پوشیدن زیور برای زن.
- ۱۶- مالیدن روغن به بدن.
- ۱۷- زایل نمودن مو از بدن.
- ۱۸- پوشاندن مرد سر و گوش خود را.
- ۱۹- پوشاندن زن صورت خود را.
- ۲۰- استظلال برای مرد.
- ۲۱- بیرون آوردن خود از بدن خود.
- ۲۲- ناخن گرفتن.
- ۲۳- کندن دندان.
- ۲۴- کندن درخت حرم.
- ۲۵- بستن آلات حرب بر بدن.
- و تفصیل این امور به شرح ذیل است:
- اول - شکار حیوان صحرائی وحشی، حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، مثل روباء و خرگوش و آهو و ملخ و طیور، و حرام است کمک به صیاد، و نشان دادن شکار به او، و خوردن گوشت آن، و نگاه داشتن آن، هر چند پیش از احرام مالک آن شده باشد. و هر حیوانی که شکار کردن آن برمحرم حرام است، برداشتن تخم و جوجه آن نیز، بر محرم حرام است.
- مسئله ۴۲. صید حیوانات وحشی در حرم، و هم چنین برداشتن جوجه و تخم آنها و خوردن آن بر غیر محرم نیز حرام است.
- مسئله ۴۳. شکار حیوان دریائی و کشتن حیوان اهلی، مثل گاو و گوسفند و شتر و خوردن گوشت آنها بر محرم حلال است، و هم چنین کشتن حیوان صحرایی وحشی که از اذیت آن ترس داشته باشد، مانعی ندارد.
- مسئله ۴۴. محرم شکار وحشی را مالک نمی شود، و اگر کسی آن را به او بفروشد یا ببخشد ملک او نمی شود، و اگر پیش از احرام آن را شکار کرده باشد و با خود آورده باشد، وقتی محرم شد از ملک او بیرون می رود و باید آن را رها کند.
- مسئله ۴۵. اگر محرم حیوانی را که شکارش حرام است بکشد، باید کفاره بدهد. و تفصیل آن را در کتابهای حج، فقهای ذکر فرموده اند.

مسئله ۴۶. اگر محرم صیدی را ذبح کند میته است، و خوردن آن بر محرم، و محل حرام است.

دوم - جماع کردن با زن و بوسیدن، و بازی کردن، و نگاه کردن به شهوت به او است بلکه بردن هر لذتی از زن حرام است، هر چند حلال خودش باشد، و لذت بردن مرد محرم از زن نامحرم، و یا مرد از مرد، علاوه بر آن که پیش از احرام حرام بوده، بواسطه احرام مؤکد می شود.

مسئله ۴۷. اگر کسی با علم و عمد، در عمره تمنع جماع کند، خواه در فرج باشد یا در دبر، اگر پیش از سعی باشد بنابر مشهور عمره او فاسد است، و باید احتیاطاً آن را تمام کند، و بعد از تمام کردن عمره، پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید، و یک شتر کفاره بر او واجب است. و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد، آن را به قصد ما فی الذمه، از اتمام و تمام اعاده نماید. و اگر به واسطه تنگی وقت نتواند، آن را پیش از حج اعاده کند، ولی می تواند اتمام کند، اتمام کند، و تقصیر نماید. و احتیاطاً به یکی از مواقیت برود، و محرم به احرام حج افراد شود، و اگر وقت تنگ است هر چه می تواند بطرف میقات برود و محرم شود و به مکه بیاید، و در مکه نیز احتیاطاً محرم به احرام حج تمنع شود، و سایر اعمال را بقصد ما فی الذمه از حج تمنع یا افراد بجا آورده، و بعد یک عمره مفرده بجا آورده. و احوط اعاده حج است در سال آینده. و اگر بعد از سعی جماع کند فقط یک شتر، کفاره بر او لازم است، و حج

او صحیح است.

مسئله ۴۸. اگر کسی در احرام حج جماع کند، اگر پیش از وقوف به عرفات و مشعر بوده حج او فاسد است، و باید آن را تمام کند، و در سال دیگر قضاe آن را بجا آورد. و هم چنین است حکم، بنابر اشهر، اگر بعد از وقوف به عرفات و پیش از مشعر جماع کند، و باید در هر دو صورت تا تمام شدن مناسک حج بین زن و شوهر جدائی باشد، یا شخصی ثالثی نزد آنان باشد، و این حکم در سال بعد نیز که حج می‌کنند و به این محل می‌رسند در حق ایشان جاری است، و حکم زن، مثل حکم مرد است اگر راضی باشد، و اگر مرد، او را مجبور نموده حج زن صحیح است، و دو کفاره بر مرد است. و اگر بعد از وقوف عرفات و مشعر باشد در صورتی که پنج شوط از طواف نساء را بجا نیاورده باشد فقط کفاره بر او لازم است و حج او صحیح است، و بعد از پنج شوط، کفاره بر او نیست اگر چه احوط است.

مسئله ۴۹. کفاره بوسیدن زن اگر از روی شهوت باشد یک شتر است، و اگر به غیر شهوت نیز باشد، بنابر احتیاط واجب، یک شتر است.

مسئله ۵۰. اگر محروم عمداً از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، یا زن خود را ببوسد، کفاره آن یک شتر است، و اگر به غیر عیال خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، بنابر احتیاط واجب کفاره آن یک شتر است، و اگر نتواند، یک گاو و اگر آن را هم نتواند یک گوسفند کفاره بدهد.

سوم - آن که، زنی را برای خودش یا برای شخص دیگر عقد کند، اگر چه آن شخص محروم نباشد، و عقد هم باطل است. و احتیاط واجب آن است که زن را خواستگاری هم نکند ولی رجوع به مطلقه رجعیه در عده مانع ندارد.

مسئله ۵۱. کسی که زنی را برای محرومی عقد کند، و آن محروم به آن زن دخول کند، بر آن کسی که عقد کرده اگر چه محروم نباشد، و بر محرومی که دخول کرده، هر یک، یک شتر کفاره واجب است. و بر زن نیز اگر چه محل باشد و بداند که شوهرش محروم است همین کفاره لازم است. ولی اگر دخول واقع نشود بر هیچ یک کفاره نیست.

چهارم - آن که شاهد عقد ازدواج شود، و اگر پیش از احرام شاهد شده است در حال احرام شهادت بر آن جایز نیست.

پنجم - استمناء است (استمناء به غیر ملاعنه با حلیله خود، در غیر حال احرام نیز حرام است) یعنی کارهائی که به سبب آنها منی از انسان خارج می‌شود، مثل ملاعنه با زن، بلکه با دست یا خیالات شهوت انگیز که منی از او بیرون آید، کفاره آن یک شتر است. و احوط آن است که این کارها را ترک کند، اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود.

ششم - بوئیدن بوی خوش، مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، و نیز مالیدن آنها بر بدن و خوردن آن و پوشیدن لباسی که در آن بوی خوش باشد اگر اثرش باقی باشد حرام است و در صورت احتیاج به خوردن یا پوشیدن، باید بینی خود را بگیرد، و بنابر احتیاط لازم، باید استعمال گل‌های خوشبو را نیز ترک کند، و بنابر احتیاط، از بوئیدن میوه‌های خوشبو، مثل سیب و به، خودداری کند، ولی خوردن آنها ضرر ندارد.

مسئله ۵۲. چنانچه اتفاقاً از برابر دکان‌های عطر فروشی عبور کند، بنابر احتیاط لازم، بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسئله ۵۳. احوط آن است که از بوهای خوش کعبه هم خودداری کند، ولی آن‌چه به غیر اختیار در حال طواف از بوی آن به شامه یا به لباس یا بدن می‌رسد ظاهراً اشکال ندارد، و گرفتن بینی یا شستن لباس و بدن واجب نیست.

مسئله ۵۴. کفاره استعمال بوی خوش بنابر احتیاط واجب کشتن یک گوسفند است.

مسئله ۵۵. در حال احرام گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی از آن به تعجیل گذشتن حرام نیست.

هفتم - پوشیدن چیز دوخته است، هر چند کوچک باشد، ولی بستن همیان پول به کمر عیی ندارد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که طوری بیندد که بدون گره باشد و بستن فتق بند نیز، اگر ناچار باشد مانع ندارد اگر چه دوخته باشد ولی بنابر احتیاط

مستحب، یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۵۶. احتیاط لازم آن است که به لباس احرام خصوصاً ردا، گره نزنند و تکمه در آن ندوزنند و به چوب یا سوزن و سنجاق آن را بهم وصل نمایند.

مسئله ۵۷. حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردها است، پس جایز است زن‌ها لباس دوخته بپوشند، ولی باید از پوشیدن قفازین که دستکش مخصوصی است خودداری نمایند.

مسئله ۵۸. گذاردن سنگ در لای لباس احرام، و بستن و پیچیدن آن با نخ، بدون آن که گره بزند مانع ندارد، بشرط آن که دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گربیان (یقه) شود، و جایز نیست رداء را سوارخ کند و سرش را از رداء بیرون آورد. هشتم - سرم کشیدن است به چیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگر چه قصد زینت هم نداشته باشد. و احوط آن است که به چیزی که سیاه هم نباشد به قصد زینت خصوصاً اگر بوی خوش داشته باشد سرم نکشد.

نهم - نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است مگر در حال ضرورت، مثل راننده که گاهی از اوقات برای او ضرورت دارد، ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد، اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است، و هم چنین احتیاط مستحب ترک عینک زدن است. دهم - از چیزهایی که بر مرد محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند مثل چکمه و جوراب، و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند، ولی بند نعلین که مقداری از روی پا را می‌پوشاند اشکال ندارد، و اگر محتاج شود به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند از جهت نداشتن نعلین، احوط شکافتن روی آن‌ها است.

یازدهم - فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است، و آن دروغ و فحش دادن است. و نیز حرام است عیبی را از خود دور و به دیگری نسبت دهد، یا صفت خوبی را برای خود بگوید، و آن را از دیگری سلب کند، بلکه احتیاط آن است که از هر سخن زشت و ناروائی در حال احرام خودداری کند.

مسئله ۵۹. دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام نمی‌شود، و کفاره آن استغفار است. و مستحب است صدقه دادن به چیزی، بلکه کشتن یک گاو، مستحب است.

دوازدهم - جدال است، و آن قسم خوردن به گفتن لا-والله یا گفتن بلی والله است، خواه راست باشد یا دروغ، و احتیاط واجب آن است که به غیر این دو لفظ هم قسم نخورد، و در موقع ناچاری که اثبات حق یا رد باطل به غیر آن نشود مانع ندارد. و آری والله و بله والله و نه والله ملحق به آن است بنابر احتیاط لازم.

مسئله ۶۰. اگر قسمی که خورده است راست باشد تا دو مرتبه کفاره ندارد و باید استغفار کند، و در مرتبه سوم، کفاره آن یک گوسفند است و اما قسم دروغ در مرتبه اول، کفاره آن یک گوسفند، و در مرتبه دوم، یک گاو، و در مرتبه سوم، یک شتر است. سیزدهم - کشتن شپش یا کک و کنه و مانند این‌ها است، در بدن باشد یا در لباس. و هم چنین انداختن شپش و کک از بدن، بلکه آن‌ها را از جای خودشان بجای دیگر - در صورتی که جای اول محفوظ تر باشد - نقل ندهند، و اما اگر جای اول محفوظ تر نیست، عوض کردن جای آن‌ها مانع ندارد.

چهاردهم - به جهت زینت، انگشت بدست کردن برای محرم حرام است، ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. و احتیاط آن است که از بستن حنا به قصد زینت، بلکه به غیر قصد زینت، در حال احرام و پیش از احرام، اگر اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند خودداری کند.

پانزدهم - پوشیدن زیور است برای زن به قصد زینت، ولی آن‌چه را عادت بپوشیدن آن پیش از حال احرام داشته، لازم نیست بیرون بیاورد، ولی باید برای شوهرش با مرد دیگر آن را نمایان سازد.

شانزدهم - مالیدن روغن به بدن است، هر چند در آن بوی خوش نباشد، و نیز پیش از احرام روغن مالیدن، اگر در آن بوی خوش باشد، و اثرش تا حال احرام باقی بماند جایز نیست.

مسئله ۶۱. اگر در حال احرام ناچار شود از مالیدن روغن، در این صورت مالیدن آن، مانع ندارد.

هفدهم - ازاله کردن مو است از بدن خود، یا از بدن کس دیگر، اگر چه آن کس محروم نباشد، اگر چه یک مو باشد، ولی اگر ناچار باشد، مثل آن که برای رفع درد سر مو را برطرف کند، یا آن که مو، چشم را اذیت کند، ازاله آن حرام نیست.

مسئله ۶۲. کنده شدن مو در حال وضعی یا غسل بدون قصد ضرر ندارد.

مسئله ۶۳. کفاره تراشیدن سر، و ازاله، موی زیر هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل، اگر ناچار شود، یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا صدقه دادن ده مدد، بر ده مسکین است. و بعضی دوازده مدد بر شش مسکین فرموده‌اند. و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود، و اگر ناچار نشود بنابر احتیاط واجب، کفاره کشتن گوسفند است. و هر گاه دست به سر یا به ریش خود بکشد، و یک مو یا دو مو بیفتند، احتیاطاً یک مشت گندم یا جو و مانند اینها صدقه بدهد.

هیجدهم - آن که مرد، سر و گوش خود را پوشاند، و احتیاط واجب آن است که گل و حنا به سر نمالد، و چیزی هم بر سر نگذارد، بلکه احتیاط مستحب این است که با دست نیز سر را نپوشاند.

مسئله ۶۴. پوشیدن قسمتی از سر نیز حرام است، ولی گزاردن بند مشک آب بر سر مانع ندارد، و پوشیده شدن مقداری از سر، یا تمام آن، بواسطه دستمالی که برای درد سر به سر می‌بندد مانع ندارد، لیکن یک گوسفند کفاره دارد، چنان که مذکور خواهد شد.

مسئله ۶۵. در حال احرام، سر به زیر آب یا مایع دیگر فرو کردن، برای مرد جایز نیست، بلکه احتیاط برای زن نیز ترک آن است.

مسئله ۶۶. پوشاندن صورت برای مردها جایز است.

مسئله ۶۷. کفاره پوشیدن سر، یک گوسفند است، اگر چه از روی ناچاری باشد، و احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را پوشاند، برای هر بار جداگانه کفاره بدهد، خصوصاً اگر بدون عذر باشد، و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود. نوزدهم - آن که زن، تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب یا چیز دیگر پوشاند.

مسئله ۶۸. اگر زن در موقع نماز، برای آن که یقین کند سر و گردن او پوشیده شده، مقداری از اطراف صورت را پوشاند اشکال ندارد، ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

مسئله ۶۹. جایز است به جهت روگرفتن از نامحرم، مقداری از چادر یا چیز دیگری که به سر اندخته، تا محاذی چانه پائین بیندازد، لیکن احتیاط لازم این است که آن را به دست یا به چیزی دور از صورت نگهدارد، که مثل نقاب نشود، و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم - آن که مرد محرم، در روز در حال راه پیمودن، بالای سر خود سایه قرار دهد، چه سواره باشد و چه پیاده، و احتیاط مستحب آن است که در شب هم در حال راه پیمودن، برای خود سایه قرار ندهد.

مسئله ۷۰. برای زن و بچه، بالای سر، سایه قرار دادن اشکال ندارد.

مسئله ۷۱. احتیاط مستحب آن است که مرد محرم، در حال راه پیمودن، در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد.

مسئله ۷۲. در وقت ناچاری، مثل شدت سرما یا گرما یا باران، در حال راه پیمایی، زیر سایه رفتن جایز است، ولی یک گوسفند کفاره آن بر او واجب می‌شود، و اما اگر در احرام عمره یا حج، مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود، به تکرار آن، کفاره تکرار نمی‌شود، بلی اگر هم در احرام عمره و هم در احرام حج سوار مرکب سقف دار شود، باید برای هر یک جداگانه کفاره بدهد. و احتیاط آن است که اگر بتواند برای هر روز یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۷۳. مرد محروم، در وقتی که منزل می‌کند، زیر طاق و مانند آن برود، یا چتر به سر بگیرد اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد، و نشسته نباشد، ولی احتیاط آن است که در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم، زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست.

بیست و یکم - آن که از بدن خودش خون بیرون بیاورد، هر چند به خراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد، اگر بداند که این کارها سبب بیرون آمدن خون می‌شود، ولی در حال ناچاری مانع ندارد، و کفاره آن بنا بر احوط و اولی یک گوسفند است.

مسئله ۷۴. اگر از بدن شخص دیگر خون بیرون آورد، اشکال ندارد.

بیست و دوم - ناخن گرفتن است، اگر چه مقدار کمی از یک ناخن باشد، و اما اگر ناچار باشد - مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد، و باقی مانده، او را اذیت کند - گرفتن آن جایز است، و کفاره آن یک مُد (تقریباً سه ربع کیلو) طعام است، مثل گندم یا جو و مانند این‌ها که باید به فقیر بدهد. و کفاره گرفتن تمام ناخن نیز یک مُد است، و اگر تمام ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، یک گوسفند لازم است، و اگر ناخن دست‌ها را در یک مجلس، و پاهای را در مجلس دیگر بگیرد، دو گوسفند لازم است. و اگر شخصی اشتباهًا به محرمی بگوید: گرفتن ناخن در حال احرام اشکال ندارد، و آن محروم باور کند، و ناخن بگیرد و اتفاقاً خون بیفتد، باید کسی که مسئله را اشتباه گفته یک گوسفند کفاره بدهد، چه محروم باشد، و چه محل و چه مجتهد باشد یا نباشد.

بیست و سوم - کشیدن دندان است، هر چند خون نیاید، و کفاره آن بنابر احتیاط، یک گوسفند است.

بیست و چهارم - کندن درخت و گیاهی است که در حرم روئیده باشد، ولی کندن درخت و گیاهی که در ملک خودش روئیده باشد مانع ندارد.

مسئله ۷۵. اگر محروم، درختی را که کندن آن در حال احرام حرام است بکند، جمعی فرموده‌اند: که اگر بزرگ باشد کفاره آن یک گاو و اگر کوچک باشد یک گوسفند است، و این قول مشهور است. و بعضی فرموده‌اند: قیمت درخت را به فقیر بدهد. و ظاهر این است که اگر گاو یا گوسفند را، به قصد ما فی الذمه، از عین آن‌ها یا قیمت درخت بدهد، و قیمت درخت بیشتر نباشد، کافی است. و اگر مقداری از یک درخت را بکند، باید به مقدار قیمت آن به فقیر بدهد. و اگر گیاهی را بکند، استغفار کند ولی کفاره ندارد.

مسئله ۷۶. کندن درخت یا گیاه حرم به تفصیلی که گفته شد برای کسی که محرم هم نیست حرام است، ولی جایز است حیوان خود را رها کند تا علف را بخورد، بدون آن که خودش به جهت او آن را قطع کند، چنانچه راه رفتن بطور متعارف، اگر موجب کنده شدن گیاه حرم شود مانع ندارد.

بیست و پنجم - اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است، و بعضی زره و خود و هر چه از وسائل دفاع باشد نیز جز سلاح شمرده، و پوشیدن آن‌ها را حرام دانسته‌اند.

مسئله ۷۷. احتیاط واجب آن است که اسلحه را اگر نمایان باشد همراه برندارد، اگر چه به تن او نباشد.

## محل ذبح کفاره

مسئله ۷۸. محل ذبح یا نحر کفاره صید، اگر در احرام عمره باشد مکه است، و اگر در احرام حج باشد منی است. و بنابر احتیاط، محل ذبح کفاره غیر صید نیز در احرام حج منی است، و در احرام عمره مکه است، ولی اگر ممکن از آن در مکه یا منی نشد یا فقیری که آن را به او صدقه بدهد نبود و یا به هر جهت دیگر ترک شد در وطنش ذبح کند، و به فقیر بدهد.

مسئله ۷۹. از کارهایی که بر محروم حرام است، پانزده قسم آن کفاره دارد، لیکن در بعضی از آن اقسام کفاره بنابر احتیاط است.

- ۱ - شکار.
- ۲ - عقد به شرط دخول.

۳- استمناء.

۴- جماع و بوسیدن زن.

۵- استعمال بوی خوش.

۶- پوشیدن چیز دوخته برای مرد.

۷- جدال.

۸- زایل کردن موی زیر بغل و تراشیدن سر (تراشیدن و زایل کردن موی زیر بغل غیر، کفاره ندارد، اگر چه حرام است).

۹- پوشانیدن سر برای مرد.

۱۰- پوشانیدن زن تمام یا قسمتی از صورت خود را.

۱۱- سایه بالای سر قرار دادن برای مرد در حال سیر.

۱۲- بیرون آوردن خون از بدن خود.

۱۳- ناخن گرفتن.

۱۴- کندن دندان.

۱۵- کندن درخت و گیاه حرم.

و شرح هر یک به مقداری که در این رساله مناسب بود گفته شد.

مسئله ۸۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسئله، یکی از کارهای را که سبب کفاره می‌شود انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی‌شود، مگر در شکار، و بعض موارد دیگر که حکم آن بعداً ذکر می‌شود که در صورت فراموشی و ندانستن مسئله نیز کفاره لازم می‌شود.

## طوف عمره

مسئله ۸۱. دانسته شد که دوم از اعمال واجب عمره تمنع، طوف خانه کعبه است. و پیش از بیان احکام آن، مستحبات داخل شدن به حرم، و مستحبات داخل شدن به مکه، و مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام را به تفصیل شرح می‌دهیم انشاء الله.

### – مستحبات داخل شدن به حرم

مسئله ۸۲. بدان که مقداری از زمین‌هایی که از جهات چهارگانه محیط به مکه است، حرم می‌باشد، و طول و عرض آن هر یک چهار فرسخ است، لکن مسافت آن از تمام جهات به مکه مساوی نیست و علاماتی از طرف جدّه و عرفات، و سایر اطراف که وارد مکه می‌شوند نصب شده است که معلوم است.

مسئله ۸۳. مستحب است که محروم چون به حرم رسید، قبل از ورود به آن پیاده شود، و برای وارد شدن به حرم غسل کند، و پا را برهن کند، و نعلین را در دست گیرد، و وارد حرم شود. و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت به خداوند متعال، خداوند عالم، جل ذکره، محظوظ از او صد هزار گناه، و بنویسد از برای او صد هزار حسن، و صد هزار حاجت او را برآورد، و مستحب است که در وقت وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَذْنُ فِي النَّاسِ بِالْحِجَّةِ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَيْجٍ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَبْجَبَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جَئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَهٗ وَفَجْعٍ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنَدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغَنِي بِذِلِكَ الرُّلْمَهَ عِنْدَكَ، وَالْقُوبَهَ إِلَيْكَ، وَالْمُتَزَّلَهَ لَدَنِيكَ، وَالْمَغْفِرَهَ

لِذْنُوبِي، وَالْتَّوْبَةَ عَلَىٰ مِنْهَا بِمَنْكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَآمِنْ مِنْ عَذَابِكَ وَعَقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

### – مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

بدان که مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقرین، و محل بزرگ ترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول امطار رحمت و مغفرت، و آیات بیانات الهی، و مقام ابراهیم خلیل است. و از این جهات و جهات بسیار دیگر، مخصوصاً از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت آن بسیار است. کسی که وارد آن شهر مقدس می‌شود باید فضایل مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد، تا برای ادراک برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود، و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده، و گناهانش آمرزیده، و عیوبش بر طرف شود، انشاء الله تعالی.

إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةً لِأَنَّهَا تَمَكُّكَ الذُّنُوبَ أَىْ تُزِيلُهَا كُلَّهَا.  
مَكَّهُ رَا به این نام نهاده‌اند چون تمام گناهان را محو و نابود می‌کند.

مسئله ۸۴. مستحب است به جهت وارد شدن به مکه اگر

ممکن شود غسل دیگر کند، و با آرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود، و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود از عقبه (کداء) که در شمال مکه است. و بعضی این حکم را مختص به کسانی دانسته‌اند که از راه مدینه می‌روند. و در موقع خروج، از عقبه ذی طوی که در جنوب مکه واقع است خارج شود.

### – مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

مسئله ۸۵. بنا به فرموده بعضی از علماء، مستحب است غسل به جهت وارد شدن به مسجدالحرام و مستحب است که از در بنی شیبه که مقابل باب السلام است، و بواسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است وارد شود. و در کمال خصوع و خشوع، و آرامش دل و بدن، در نزد آن بایستد و بگوید - چنان که در خبر صحیح است -

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَمُهُ اللَّهُ وَبَرَّ كَاتِهِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِهِلَّلَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.  
و در روایت دیگر وارد است که می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَيَّ اللَّهُ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ  
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَمُهُ اللَّهُ وَبَرَّ كَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ  
الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحِمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
مَحِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرَسُولِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ،  
وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَاتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحَفْظِ  
الْإِيمَانِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَ ثَنَاءً وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِهَاعِ الدِّيْ جَعَلَنِي مِنْ وَفِدِهِ وَزُوْارِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرْ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.  
اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَيَاتِيٍّ حَقُّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَيَاتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَأَشَأْلِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ  
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَأْتِكَ وَاحِدَّ صَيْمَدُ لَمْ تَلْدُ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ) كُفُواً أَحَدُ، وَأَنَّ

مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولِكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّاهُ  
بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه می گویی:

اللَّهُمَّ فُكْ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس می گوئی:

وَأَوْسَعْ عَلَى مِنْ رِزْقِكَ الْحَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَوْبِ وَالْعَجْمِ.

پس داخل مسجد می شوی و می گویی:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلهِ.

پس دستها را بردار و روی به کعبه معظمه کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبِلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجْعَلْ عَنْ حَطَبِيَّتِي، وَأَنْ تَصْعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
بَلَغَنِي يَتِيَّةُ الْحَرَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذِهِ بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتُهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ  
وَالْبَلْدُ بَلْدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمَ طَاعَتَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًّا بِقَدَرِكَ، أَسْأَلُكَ مَشَالَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ  
مِنْ عُقوَبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاشْتَعِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

پس خطاب به کعبه کن و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكِ وَشَرَفَكِ وَكَرَمَكِ وَجَعَلَكِ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

و چون نظر بر حجر الاسود افتد رو بسوی او کن و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كَنَّا لِنَهْدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللهُ، سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللهُ  
أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يَخْبِي وَيُمِيَّتُ وَيَعْلَمُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ  
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَدَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَيَا صَلَّيَ وَبَارَكَ وَتَرَحَّمَ عَلَى  
إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّنَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَرْبُّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُؤْمِنُ بِوَاعِدِكَ وَ  
أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.

پس به تأني و آهسته روانه شو و گامها را کوتاه بگذار پس چون به نزديك حجر الاسود رسیدی دستها را بردار و حمد و ثنای

الهی بجا آور و صلوات بر محمد و آل محمد فرست و بگو:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

و اگر توانستی دست و رو و بدن را به حجر الاسود می مالی - و می بوسی آن را و اگر نتوانستی ببوسی دست به مال و اگر نتوانی

دست را بمالی اشاره کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَذْيَتُهَا، وَمِيَاثِقِي تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوْافَأَةِ. اللَّهُمَّ تَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْمِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَتُ بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْرِ وَالْطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعَزْرِي، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةِ  
كُلِّ بَنِي دُعَى مِنْ دُونِ اللهِ.

و اگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسِطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبِلْ سُبْحَنَتِي، وَأَغْفِرْلِي، وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ،  
وَمَوَاقِفِ الْخُرْبِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و بعد از آن شروع به طواف کن.

## احكام طواف عمره تمنع

مسئله ۸۶. کسی که وظیفه او عمره تمنع است بعد از احرام، و وارد شدن به مکه معظمه، واجب است هفت شوط طواف کند. یعنی هفت مرتبه دور کعبه بگردد، که آن را طواف عمره تمنع می‌گویند.

مسئله ۸۷. طواف رکن عمره است، یعنی اگر کسی عمدًاً طواف را ترک کند وقت آن بگذرد عمره او باطل است، چه عالم باشد چه جاهل، چه تمام طواف را ترک کند چه بعض آن را، و موقعی وقت آن می‌گذرد که نتواند پیش از وقوف به عرفات آن را بجا آورد، که در این حال چون بعيد نیست که احرام او نیز باطل شده باشد بنابر احتیاط واجب به میقات برود و اگر بواسطه تنگی وقت ممکن از رفتن به میقات نیست هر مقدار می‌تواند به طرف میقات برود و رجاءً محروم به احرام حج افراد شود و به عرفات برود. و کارهای حج را انجام دهد، و بعد از آن عمره مفرد بجا آورد، در سال دیگر نیز باید حج خود را بجا آورد. ولی کسی که حج تمنع او بواسطه عذری - چنان که گفته خواهد شد - بدل به افراد شود بعد از تمام کردن حج افراد و بجا آوردن عمره مفرد به تکلیف خود عمل کرده، و دیگر در سال بعد حج بر او لازم نیست.

مسئله ۸۸. اگر کسی طواف را فراموش کند باید هر وقت بخاطرش آمد آن را انجام دهد، و اگر بعد از رفتن به شهرش یادش آمد، و برگشتن برای او ممکن نباشد یا دشوار باشد، نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۸۹. کسی که طواف را فراموش کرده و سعی را بجا آورده باشد، بنابر احتیاط لازم باید خود یا نایبی که از طرف او طواف را بجا آورده، سعی هم بنماید.

مسئله ۹۰. اگر مريض نمی‌تواند طواف کند، او را بطوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود، و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند، و اگر هیچ گونه ممکن نشود نایب بگیرد که از برای او طواف کند.

## شایط طواف

در طواف پنج چیز شرط است.

شرط اول - آن که با طهارت باشد، پس محدث به حدث اکبر یا اصغر، طواف واجب او باطل است، اگر چه از روی فراموشی یا جهل به حکم باشد.

مسئله ۹۱. اگر در وقتی که مشغول طواف است وضوء یا غسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری برایش پیدا شود که نتواند طواف را تمام کند، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده است، از همانجا طواف را رها کند، و بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از همانجا که رها کرده تمام نماید، و اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد، و اگر به سه شوط و نیم رسیده و شوط چهارم را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از وضو یا غسل یا بعد از بروط شدن عذر، باقی مانده را از همانجا که رها کرده تمام کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف کند و دو رکعت دیگر نماز طواف را نیز بجا آورد.

مسئله ۹۲. کسی که قبل از طواف، یا در بین طواف قبل از تمام شدن هفت شوط شک، کند که غسل کرده یا وضو گرفته یا نه، یا بداند که حدثی از او صادر شده و غسل یا وضو هم گرفته، ولی نداند کدام جلوتر بوده باید غسل کند یا وضوء بگیرد. و بعد، طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از طواف شک نماید اعتنا به آن شک نکند. و کسی که شک کند که وضوء یا غسلش باطل شده یا نه به آن شک اعتنا نکند، و طواف را بجا آورد، چه قبل از طواف باشد، و چه در بین، و چه بعد از طواف.

مسئله ۹۳. اگر کسی بواسطه عذری نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود. و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود، باید برای طوف بدل از غسل یا وضو تیم کند، بطوری که در تیم نماز عمل می‌کند. و کسی که تیم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن که خودش طوف را بجا آورد احتیاطاً نائب هم بگیرد.

مسئله ۹۴. زن حائض بعد از پاک شدن و قبل از غسل، در وجب غسل با امکان، و تیم با عدم امکان غسل، حکم او حکم جنب است، و اگر در تمام مدتی که در مکه است پاک نشود، باید برای هر طوف و نماز آن نائب بگیرد، و خودش طوف نکند. ولی سایر اعمال را خودش بجا آورد.

شرط دوم - در طوف پاک بودن بدن و لباس است، به طوری که در نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو شده نیز طوف نکند، و برای طوف، آن را برطرف نماید، و تطهیر کند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست، احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طوف کند و هم نائب بگیرد تا برای او طوف نماید. ولی در صورتی که وقت دارد و می‌تواند تطهیر کند بنابر احتیاط واجب باید طوف را به تأخیر بیندازد.

مسئله ۹۵. اگر بعد از طوف بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده طوافش صحیح است. و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طوف کرد، احتیاط لازم آن است که طوف را دوباره بجا آورد.

مسئله ۹۶. اگر در بین طوف لباس یا بدنش نجس شود، یا بفهمد که از پیش نجس بوده، و بدون رها کردن طوف شستن آن ممکن نباشد، طوف را رهانماید. و اگر چهار دور یا بیشتر طوف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، طوف را تمام کند. و اگر به سه دور و نیم نرسیده، طوف او باطل است، و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد. و اگر از سه دور و نیم گذشته، و چهار دور را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طوف را تمام کند، و نماز طوف را بخواند و دوباره طوف و نماز آن را بجا آورد.

شرط سوم - آن است که مرد طوف کننده ختنه شده باشد. پس اگر ختنه نکرده باشد طوف او باطل است، و بنابراین، طوف نساء از مرد غیر مختون باطل است، و بنابر احتیاط لازم بچهای که ختنه نشده اگر طوف نساء کند یا او را طوف دهند، طوافش باطل خواهد بود و بعد از ختنه تا خودش یا ناییش از طرف او طوف‌هایی را که بر ذمه دارد بجا نیاورد، زن بر او حلال نخواهد شد.

شرط چهارم - پوشانیدن عورت است با چیزی که مباح باشد و غصبی نباشد. بلکه احتیاط آن است که در آن تمام شرایط لباس نماز گزار رعایت شود.

شرط پنجم - آن است که نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم هفت دور طوف خانه کعبه انجام می‌دهم طوف عمره تمنع حجّه‌الاسلام.

## واجبات طوف

واجبات طوف هفت چیز است:

اول و دوم - آن است که طوف را در هر دور از حجرالاسود شروع کند و به حجرالاسود تمام کند، و برای این که یقین نماید در هر دور، از جزء اول حجر شروع نموده و به جزء اول تمام کرده، در طوف اول باید کمی پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند، و قصد نماید که ابتدا در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد، و انتهای آن همان موضوعی که واقعاً انتهای دور است باشد، و با همین نیت هفت دور طوف کند.

سوم - آن که طوری طوف کند که در تمام مدتی که به طوف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد پس اگر درین

طوف را به خانه کعبه کند برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگر، یا آن که به بواسطه زیادی جمعیت پشت به خانه یا روی به خانه کند، آن مقدار جزء طوف محسوب نمی‌شود، و باید برگردد و آن مقدار را بطوری که خانه کعبه بطرف دست چپش باشد بجا آورد، و اگر نمی‌تواند برگردد آن موضع را نشان کند، و بدون نیت دور بزنده تا به آن موضع که رسید از آنجا قصد طوف کند، و طوف را تمام کند.

مسئله ۹۷. برای این که در تمام احوال طوف، شانه چپ، مقابل خانه کعبه باشد دستور داده‌اند بهتر این است که وقتی از حجر الاسود گذشت، پیش از رسیدن به در حجر اسماعیل کمی بدن را به طرف چپ خود کج کند، و پیش از رسیدن به در دیگر حجر اسماعیل نیز قدری بدن را به طرف راست کج کند، تا شانه چپ از خانه رد نشود، و مقابل هر رکنی که می‌رسد به همین دستور عمل کند، ولی رعایت این دقت‌ها لازم نیست، و همین که بطور متعارف هفت شوط را انجام دهد کافی است.

چهارم - آن است که حجر حضرت اسماعیل (علیه السلام) را که مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن بسیاری از انبیاء علی نبینا و آله و علیهم السلام است، در طوف خود داخل کند، یعنی در خارج حجر طوف کند، و داخل آن نشود، و چنانچه از داخل حجر طوف نماید آن دور از طوف او باطل می‌شود، و اعاده آن از موضوعی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن دور را از سر بگیرد، و اگر اعاده نکند طوف او باطل است و در این جهت فرقی بین عالم و جاہل و ناسی نیست.

و با اعاده چون احتمال باطل شدن اصل طوف نیز می‌رود، احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طوف و خواندن نماز، دوباره طوف کند، و نماز آن را بخواند.

پنجم - آن که در حال طوف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان) پس اگر در بین طوف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود، باید آن مقدار را که دور بوده از طوف حساب نکند، و دوباره بطور صحیح بجا آورد، ولی اگر چاره‌ای از طوف در خارج از این فاصله نباشد طوف در دورتر از این فاصله بشرط صدق طوف و رعایت نزدیکی ممکن اشکال ندارد.

ششم - آن که در حال طوف از خانه و آنچه از خانه حساب می‌شود خارج باشد، پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آن را شاذروان گویند راه برود، آن مقدار از طوف که بر روی سکو راه رفته باطل است، و باید آن مقدار را بطور صحیح دوباره بجا آورد، و طوف را تمام و بعد از خواندن نماز طوف دوباره آن را با نمازش، احتیاطاً اعاده نماید، و هم چنین اگر در اثناء طوف روی حجر اسماعیل برود بلکه احتیاط آن است که در بین طوف روى شاذروان برای دست مالیدن به رکن‌ها یا غیر آن، دست دراز نکند و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا این که در تمام طوف، تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دور طوف کند و آن را کم و زیاد نکند.

مسئله ۹۸. اگر عمداً یک شوط یا بیشتر کم کند، واجب است آن را تمام کند در صورتی که کاری که موالات و پی درپی بودن طوف را بهم می‌زند انجام نداده باشد، و اگر تمام نکند تا موالات به هم بخورد، در حکم ترک طوف است پس اگر وقت باقی است باید طوف را عاده کند و اگر وقت گذشته حکم مسئله ۸۷ را دارد که گذشت.

مسئله ۹۹. اگر سهواً کمتر از هفت دور طوف کند، پس اگر از سه دور و نیم نگذشته، باید طوف را از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته، و فقط یک دور کم کرده آن را تمام کند، و اگر بیشتر از یک دور کم کرده بنابر احتیاط لازم آن را تمام کند و نماز طوف بخواند و دوباره هفت دور طوف و نماز آن را بجا آورد، ولی در طوف مستحب تمام کردن کافی است.

مسئله ۱۰۰. اگر عمداً یک دور یا بیشتر از یک دور زیاد کند به قصد آن که جزء طوف دیگر باشد قران (جمع) بین طوافین است که در طوف مستحب مکروه، و در طوف واجب، حرام است. بلکه بنابر احتیاط لازم سبب باطل شدن طوف می‌شود، چه آن که از اول طوف، این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را بجا آورده باشد ضرری به طوف نمی‌زند، و

اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد بجا آورد پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته، بی اشکال طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل می شود، و اگر در آخر طواف قصد کند، مشهور فرموده‌اند: طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز را بخواند و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

مسئله ۱۰۱. اگر از روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را رها کند، و طواف او صحیح است، و اگر یک شوط یا بیشتر زیاد کند طواف واجب او صحیح است، و مستحب است که آن‌چه را زیاد کرده به قصد قربت مطلقه به هفت دور برساند، و در این صورت احوط آن است که یک نماز طواف پیش از سعی، جهت طواف واجب، و یک نماز طواف بعد از سعی، جهت طواف مستحب، بجا آورد، و بهتر آن است که بعد از عمل به این احتیاط، اصل طواف و نماز آن را دوباره قبل از سعی بجا آورد.

مسئله ۱۰۲. کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند، و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید، و آن‌چه را فراموش کرده بجا آورده، واجب است نائب بگیرد که برای او طواف کند، و نماز طواف بخواند و بنابر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوهاً یا احتیاطاً بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند.

مسئله ۱۰۳. اگر بعد از طواف، در عدد دروهای آن شک کند، به آن شک اعتنا نکند، و اگر در آخر یکی از دورها شک کند که آن شوط هفتم بوده یا هشتم، بنا گذارد که دور هفتم بوده است، و اگر در بین شوطی شک کند که هفتم است یا هشتم، احوط بجا آوردن نماز طواف و اعاده طواف با نماز آن است.

مسئله ۱۰۴. اگر یقین داشته باشد که بیشتر از هفت شوط طواف نکرده، و شک در عدد آن کند، و جو ب از سر گرفتن طواف، حالی از قوت نیست، و احتیاط آن است که بنا را بر اقل گذارد. و تمام کند، و نماز طواف بخواند، و بعد طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۱۰۵. اگر ازدحام جمعیت، انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی که بکلی از اختیار او خارج نشود و قصد طواف داشته باشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۶. طواف و سعی بوسیله چرخ‌هایی که اخیراً معمول شده، یا نشستن در طبقه‌ها، یا سوار شدن بر دوش دیگران اشکال ندارد، و اگر با پای خود برود ثواب آن زیادتر است.

## مستحبات و مکروهات طواف

مسئله ۱۰۷. مستحب است که در حال طواف سر بر亨ه و پابرهنه، و مشغول دعاء، و ذکر خدا باشد، و حرف یهوده نزنند، و کارهایی که در نماز مکروه است انجام ندهند، و گام‌ها را کوچک بردارد، به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده، که هر کس طواف خانه کعبه کند در وقت زوال با سر بر亨ه، و گام‌ها را تنگ بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت پوشاند، و دست یا بدنش را در هر شوطی به حجر الاسود بمالد، بدون آن که به کسی آزار رساند و ذکر خدا را از زبان نیندازد، خدای تعالی بنویسد برای او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنة، و محو کند از او هفتاد هزار گناه، و بلند گرداند از برای او هفتاد هزار درجه، و بنویسد از برای او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بندۀ، که بهای هر یک ده هزار درهم باشد، و او را شفیع سازد در هفتاد هزار کس از اهل بیت او، و برآورد از برای او هفتاد هزار حاجت، که اگر خواهد در دنیا به او رساند، و اگر خواهد در آخرت، و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِشْمِيكَ الَّذِي يُمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمْشِي بِهِ عَلَى جُدُدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِإِشْمِيكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ،

وَأَسْأَلُكَ يَا شِيمَكَ الَّذِي تَهْتُرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ يَا سِيمَكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطَّوْرِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحْبَبَةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ يَا شِيمَكَ الَّذِي غَفَرَتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَيْلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَصَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأْخَرَ، وَأَتَمْمَتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (کذا و کذا).

و حاجت خود را بطلبید، و سنت است که در حال طواف نیز بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُبْدِلِ اسْمِي، فَلَا تُغَيِّرِ جِسْمِي.

و در هر شوط که به در خانه کعبه رسد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعاء را بخواند: سائِلُكَ فَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِيَا سِيكَ، فَتَصِّلْدُقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بِيَتِكَ، وَالْحَرْمُ حَرْمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَادِيَّةِ، الْمُسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَقِنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلَنِي وَوَلْدَيَّ وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.

و چون به حجر حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام برسد نگاه به ناوдан طلا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ اذْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاجْرِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعِنْ فِي مِنَ السُّفْمِ، وَأُوسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَالِلِ، وَأَدْرَا عَنِّي شَرَّ فَسَقِيَّةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقِيَّةَ الْعَرَبِ وَالْعَجمِ.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

يَاذَا الْمُنْ وَالْطَّوْلِ، يَاذَا الْجُودِ وَالْكَرْمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

يَا اللَّهُ يَا وَلَيَّ الْعَافِيَّةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَّةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَّةِ، وَالْمُتَمَعِّمُ بِالْعَافِيَّةِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَّةِ عَلَى وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزَقْنَا الْعَافِيَّةَ وَشُكْرُ الْعَافِيَّةِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ إِمَاماً. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ حَلْقِكَ، وَجَبَّبُهُ شِزارَ حَلْقِكَ.

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقَدَا عَذَابَ النَّارِ.

و چون در شوط هفتم به مستجار رسد - و آن پشت کعبه است - نزدیک به رکن یمانی برابر در خانه بایستد، و دستها را بگشاید

رو به خانه، و روی خود و شکم خود را برساند به کعبه و بگوید:

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بِيَتِكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَادِيَّةِ بِكَ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَّةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي، وَأَعْفُرْ لِي مَا اطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنِّي وَخَفَى عَلَى حَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِأَبَغَضِ خَلْقِهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُيَعْشُونَ اسْتَجِبْ لِي.

پس حاجت خود را بطلبید، و دعا بسیار کند و اقرار به گناهان خود کند هرچه داند مفصل‌ا، و هرچه را بخاطر نداشته باشد مجمل‌ا اقرار نماید، و طلب آمرزش نماید که البته آمرزیده می‌شود، انشاء الله تعالى.

پس چون به حجر الاسود برسد بگوید:

اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي.

و می‌باید کمال ملاحظه را بکند در هر مرتبه که می‌رود حجر را ببوسد، و اگر نتواند ببوسد، استلام کند، و اگر استلام، باعث زحمت باشد از دور اشاره کند، و هم چنین مستحب است استلام سایر ارکان، و هم چنین مستحب است که خود را به مستجار

بمالد، و آن جا را نشان کند، و چون این اعمال را بجا آورد باز بجای خود رود، و از آن جا به طواف ادامه دهد، تا زیاده و کم، در طواف حاصل نشود.

## نماز طواف

مسئله ۱۰۸. واجب است بعد از هر طواف واجب، دو رکعت نماز مثل نماز صبح، به نیت نماز طواف در نزد مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) بجا آورد، جهراً یا الخفاتاً، و احتیاط آن است که نماز را بعد از طواف فوراً بخواند، و نیز احتیاط آن است که نماز را در پشت مقام بخواند - یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر آن است روبروی او باشد - و اما اگر به علت زیادی جمعیت نتواند پس در جائی بایستد که عرفاً بگویند پشت مقام بایستاده است، باید در یکی از دو طرف مقام بایستد، و نماز بخواند، و اگر آن هم ممکن نباشد در هر جایی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن نزدیکتر است نماز را بخواند، و بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند رجاءً.

مسئله ۱۰۹. نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای از مسجد بجا آورد، بلکه بعضی فرموده‌اند که ترک آن عمداً جائز است لیکن سزاوار نیست ترک کند.

مسئله ۱۱۰. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد، هر وقت به یادش آمد باید در پشت مقام به تفصیلی که در مسئله قبل ذکر شد بجا آورد و اگر سعی و کارهای دیگر را بجا آورده، لازم نیست دوباره بجا آورد، اگر چه احوط است.

مسئله ۱۱۱. بنابر آن که ترتیب، در بین نماز طواف و کارهای بعد از آن معتبر باشد، بعضی فرموده‌اند: که کسی که واجبات نماز مثل قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل است، و از حجه‌الاسلام بریء الذمه نخواهد شد، پس علاوه بر آن که برای نمازهای واجب دیگر لازم است انسان قرائت صحیح و احکام واجبه نماز را بیاموزد، در وقتی که اراده حج دارد نیز باید قرائت خود را صحیح نماید، و واجبات نماز را یاد بگیرد، و اگر ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند، ولی اکتفا به آن اشکال دارد، و واجب است بطور فرادی نیز بخواند، و اگر نائب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

مسئله ۱۱۲. کسی که نماز طواف را فراموش کرده است، باید برگردد پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن به مسجد برایش دشوار باشد، می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد، و بهتر آن است که نایب هم بگیرد تا پشت مقام برای او بجا آورد.

مسئله ۱۱۳. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند و پیش از بجا آوردن آن بمیرد، باید پسر بزرگ تر، قضای آن را بجا آورد، مثل سایر نمازهایی که از میت فوت شده.

## مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف، بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قُلْ يَا آيَهَا الْكَافِرُونَ بخواند، و چون از نماز فارغ شود حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بفرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِي وَلَا تَبْعَلْهُ آخِرُ الْعَهْدِ مِنِي، الْحَمْدُ لِهِمْ بِمَحَمِّدِهِ كُلُّهَا عَلَى نَعْمَاءِهِ كُلُّهَا، حَتَّى يَتَهَىَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِي وَطَهِرْ قَلْبِي وَرَزِّكَ عَمَلِي.

و در بعضی از روایات وارد است که بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّ دَيْخِدَةَ حِمْدُوكَ، وَاجْعَلْنِي مِمْنُ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

پس به سجده رود و بگوید:

سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَاذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بَيْدَكَ، فَاغْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبُ الْعَظِيمُ غَيْرُكَ، فَاغْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقْرُ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبُ الْعَظِيمُ غَيْرُكَ.

## سعی

مسئله ۱۱۴. بعد از نماز طوف، واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی نماید، یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی به مروه برود، و این یک مرتبه حساب می‌شود، و از مروه به صفا برگرد، که با رسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است، پس به هر رفتن از صفا به مروه و برگشتن، دو سعی حاصل می‌شود و به این ترتیب سعی را بجا آورد، و سعی هفتم در مروه تمام می‌شود.

مسئله ۱۱۵. سعی مثل طوف، رکن است. و اگر کسی آن را عمداً یا از جهت ندانستن مسئله ترک کرده باشد، چنانچه قبل از وقوف به عرفات متوجه شود و می‌تواند سعی و تقصیر را بجای آورده، باید تدارک نماید، و اگر وقت گذشته، احتیاطاً حج افراد با عمره مفرده بجای آورده، و چون احتمال می‌رود که احرام او نیز باطل شده باشد، چنانچه وقت برای رفتن به میقات تنگ نیست، به میقات برود و رجاءً محروم به احرام حج افراد شود و اگر وقت تنگ است هر مقدار که می‌تواند به طرف میقات برود و محروم شود. لیکن به این حج اكتفاء نکند و سال بعد حج تمتع بجا آورده، هر چند مستطیع نباشد.

مسئله ۱۱۶. در سعی، وضو و غسل و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که با غسل یا وضو باشد.

## واجبات سعی

مسئله ۱۱۷. هشت چیز در سعی واجب است:

اول - نیت است: پس اگر سعی او برای عمره تمتع است: چنین نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم هفت مرتبه سعی عمره تمتع حججه‌الاسلام را بین صفا و مروه بجا می‌آورم، و مستحب است نیت را به زبان بیاورد، و باید پیش از شروع به سعی نیت کند که از اول جزء آن با نیت باشد.

دوم و سوم - آن است که سعی را از صفا ابتداء و به مروه تمام کند. و احتیاط آن است که برای تحصیل اطمینان قدری از تلی که در جانب صفا و مروه است بالا رود، و از آن‌جا شروع و به آن‌جا ختم کند.

چهارم - آن است که هفت مرتبه سعی کند، نه کمتر و نه بیشتر.

مسئله ۱۱۸. اگر عمداً بیشتر از هفت بار سعی کند سعیش باطل می‌شود، و اگر از جهت ندانستن مسئله یا فراموشی، زیاد کند سعیش صحیح است.

مسئله ۱۱۹. اگر سعی را فراموش کرده و یا سهوای از هفت مرتبه کمتر بجا آورده، باید هر وقت بیادش آمد تمام یا بقیه آن را انجام دهد، و اگر از مکه بیرون رفته، اگر چه به وطنش رسیده باشد، باید برگرد و آن را بجا آورده. و اگر نتواند برگرد باید نایب بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که اگر چهار مرتبه سعی نکرده، بعد از اتمام اول، آن را از سر بگیرد.

مسئله ۱۲۰. کسی که سهوای از هفت مرتبه کمتر سعی کند، آن‌چه بر او به سبب احرام حرام شده، تا بقیه سعیش را انجام ندهد حلال نمی‌شود، و اگر به خیال آن که محل شده با زن نزدیکی کند، یک بقره کفاره دارد بنابر احوط، و هم چنین است اگر ناخن بگیرد.

مسئله ۱۲۱. اگر کسی سعی را فراموش کند و یادش نیاید، تا به شهر خودش برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه برگرد باید نایب بگیرد و اگر قبل از انجام سعی با زن نزدیکی کرده باشد باید کفاره بدهد. و اگر تقیم اظفار نماید باید بنابر احتیاط کفاره

بدهد.

مسئله ۱۲۲. اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند، به آن شک اعتنا نکند، و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده است، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

مسئله ۱۲۳. اگر در بین آن که مشغول سعی است و در مروه می باشد شک کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر، به شک اعتنا نکند، و بنا را بر تمام گذارد.

مسئله ۱۲۴. اگر در بین صفا و مروه شک کند که این مرتبه هفتم است یا بیشتر، سعیش باطل است، و باید از سر بگیرد.  
پنجم - آن است که سعی بین صفا و مروه از طریق معمول و متعارف باشد، و از غیر آن صحیح نیست.

ششم - آن است که در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد، و در وقت برگشتن به صفا رو به صفا، پس اگر بطور قهقری برود و برگرد که در وقت رفتن به مروه رویش به صفا، و در برگشتن رویش به مروه باشد، سعیش صحیح نیست.

هفتم - آن است که لباس و کفش او مباح باشد، بلکه بنابر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد، و اگر سواره سعی می کند باید مركب او غصبی نباشد.

هشتم - از واجبات، ترتیب بین طواف و سعی است، و اگر فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسئله، پیش از طواف سعی کرد، احتیاط واجب آن است که دوباره بعد از طواف سعی را بجا آورد.

### - مستحبات سعی

مسئله ۱۲۵. مستحب است کسی که می خواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود، و آن را ببوسد و دستها یا بدن را به آن بمالد، یا اشاره کند، پس به نزد چاه زمزم رود، و مقداری از آب آن بردارد، و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد، و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعِلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشَفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر الاسود است - و آن دری است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن در بیرون رفت - با آرامش و خضوع برود بالای کوه صفا، تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند و حمد و شای الهی را بجا آورد، و از نعمت های الهی بخاطر آورد، پس هفت نوبت الله اکبر بگوید، و هفت نوبت الحمد لله، و هفت نوبت لا اله الا الله، پس سه مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْمِلُ وَيُحْمِلُ لَأَيْمُوتُ يَهْدِهُ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه نوبت بگوید:  
اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِهِدَى عَلَى مَا أَبْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِهِدَى الْحَيِّ الْقَيْمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.

پس سه نوبت بگوید:  
أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

و سه مرتبه بگوید:  
اللَّهُمَّ إِنِّي أُسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

پس سه مرتبه بگوید:  
اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ.

پس صد مرتبه بگوید: الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه الحمد لله و صد نوبت سبحان الله پس بگوید:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْيَدُهُ وَحْيَدُهُ أَنْجَرَ وَعِدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَخْرَابَ وَحْيَدُهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمِهِ الْقَبِيرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلٍّ عَرْشِكَ يَوْمًا لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل خود را به خداوند عالم و بگوید:

أَسْأَلُوكَ مَوْدَعَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا تَضِيئُ وَدَاعِهُ، دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمِالِي وَوُلْدِي. اللَّهُمَّ اسْتَعِمْلُنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنْنَةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِذْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.

پس سه نوبت بگوید: الله اکبر پس دو مرتبه دعای سابق را بخواند، پس یکبار تکییر بگوید و بخواند دعای سابق را و اگر همه آنچه را که ذکر شد نتواند بخواند پس هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنبٍ أَذْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عِدْتُ فَعَدْ عَلَى الِّمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعُلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعِذِّنِي فَأَنْتَ غَنِي عَنْ عِذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعِذِّنِي وَلَمْ تَطْلِنِنِي، أَصِبْحُتْ أَتَقَنِي عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ بَجُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُوزُ ارْحَمْنِي.

پس بگوید:

يَامَنْ لَا يَخِبُّ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْقُذُ نَائِلُهُ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

و در صفا در بالای تل رو به کعبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبِيرِ وَفُتُنَّتِهِ وَعُرْبَيْتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَصِيقَهُ وَضَنْكِهِ. اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلٍّ عَرْشِكَ يَوْمًا لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.

پس از آن قدری پائین آید و بگوید:

يَارَبِّ الْعَفْوِ، يَامَنْ أَمْرِ بِالْعَفْوِ، يَامَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَامَنْ يُثْبِتُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أَرْدُدْ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَاسْتَعِمْلُنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

مسئله ۱۲۶. مستحب است که پس از نماز طواف، مبادرت به سعی کند و در حال سعی، بدن و لباس او پاک و با وضو یا غسل باشد، و از صفا تا محلی که علامت هروله در آن جا نصب شده، بطور متوسط راه برود، یعنی نه تندر برود نه کند، و از آن جا تا علامت دیگر اگر مرد باشد هروله کند، یعنی قدمها را کوتاه و تندر بردارد.

و برای زن‌ها هروله مستحب نیست، و چون به محل هروله برسد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْزَزُ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَعِفْهُ لِي وَتَقْبِلْهُ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَيِّعِي، وَبِسِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقْبَلْ مِنِّي عَمَلِي يَامَنْ يَقْبُلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.

پس تندر برود تا به محل دیگر که علامت نصب شده، و آن جا هروله را ترک کند، و چون از آن جا بگذرد بگوید: يَا ذَا الْمَنْ وَالْفَضْلِ وَالْكَرْمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْبُجُودِ، إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

و چون به مروه رسید دعای اول را بخواند که در صفا خواند و بگوید:

اللَّهُمَّ يَامَنْ أَمْرِ بِالْعَفْوِ، يَامَنْ يُحِبُّ الْعَفْوِ، يَامَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبِّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ.

و اهتمام کند در گریه کردن، و خود را به گریه بدارد، و دعا بسیار کند در حال سعی و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوْكِلِ عَلَيْكَ.

و اگر هروله را فراموش کرد، هر جا بخارطش آمد بطور قهقری برگردد تا به موضع هروله برسد، پس هروله کند، و هم چنین

مستحب است هروله، وقتی از مرده بسوی صفا سعی می کند.

## قصیر

مسئله ۱۲۷. بعد از تمام شدن سعی باید تقصیر کند، یعنی به قصد حلال شدن چیزهایی که در عمره تمتع حجۃ الاسلام بر او حرام بوده است برای انجام فرمان خداوند متعال مقداری از ناخن‌ها یا موی سر یا ریش یا شارب خود را کوتاه کند، و تراشیدن سر در عمره تمتع کافی نیست بلکه حرام است.

مسئله ۱۲۸. اگر کسی در عمره تمتع بجای تقصیر، حلق کند، و تمام سر را بتراشد بنابر احتیاط، یک گوسفند قربانی کند هر چند از روی جهل یا نسیان باشد.

مسئله ۱۲۹. اگر کسی تقصیر را فراموش کند و تا بعد از احرام حج، یادش نیاید، عمره او صحیح است، و بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۳۰. اگر کسی عمدتاً تقصیر را ترک کند تا محرم به حج شود، عمره تمتع او باطل است، و حج او حج افراد می‌شود، پس باید حج را تمام کند، و بنابر احتیاط واجب بعد از حج، یک عمره مفرد بجا آورد، و سال بعد نیز دوباره حج کند.

مسئله ۱۳۱. بعد از تقصیر در عمره تمتع، هر کاری که بر او به سبب احرام حرام شده بود غیر از تراشیدن سر حلال می‌شود، ولی تراشیدن سر جایز نیست، و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط هر چند جاگل یا ناسی باشد.

مسئله ۱۳۲. اقوی آن است که در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و وجوه آن مخصوص به حج و عمره مفرد است خواه، واجب باشد یا مستحب.

مسئله ۱۳۳. اگر وقت بقدرتی تنگ باشد که اگر بخواهد در وقت ورود به مکه عمره تمتع را بجا آورد بوقوف به عرفات نمی‌رسد، یا زن حائض اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود و طواف را بجا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد، باید بجای حج تمتع حج افراد بجا آورد، پس اگر بواسطه عذری مثل بیماری و فراموشی و ندانستن مسئله از میقات احرام نبسته است و فعلاً هم ممکن نیست که به میقات برگردد هر چند ادنی الحل باشد یابد هر کجا هست محرم شود به احرام حج افراد، و اگر در میقات به جهت عمره تمتع احرام نبسته است عدول کند به حج افراد، و با همان احرام اول، تمام اعمال حج را به نحوی که بعداً شرح داده می‌شود به نیت حج افراد بجا آورد، مگر قربانی را که در حج افراد واجب نیست.

و بعد از تمام شدن اعمال حج افراد، باید از حرم بیرون رود، و به نیت عمره مفرد محرم شود، و به مکه برگردد و طواف و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بطوری که شرح داده شد انجام دهد، و اگر بدون عذر در میقات احرام نبسته، احرام نبستن او از مکه محل اشکال است.

مسئله ۱۳۴. اگر موقعی عمره تمتع را باطل کند که وقت آن که دوباره آن را بجا آورد، نداشته باشد باید حج افراد کند، و بعد از آن عمره مفرد بجا آورد، و بنابر احتیاط واجب باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

## مسائل حج تمتع

مسئله ۱۳۵. چنان که گفته شد حج تمتع، مرکب است از عمره تمتع و حج تمتع و گفته شد کسی که تکلیف او حج تمتع است باید اول عمره تمتع را بجا آورد، و پس از انجام اعمال عمره تمتع واجب است جزء دیگر حج تمتع را که به آن نیز حج تمتع می‌گویند بجا آورد و واجبات آن سیزده چیز است.  
اول: احرام.

دوم: و وقف به عرفات یعنی ماندن در عرفات که معروف است.

سوم: وقوف به مشعر الحرام که به آن مزدلفه و جمع نیز می گویند، و بین منی و عرفات است.

چهارم و پنجم و ششم: اعمال منی است، و اعمال آن در روز عید، انداختن سنگریزه بر جمره عقبه، قربانی کردن، تراشیدن سر یا گفتن کمی از ناخن یا موی سر است.

هفتم: طواف زیارت.

هشتم: دو رکعت نماز طواف زیارت.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن در منی در شب های یازدهم و دوازدهم ذی حجه و بر بعضی حاجیان واجب است که شب سیزدهم را نیز در منی بمانند.

سیزدهم: انداختن سنگریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی باید در روز سیزدهم، به جمره سنگریزه بیندازند، و احکام هر یک از این ها بطور مفصل بیان می شود انشاء الله تعالی.

## احرام حج

مسئله ۱۳۶. بعد از تمام شدن عمره تمنع واجب است محروم شدن برای حج تمتع، وقت آن موضع است ولی اگر وقت به قدری تنگ شود که اگر در آن وقت محروم نشود وقوف به عرفات در روز عرفه (نهم ذی حجه) از او فوت می شود باید فوراً محروم شود که روز عرفه وقوف به عرفات را در ک کند.

مسئله ۱۳۷. پیش از روز ترویه (هشتم ذی حجه) احرام بستن جایز است، و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویه احرام نبندد چنان که احتیاط آن است که اگر مُحرم شد پیش از روز ترویه از مکه خارج نشود، و مستحب آن است که در روز ترویه مُحرم شود.

مسئله ۱۳۸. در احرام حج تمتع نیز پوشیدن دو جامه احرام (بعد از بیرون آوردن لباس دوخته برای مردها) و نیت و تلبیه به نحوی که در احرام عمره تمتع گذشت واجب است، پس باید نیت کند که احرام می بندم برای حج تمتع یعنی: ملتزم می شوم و برخود قرار می دهم کارهای را که در حال احرام حرام است ترک نمایم در حج تمتع، به جهت اطاعت فرمان خداوند متعال، و دستور احرام و کارهایی که در حال احرام ترک آنها واجب است به شرحی است که در احرام عمره گفته شد.

مسئله ۱۳۹. محل احرام بستن برای حج تمتع، مکه است و بنابر احتیاط واجب تا می تواند از مکه قدیم محروم شود.

مسئله ۱۴۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسئله مُحرم نشود، تا برود به منی یا عرفات، و قبل از اعمال ملتفت شود، باید به مکه برگردد، و محروم شود و با احرام، اعمال را بجا آورد، و اگر برای تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند برگردد، احتیاط آن است که هر قدر می تواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد، واجب است از همانجایی که ملتفت شده محروم شود.

مسئله ۱۴۱. اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله محروم نشود، و بعد از تمام کردن اعمال حج ملتفت شود، حجش صحیح است ولی اگر بعد از گذشتن وقت وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و یا پیش از تمام شدن سایر اعمال حج بفهمد که محروم نشده، واجب است فوراً همانجا محروم شود و حج را تمام کند، و احتیاط آن است که سال آینده، دوباره بجا آورد، اگر چه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول.

مسئله ۱۴۲. اگر کسی عمدًا برای حج محرم نشود، تا وقت وقوف به عرفات و مشعر بگذرد، حج او باطل است.

مستحبات احرام حج تا وقت وقوف به عرفات

مسئله ۱۴۳. بهترین اوقات احرام بستن برای حج، روز ترویه است تا قبل از زوال، بطوری که بتواند نماز ظهر را در منی بجا آورد، و یا بعد از نماز ظهر است و اگر ممکن نشد بعد از نماز عصر، و اگر ممکن نشد بعد از نماز واجب دیگر، اگر چه نماز قضا باشد، و اگر نماز قضا هم بر ذمه نداشته باشد بعد از نماز احرام که اقل آن دو رکعت است محرم شود، به نحوی که در احرام عمره شرح داده شد، و بهترین جاهای مکه برای احرام مسجدالحرام است، و بهترین جا در مسجد الحرام برای احرام، حجر اسماعیل یا مقام حضرت ابراهیم عليه السلام است، پس در آن جا بعد از پوشیدن جامه احرام و کارهائی که پیش از این در احرام عمره گذشت واجب است نیت کند، و لیکهای واجب را به دستوری که در احرام عمره گذشت بگوید ولی در عوض کلماتی که مخصوص به عمره است کلمات دیگر بگوید مثلاً عوض (وَهَذِهِ عُمْرَةُ مُنْعَةٍ إِلَى الْحَجَّ) بگوید: (وَهَذِهِ حَجَّةُ تَمْتُعٍ) و چون مشرف بر ابطح شود به صدای بلند تلیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلَغْنِي أَمْلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلي.

و با آرام تن و دل بروд با تسبیح و تقدیس و ذکر حق تعالی. و چون به منی رسید بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَنْتَ مِنْهُ أَكْبَرُ، وَبَلَغْنِي هَذَا الْمَكَانَ.

پس بگوید:

اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَهِيَ مِمَّا مَنَّتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَّتَ عَلَى أَنْبِيائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.

و مستحب است که شب عرفه در منی باشد، و مشغول طاعت الهی باشد، و بهتر آن است که این عبادت‌ها را خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و چون نماز صبح خواند تعقیب بخواند تا طلوع آفتاب و روانه عرفات شود و اگر بخواهد می‌تواند بعد از طلوع فجر روانه شود و لیکن سنت بلکه احوط آن است که از وادی محشر رد نشود تا آفتاب طلوع کند و مکروه است که پیش از فجر روانه شود بلکه خلاف احتیاط است. مگر از جهت ضرورتی مثل بیماری و کسی که خوف از دحام مردم را داشته باشد و چون متوجه عرفات شود این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرْدَتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِي لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.

و تلیه بگوید: تا به عرفات برسد و چون رسید خیمه‌اش را در نمره که نزدیک عرفات است بزنند.

## وقوف به عرفات

مسئله ۱۴۴. بر کسی که حج بجا می‌آورد ماندن در عرفات واجب است، و بنابر احتیاط واجب وقت آن از ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه) است تا مغرب، پس باید در تمام وقت در آن جا بماند، و از حدود عرفات از ظهر تا مغرب خارج نشود، و این وقت، وقت اختیاری عرفه است، و در ماندن در عرفات فرق نمی‌کند که پیاده باشد یا سواره، راه برود یا نشسته و یا خوابیده باشد.

مسئله ۱۴۵. اگر کسی از ظهر تا مغرب روز عرفه در عرفات خواب یا بیهوش باشد، وقوف او باطل است. و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد، وقوف او صحیح است.

مسئله ۱۴۶. بودن در عرفات از ظهر تا مغرب اگر چه بنابر احتیاط واجب است، ولی آن مقداری که رکن است این است که بین ظهر تا مغرب به قدری در عرفات بماند که عرفه بگویند در آنجا توقف کرده است، و کسی که عمدًا این مقدار را ترک کند حجش باطل می‌شود، اگر چه بوقوف اضطراری عرفات برسد، یعنی شب دهم را در عرفات بماند و وقوف مشعر را هم در ک کند، و

چنانچه سهواً ترک کرد حج او باطل نیست، مگر آن که وقوف به مشعر را هم عمدًا یا سهواً ترک کند، که در این صورت حجش باطل است، و تفصیل آن ذکر می شود انشاء الله.

مسئله ۱۴۷. در وقوف به عرفات نیت واجب است، به این نحو که نیت کند از ظهر امروز تا مغرب برای حج تمتع حجۃ‌الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم در عرفات می‌مانم.

مسئله ۱۴۸. اگر کسی عمدًا بعد از گذشتن مقداری از ظهر در عرفات حاضر شود، وقوف‌ش صحیح است و کفاره ندارد، ولی خلاف احتیاط نموده، و بنابر آن که وقوف از اول ظهر تا مغرب واجب باشد گناه کرده است.

مسئله ۱۴۹. جایز نیست پیش از مغرب از عرفات خارج شود، و اگر کسی عمدًا پیش از مغرب از عرفات بیرون برود و در همان روز برنگردد، بر او واجب است قربانی کردن یک شتر، که در راه خدا در روز عید در منی نحر کند، و اگر نتواند، هیجده روز پی در پی روزه بگیرد، و بر او واجب است در صورت توانائی، برگشتن به عرفات و ماندن در آنجا تا غروب، و اگر پشیمان شد و در همان روز به عرفات برگشت نیز بنابر احتیاط مستحب کفاره از او ساقط نمی‌شود.

مسئله ۱۵۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسئله پیش از مغرب از عرفات بیرون رفت، پس اگر در همان روز ملتافت شد، باید برگردد و اگر برنگردد معصیت کرده است، و بنابر احتیاط، کفاره بدهد و اگر بعد از مغرب ملتافت شد چیزی بر او نیست.

مسئله ۱۵۱. اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت، یا عذر دیگر، نتواند هیچ مقداری از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات بماند - باید مقداری از شب عید را تا فجر طالع نشده هر چند کم باشد در عرفات بماند و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند - و اگر عمدًا هیچ مقداری از شب عید را هم در آنجا نماند حج او باطل می‌شود اگر چه وقوف به مشعر را در ک نماید.

مسئله ۱۵۲. اگر کسی وقوف به عرفات را به عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسئله در وقت اختیاری و اضطراری ترک نمود، ولی وقوف در مشعر الحرام را شب عید یا بین الطلوعین چنانچه خواهد آمد در ک کند حجش صحیح است.

مسئله ۱۵۳. هر گاه در پیش قاضی عامه، اول ماه ذی حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذی حجه در نزد آنها روز هشتم در پیش شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که پیش شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را در ک کند، و به مشعر رفته و وقوف در آنجا را نیز در ک کند، و اعمال روز عید را در منی بجا آورد، و اگر در ک اضطراری عرفات هم ممکن نشد در ک اختیاری مشعر کافی است، و حجش صحیح است و در ک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز چنانچه گفته خواهد شد بنابر اقوی کفایت می‌کند، و اگر در ک هیچ یک از این موافق میسر نشود حکم آن، در مسئله بعد ذکر خواهد شد.

مسئله ۱۵۴. هر گاه هلال، نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد، لیکن از جهت تقهیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجۃ‌الاسلام، هر چند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف ممکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجاءً متابعت کنند، و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نمایند، حتی با عدم علم به خلاف.

## مستحبات وقوف به عرفات

۱. خیمه‌اش را در محلی که آن را نمره گویند و متصل به عرفات است بزنند.

۲. در دست چپ کوه و پائین آن در زمین هموار وقوف کند و مکروه است که بالای کوه رود.

۳. با رفقا در یک جا وقوف کند.

۴. با طهارت باشد و غسل کند.

۵. هر چه را که باعث تشویش حواس و مانع از کمال توجه به خدا می‌شود رفع کند.
۶. نماز ظهر و عصر را اول وقت با یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
۷. بعد از نماز بایستد و مشغول دعا شود.
۸. در تمام مدت وقوف، بایستد و نشسته یا سواره بودن در حال وقوف مکروه است، و اگر نمی‌تواند بایستد هر قدر می‌تواند بایستد و اگر ایستادن مانع از حضور قلب و توجه باشد نشستن بهتر است.
۹. رو به قبله کند، و دل خود را متوجه به خداوند عالم نماید و حمد و ثنای او را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه آیه الكرسي بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله عليه و آله بفرستد و هم چنین صد مرتبه سوره انا ازلناه بخواند و صدمرتبه لا حول ولا قوه الا بالله بگوید و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند.
۱۰. آنچه می‌خواهد دعا کند و دعا زیاد کند که این روز دعا و مسالت است و هیچ چیز در نزد شیاطین خوشتراز این نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازند.
۱۱. پناه بردن به خدا از شیطان.
۱۲. شمردن گناهان و توبه و استغفار کردن.
۱۳. گریه کردن، و اگر نتواند، خودش را بگریه و ادار کند.
۱۴. دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن، و اقل آن چهل نفر است، و در حدیث است که آنچه او برای برادر مؤمن طلب کند فرشته‌ای موکل است که برای او صدهزار برابر آن را طلب کند.
۱۵. تمام زمان وقوف را به دعا و استغفار و ذکر خدا صرف کند، و بعضی از علماء این را واجب دانسته‌اند، و دعاها می‌منقوله را بخواند خصوصاً دعای صحیفه کامله، و دعای حضرت امام حسین علیه السلام و زیارت آن حضرت و دعای حضرت امام زین العابدین علیه السلام.

و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبِ وَفْدِكَ، وَارْحُمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجْعِ الْعَمِيقِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَايِرِ كُلُّهَا، فُكَّ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَالَلِ، وَادْرَا عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكِرْبِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُوْدِكَ وَكَرِيمِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنْكَ، يَا أَسْيَمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصِرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي (کذا و کذا) (وَأَنْ تَزْرُفَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ). آن‌گاه حاجت خود را بخواهد پس دست بجانب آسمان بردارد و بگوید:

اللَّهُمَّ حِاجَتِي إِلَيْكَ إِنْ أَعْطَيْتِنِيهَا لَمْ يَضُرُّنِي مَا فَعَلْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتِنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ حَلَاصَ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمِلْكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجْلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوْفِقِنِي لِمَا يُرُوْضِيَكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسِّلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَلَّلتَ عَلَيْهَا نِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ رَاضِيَتِ عَمَلَهُ، وَأَطْلَتْ عُمْرَهُ، وَأَحْيَنِهُ بَعْدَ المَوْتِ حَيَوَةً طَيِّبَهُ.

پس بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْحَيَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَسِكَ الْحَمْدَدَ كَمَا تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَاتِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صَدَّاقَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُراثِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوسِ الصَّدَرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأُمُرِ وَمِنْ عِذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا

تجیء بِ الرِّیاْح وَ أَعوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَجِيْءُ بِهِ الرِّیاْح فَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّیلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِی قَلْبِی نُورًا وَ فِی سَمْعِی نُورًا وَ فِی بَصَرِی نُورًا وَ فِی لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظَامِی وَ عُرُوقِی وَ مَقْعِدِی وَ مَقَامِی وَ مَيْدَلَحِی وَ مَحْرِجِی نُورًا وَ أَعْظَمْ لِی نُورًا يَا رَبِّی يَوْمَ الْقَاْكَ إِنَّكَ عَلَیْ کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و تا توائد در این روز از خیرات و تصدقات کوتاهی نکند خصوصاً بنده آزاد کردن و دیگر رو به قبله کند و بگوید: (سُبْحَانَ الله) صد بار و (الله أَكْبَرُ ) صد بار و (ما شاء الله ولا قُوَّةَ إِلَّا بِالله) صد بار (أَشَهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا الله وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْمِي وَ يُمْيِتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) صد بار پس ده آیه اول سوره بقره را بخواند و آن ده آیه این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الْم {۱} ذَرِّكَ الْكِتَابُ لَا رَبِّ فِيهِ هِيدَى لِلْمُمْتَقِينَ {۲} الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ {۳} وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالآخِرَةِ هُمْ يُوْقَنُونَ {۴} أُولَئِكَ عَلَى هِيدَى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ {۵} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنَّذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ {۶} خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عِذَابٌ عَظِيمٌ {۷} وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِمَا تَبَيَّنَ لَنَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ {۸} يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ {۹} فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرْضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْنِبُونَ {۱۰}

دیگر سوره قل هو الله احد سه بار بخواند و آیه الكرسى را بخواند و آیه سخره را که در سوره اعراف آیه (۵۴) است بخواند و آن آیه این است:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّلَيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثَا وَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْخَرَاتٍ بِإِمْرِهِ لَا لَهُ الْخُلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

پس معوذین را بخواند سپس نعمت‌های الهی را یک یک بشمارد آن‌چه بداند از اهل و مال و سایر نعمت‌ها و رفع بلا و بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نَعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصِي بِعَدَدٍ وَ لَا تُكَافِي بِعَمَلٍ.

و حمد کند حق سبحانه و تعالی را به هر آیه‌ای که در آن حمد کرده است خداوند عالم را با آن در قرآن، و تکییر کند به هر تکییری که خداوند عالم تکییر خود کرده است در قرآن، و تهلیل کند بذکر لا اله الا الله که حق سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است به آن در قرآن، و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و جهد و سعی کند در آن، و بخواند حق سبحانه تعالی را به نام‌هایی که خود را به آن در قرآن خوانده است و به هر اسمی که داند و به اسماء آخر سوره حشر، و بگوید.

أَسْأَلُكَ يَيَا اللهُ يَيَا رَحْمَنْ بِكُلِّ اسْمِهِ لَيْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ عَزَّتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلُّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ بِإِسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِإِسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاهُكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرَدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيهِ مَاسَأَلَكَ أَنْ تَعْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي.

و هر حاجت که دارد بخواهد و از حق سبحانه و تعالی طلب کند که توفیق حج بیابد در سال آینده و هر سالی و هفتاد مرتبه بگوید: (أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و هفتاد مرتبه (أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ أَتُوْبُ إِلَيْهِ) بگوید.

پس بخواند دعائی را که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم عليه السلام تعليم نمود برای قبول توبه او: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْلِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْلِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

و چون آفتاب فرو رود بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشَثُّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ لِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِ

مُسْتَحِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذَنْبِي مُسْتَحِيرًا بِعَزْكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَحِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطَى، يَا أَرْحَمَ مَنِ اشْرَحَمَ، جَلَّلِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَشَنِي عَافِيَتَكَ، وَاصْرَفْ عَنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

پس روانه به جانب مشعر الحرام شود با آرام تن و استغفار کند و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاقْبِلْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي،  
بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدُ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَاجِ يَتِيَّتَكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ  
أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَّ كَهْ وَالرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أُوفَّمَلِ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي.

و بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحُمْ مَوْقِفِي، وَرِزْدَ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ دِينِي، وَنَقِّبْ مَنَاسِكِي.

### وقوف به مشعر

مسئله ۱۵۵. بر کسی که حج بجا می آورد بعد از وقوف به عرفات، وقوف به مشعرالحرام که آن را مزدلفه و جمع نیز می نامند واجب است، و آن مکانی است که در بین عرفات و منی واقع است. و معروف است، پس باید بعد از مغرب روز نهم از عرفات بسوی مشعر کوچ کند، و احتیاط واجب آن است که عمداً تا طلوع فجر تأخیر نیندازد، هر چند اگر تأخیر انداخت و بین الطلوعین را در ک کرد حج او صحیح است، و واجب است که شب را در آنجا بماند و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند، هر چند مختصر و کم باشد. و باید نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجۃ الاسلام شب را تا صبح در مشعر الحرام می مانم، و نباید عمداً بدون عذر پیش از اذان صبح کوچ کند، هر چند اگر مقداری از شب مانده باشد و کوچ کند حجش صحیح است، و لیکن معصیت کرده و یک گوسفند کفاره باید ذبح کند، و چون فجر طالع شود دوباره جهت بین الطلوعین نیت وقوف کند، پس در حج تمتع قصد کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجۃ الاسلام از حالا تا اول طلوع آفتاب در مشعرالحرام می مانم، و ممکن است که از ابتدا قصد کند شب را تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا اول آفتاب می مانم و به همان قصد باقی باشد.

مسئله ۱۵۶. اگر چه اشهر و احوط آن است که ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب واجب است، لیکن بعد نیست استحباب کوچ کردن کمی پیش از آفتاب، ولی باید از وادی محسّ که اسم محلی است نگذرد، بلکه بنابر احتیاط، وارد وادی محسّ نشود، پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب از وادی محسّ بگذرد گناه کرده است، و احوط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، اگر چه اقوی واجب نبودن کفاره است.

مسئله ۱۵۷. ماندن در مشعرالحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب بمقداری که عرفًا بگویند در آن جا توقف کرده است رکن می باشد، پس اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجش را باطل می شود، مگر آن که مقداری از شب را در مشعر توقف کرده باشد، که در این صورت حج او صحیح است لیکن گناه کرده است، و به کفاره که یک گوسفند است جبران می شود.

مسئله ۱۵۸. کسانی که کار ضروری داشته باشند و پیرمردها و زنها و بیماران که اگر تا صبح در مشعر بمانند بواسطه ازدحام و زیادی جمعیت در زحمت می افتدند، اگر شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند می توانند پیش از طلوع فجر از مشعر به منی بروند، و اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون بروند حجشان صحیح است، به شرط آن که وقوف به عرفات را انجام داده باشند، و شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند، ولیکن بر آنها یک گوسفند کفاره واجب است.

و اگر سهواً یا جهلاً قبل از طلوع فجر کوچ کنند کفاره بر آنها واجب نمی‌شود، ولیکن باید بعد از التفات و تنبه در صورتی که ممکن از رجوع باشند برای وقوف بین الطوعین برگردند.

مسئله ۱۵۹. کسی که شب و بین الطوعین روز عید به جهت عذری نتوانسته است در مشعر وقوف کند، در صورتی که از اول آفتاب روز عید تا پیش از ظهر مقداری در آن‌جا بماند حجش صحیح است، به شرط آن که در ک اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد.

مسئله ۱۶۰. چنان که معلوم شد وقوف در مشعر سه قسم است که دو قسم آن وقوف اضطراری مشعر است.  
اول - وقوف شب عید است برای کسانی که بواسطه عذری نتوانند بعد از طلوع فجر در مشعر بمانند.

دوم - وقوف در روز عید تا پیش از ظهر است برای کسانی که به وقوف شب و وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند، و یک قسم آن وقوف اختیاری مشعر است، و آن از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است، و چون عرفات هم به شرحی که گفته شد دو وقوف دارد، یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر روز غرب روز نهم و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم، پس به ملاحظه ادراک هر دو وقوف (وقوف به مشعر و وقوف به عرفات) یا ادراک اضطراری یکی، و اختیاری دیگری، و نرسیدن به اضطراری و اختیاری هر دو وقوف، اقسام آن، نه قسم می‌شود:

اول - آن که وقوف به عرفات و وقوف به مشعر هر دو در وقت اختیاری انجام دهد، که حج او بی اشکال صحیح است.

دوم - آن که هیچ یک از اختیاری و اضطراری دو وقوف را درک نکند، که در این صورت حج از او فوت شده است، پس به همان احرام حج، عمره مفرد که عبارت از طواف و نماز و سعی و تصصیر و طواف نساء و نماز آن باشد بجا می‌آورد، و بعد از این اعمال از احرام بیرون می‌رود، و اگر گوسفند همراه او باشد، قربانی کند، و مستحب است که بماند در منی با حاجیان و چون به مکه رود اعمال عمره را بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده باید در سال آینده به حج برود، و هم چنین در صورتی که حج بر او مستقر نشده اگر سال بعد مستطیع شود باید حج کند.

سوم - آن که اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر درک کند، که در این صورت حجش صحیح است.

چهارم - آن که اختیاری مشعر و اضطراری عرفات را درک کند، که در این صورت نیز حجش صحیح است.

پنجم - آن که اضطراری هر دو وقوف را درک کند، که اقوی در این صورت هم صحت حج است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که در سال آینده با بقاء شرایط وجوب، حج را اعاده نماید.

ششم - آن که فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند، که در این صورت اگر چه صحت حجش بعيد نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمہ از عمره و حج و بجا آوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او یا بقاء استطاعت.

هفتم - تنها ادراک وقوف اختیاری عرفات است، و احتیاط در آن ترک نشود به این که اعمال را بقصد ما فی الذمہ از عمره و حج بجائی آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتیش باقی باشد حج بجائی آورد.

هشتم - تنها ادراک اختیاری مشعر است، که در این صورت نیز حجش صحیح است.

نهم - آن که فقط اضطراری عرفات را درک کند که حج در این صورت صحیح نیست.

مسئله ۱۶۱. کسی که یکی از وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات یا مشعر را عمداً ترک کند حج او باطل است مثلاً اگر از ظهر تا غروب با تمکن عمداً در عرفات هیچ توقف نکرد حج او باطل است چه مقداری از شب در عرفات بماند یا نماند و چه شب عید یا ما بین الطوعین یا پیش از ظهر آن در مشعر توقف کند یا نکند و هم چنین اگر از ظهر تا مغرب معذور باشد از توقف در عرفات، اما وقوف مقداری از شب عید را در عرفات عمداً ترک کند حج او باطل است، اضطراری مشعر یا اختیاری آن را درک کند یا نکند، و

هم چنین اگر بین الطوعین مشعر را بدون عذر ترک کند حج او باطل است، چه اختیاری یا اضطراری عرفات را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و چه تا ظهر مشعر را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و اگر بین طوعین از جهت عذر ترک شود، لکن وقوف مقداری از شب عید را در مشعر با تمکن ترک کرده حج او باطل است، چه سایر وقوفات را درک کرده باشد یا درک نکرده باشد، و اگر کسی بواسطه عذر، تکلیف او وقوف قبل از ظهر عید شد در مشعر، و عمداً آن را ترک کند حج او باطل است، هر چند وقوف عرفات را درک کرده باشد.

### مستحبات وقوف به مشعر

مسئله ۱۶۲. مستحبات وقوف به مشعر چند چیز است: از جمله آن که از عرفات به سوی مشعر الحرام با وقار و آرامی دل و بدن برود، و استغفار کند، و مرکب را، تند نراند، و کسی را آزار نرساند، و چون به تل سرخ رسد از طرف دست راست راه برود و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحُمْ مَوْقِفِي، وَزِدْ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقْبِلْ مَنَاسِكِي.

و شهید (قدس سره) در دروس فرموده که بعد از این دعا بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَأَرْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْتَقَيْتِنِي.

و در حال حرکت بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ أَعْتَقْنِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

و نماز مغرب و عشا را تأخیر کند تا مشعر الحرام، و اگر چه ثلث شب بگذرد.

ولی اگر نتواند پیش از نصف شب به مشعر برسد باید پیش از رسیدن به مشعر نماز را بجا آورد. و برای نماز مغرب اذان و اقامه و برای عشا فقط اقامه بگوید، و میان نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد، بلکه نافله مغرب را بعد از نماز عشا رجاءً بخواند. و در وادی در جانب راست راه فرود آید، و این دعا را بخواند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤْرِسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَعْرِفَنِي مَاعِرَفَتْ أُولَئِكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَعْلَمَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.

و تا مقدور باشد آن شب را به عبادت و طاعت الهی به روز آورد، که در خبر است که درهای آسمان در این شب بسته نمی شود، و اصوات مؤمنان بالا می رود، و خداوند عالم می فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید، ادا کردید حق مرا و بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهای شما را پس برای بعضی از ایشان تمام گناهان را می آمرزد، و بعضی را بعض گناهان می آمرزد، و مستحب است که هفتاد سنگریزه برای رمی جمرات در این شب از اینجا بردارد، و مستحب است که غسل کند و در حال وقوف با وضو باشد و دعاهای منقوله از ائمه علیهم السلام را بخواند، و حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و این دعا را تیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَسْعَرِ الْحَرَامِ، فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرِأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبِ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَيْدُوعَ، وَخَيْرُ مَسْأُولِ، وَلِكُلِّ وَافِدٍ حِمَارَهُ فَاجْعَلْ حِمَارَتِي فِي مَوْطِنِي وَمَوْقِفِي هَذِهِ أَنْ تُقْلِنِي عَثْرَتِي وَتَقْبِلَ مَعْذِرَتِي، وَأَنْ تَتَحِّا أَوْزَعَنْ خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَتَقْلِبِنِي مُفْلِحًا مُّنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِاَفْضَلِ مَا يَرْجُعُ بِهِ أَحِيدُ مِنْ وَفْدِكَ وَزُوْارِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ.

و دعا بسیار کند به جهت پدر و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان، و احتیاط آن است که بمقداری که عرفان گفته شود ذکر خداوند عالم نموده دعا کند، یا ذکر خداوند متعال بنماید.

بهتر آن است که کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر کوچ کند، لیکن بنابر احتیاط داخل وادی محشر نشود تا آفتاب طلوع کند.

و چون آفتاب به کوه ثیر افتاد هفت مرتبه به گناهان خود اقرار کند، و هفت مرتبه استغفار نماید و چون روانه منی شود با ذکر و استغفار و آرامی و وقار برود، و چون به وادی محسن برسد، اگر پیاده باشد، هروله کند به نحوی که در سعی گفته شد، و اگر سواره باشد مرکب خود را تند براند، و اگر هروله را فراموش کرد برگردد و هروله کند، و در وقت هروله بگوید:

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي، وَاقْبِلْ تَوْبَتِي، وَاجْبْ دَعْوَتِي، وَاحْلُفْنِي فِيمَنْ تَرْكْتُ بَعْدِي (و بگوید) رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوِرْ عَمَّا تَعْلَمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْزَزُ الْأَكْرَمُ.

### اعمال منی در روز عید

مسئله ۱۶۳. چهارم و پنجم و ششم از کارهای حج تمتع اعمال واجب منی است و آن سه عمل است:

۱. رمی جمره عقبه.
۲. قربانی.
۳. حلق یا تقصیر.

در روز عید باید حجاج از مشعرالحرام به محلی که آن را منی می گویند بروند، و در آن جا این سه عمل را به شرحی که گفته می شود انجام دهند.

### رمی جمره عقبه

مسئله ۱۶۴. اول از کارهای واجب در منی رمی جمره عقبه یعنی انداختن هفت سنگریزه به جمره عقبه است، و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است، و اگر سهواً یا جهلا ترک کرد باید روز بعد تا روز سیزدهم، روزها بجا آورد، و اگر تا روز سیزدهم ملتفت نشد باید در سال آینده خودش برود رمی کند، یا نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد.

مسئله ۱۶۵. جایز نیست رمی جمره در شب، مگر برای مریض و خائف (کسی که از دشمن می ترسد) و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند، تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند، و در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر، فرقی نمی کند که شب قبل رمی کنند یا شب بعد، و اگر ممکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند می توانند رمی سه روز را در یک شب بجا آورند.

مسئله ۱۶۶. سنگریزه ها باید طوری باشد که عرفًا آنها را سنگ بگویند، و از سنگریزه های حرم و بکر باشد، یعنی خودش یا کس دیگر قبله طور صحیح با آنها رمی نکرده باشد.

مسئله ۱۶۷. در رمی پنج چیز شرط است:

اول - نیت کند که هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع حجۃ‌الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم می اندازم.  
دوم - انداختن سنگریزه هاست، پس اگر آنها را به جمره بگذارد کافی نیست.

سوم - آن که سنگریزه ها بواسطه انداختن به جمره برسد، پس اگر بجای دیگر بخورد و از آن جا به جمره برسد، یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی به جمره برسد کافی نیست، و اگر شک کند که به جمره خورده یا نه بنا را بر نخوردن بگذارد.  
چهارم - آن که سنگ هائی که می اندازد از هفت عدد کمتر نباشد.

پنجم - آن که آنها را پشت سر هم جدا بیندازد، پس اگر با هم بیندازد صحیح نیست، اگر چه پشت سر هم به جمره برسند، و اگر پشت سر هم بیندازد و با هم به جمره برسند، صحیح است هر چند وقوعش به این نحو بعید است.

مسئله ۱۶۸. اگر سهواً یا جهلا کمتر از هفت سنگریزه رمی

کند، و پیش از به هم خوردن موالات عرفیه متوجه گردد، باید بقیه را بجا آورد، و اگر موالات به هم خورده باشد احتیاط آن است که باقی مانده را بجا آورد، و دوباره به طور کامل رمی نماید.

مسئله ۱۶۹. اگر در عدد سنگریزه‌هایی که انداخته، شک کند، بنا بر کمتر بگذارد و عدد را تمام کند.

### مستحبات رمی

مسئله ۱۷۰. مستحب است که سنگریزه‌ها را شب عید از مشعر بردارد، و مستحب است که سنگریزه‌ها رنگین یا برنگ سرمه‌ای یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند. و آن‌ها را دانه از روی زمین بردارد و بقدر سر انگشت و سست باشند، و مستحب است که در وقت سنگ انداختن پیاده و با وضو باشد، بلکه احوط آن است، که سنگ‌ها را بدست چپ بگیرد و با دست راست بیندازد، و نیز مستحب است که رمی مقارن ظهر باشد. و وقتی سنگریزه‌ها را بدست می‌گیرد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَاحْصِهِنَّ لِي، وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي.

و هر سنگریزه که می‌اندازد این دعا را بخواند:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْخِرْ عَنِ الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصِّدِّيْ بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُيَّنَةِ نَيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَبَّاً مَبْرُورًا، وَعَمَلاً مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا.

و میانه او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد، و پشت به قبله کند و روی به جمره، به خلاف دو جمره دیگر که مستحب است در آن‌ها رو به جانب قبله باشد، و آن که سنگریزه را برانگشت بزرگ بگذارد، و با ناخن انگشت شهادت (سبابه) بیندازد، و چون بجائی خود آید در منی، سنت است که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَاغْفِرْ لِي الرَّبُّ وَزِعْمَ الْمُؤْلِي وَزِعْمَ النَّاصِيرِ.

### قربانی

مسئله ۱۷۱. واجب دوم از واجبات منی در حج تمتع بعد از رمی جمره عقبه قربانی کردن یک شتر، یا یک گاو یا یک گوسفند در روز عید است، و از دو نفر یا بیشتر یک قربانی کفایت نمی‌کند، بلکه بر هر حاجی یک قربانی واجب است.

مسئله ۱۷۲. اگر کسی از روی جهل یا نسیان یا بواسطه عذری در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذی حجه قربانی نماید، و احوط آن است هر چه ممکن است زودتر قربانی کند.

مسئله ۱۷۳. در قربانی نیت قربانی شرط است، پس اگر خودش قربانی را ذبح می‌کند باید در حج تمتع قصد کند ذبح یا نحر قربانی را، که در حج تمتع حجۃ‌الاسلام واجب است برای اطاعت امر خداوند متعال، و اگر برای ذبح نایب می‌گیرد باید نایب نیت کند که ذبح می‌کنم قربانی واجب حج تمتع حجۃ‌الاسلام کسی را که مرا نایب نموده برای اطاعت فرمان خداوند متعال، و احوط آن است که علاوه بر نایب، خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیلی را که از طرف او برای ذبح نایب می‌گیرد می‌فرستد، نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد، و چنان که به آن اشاره شد لازم نیست نیت را در دل خطور دهد، بلکه همین قدر که داعی او بر این کار اطاعت خداوند متعال باشد کافی است و همین قدر که غفلت از حج و وظیفه نباشد بطور عادی این امور با نیت و قصد قربت واقع می‌شود و مشکلی نیست.

مسئله ۱۷۴. اگر قربانی پیدا نشود باید پول آن را نزد شخص

مورد اعتمادی بگذارد که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشد در سال آینده بگیرد و ذبح نماید.

مسئله ۱۷۵. اگر قربانی شتر باشد، شرط است که پنج سال آن تمام شده باشد، و داخل در سال ششم شده باشد، و اگر گاو یا بز

باشد احوط آن است که دو سالش تمام و داخل در سال سوم شده باشد، و اگر میش باشد احوط آن است که سال اولش تمام و داخل در سال دوم شده باشد.

مسئله ۱۷۶. قربانی باید صحیح باشد و اعضاش ناقص نباشد، پس قربانی کور و لنگ و ناخوش و بسیار پیر کافی نیست، حتی اگر کمی از گوش آن را برپیده باشند یا از شاخ داخلی او چیزی کم باشد کفايت نمی‌کند، و نیز باید لاغر نباشد، و مشهور آن است که همین قدر که در گرده آن پیه باشد کافی است، و احوط آن است که علاوه بر این طوری باشد که عرفان را لاغر نگویند.

مسئله ۱۷۷. اگر گوش قربانی شکافته یا سوراخ باشد ضرر ندارد.

مسئله ۱۷۸. احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

مسئله ۱۷۹. قربانی کردن حیوانی که بیضتینش را کشیده‌اند کفايت نمی‌کند و احتیاط آن است که حیوانی که عروق و بیضتین او را مالیه باشند قربانی نکند.

مسئله ۱۸۰. اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد، به گمان آن که صحیح است، و بعد معلوم شد ناقص است کفايت نمی‌کند.

مسئله ۱۸۱. اگر قربانی را بگمان چاقی ذبح کرد و لاغر درآمد کافی است.

مسئله ۱۸۲. اگر قربانی را با گمان لاغری ذبح کرد به احتمال آن که چاق باشد و چاق درآمد کافی است، ولی اگر لاغر درآمد کافی نیست.

مسئله ۱۸۳. اگر حیوانی را با علم به این که لاغر است از راه ندانستن مسئله قربانی کند، و بعد معلوم شود چاق است کفايت می‌کند، ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسئله آن را ذبح نماید هر چند چاق در آید کفايت نمی‌کند.

مسئله ۱۸۴. اگر قربانی با خود نداشته باشد، و پول هم ندارد، که بتواند آن را بخرد، باید ده روزه بگیرد سه روز پی در پی در حج، و آن روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه است، و بعد از آن که به وطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد، و احتیاط مستحب در این هفت روزه آن است که پی در پی و متوالی باشد.

مسئله ۱۸۵. اگر کسی که نمی‌تواند قربانی بخرد نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم و یک روز هم بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که در این صورت بعد از برگشتن از منی سه روز متوالی روزه بگیرد که اول آن سه روز، روز کوچ کردن و حرکت از منی باشد، و قصدش انجام تکلیف سه روزه در ضمن پنج روز باشد. و اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را نگیرد، بلکه صبر کند بعد از مراجعت از منی بگیرد، و احتیاط آن است که بعد از مراجعت از منی هر چه زودتر بگیرد، اگر چه اشهر آن است که تا آخر ذی حجه می‌شود بجا آورد.

مسئله ۱۸۶. اگر بعد از روزه سه روز قادر بر خریدن قربانی شد احتیاط آن است که بخرد و ذبح نماید.

مسئله ۱۸۷. اگر قربانی ناقص و مریض یافت شود و گوسفند بی عیب و سالم نباشد، واجب است ناقص را قربانی کند و به آن اکتفا می‌شود، و احتیاط مستحب آن است که سه روز در حج و هفت روز پس از حج به شرحی که گفته شد روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۸. احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد، و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن دهد، و این که هر یک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد، و در هدیه فقر شرط نیست.

مسئله ۱۸۹. لازم نیست که سهم هر یک را جدا کند، بلکه اگر همین طور هدیه و تصدق کند، و بعد آن فقیر مؤمن، و مؤمنی که هدیه را قبول کرده سهم خود را به دیگری صدقه بدهد اشکال ندارد، و اگر پیش از عمل کردن به این احتیاط، افرادی قربانی را به دزدی یا غارت ببرند، لازم نیست دوباره قربانی کند. ولی اگر قربانی را به آنها بدهد، باید قیمت گوشت قربانی سهم فقرا را به فقرا برساند، نه قیمت گوسفند زنده را.

مسئله ۱۹۰. چون ممکن است در منی بواسطه حاضر نبودن فقیر مؤمن، تصدق دادن ثلث قربانی به مؤمن فقیر و هم چنین هدیه دادن ثلث آن به مؤمن ممکن نباشد، بهتر این است که از بعض برادران دینی خود، و از بعض فقرای مؤمن که آنها را می‌شناسد در شهر خود، و کالت بگیرد که از جانب آنها ثلث قربانی را به هدیه، و ثلث آن را به صدقه قبول کند، و هم چنین و کالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آنها هر عملی می‌خواهد انجام دهد، در این صورت در منی ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او و کالت دارد صدقه دهد، و ثلث دیگر را بمؤمن دیگری که از جانب او وکیل است هدیه بدهد، و از طرف آنها قبول کند و بعد به هر کس خواست بدهد یا همانجا بگذارد و برود.

مسئله ۱۹۱. اگر حاجی عمدًا خودش از گوشت قربانی نخورد، گناه کرده لیکن به حج او ضرر نمی‌رساند.

## مستحبات قربانی

مسئله ۱۹۲. مستحبات قربانی شش چیز است:

۱. آن که قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از گاو گوسفند.

۲. قربانی بسیار چاق و فربه باشد.

۳. اگر شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند یا بز است نر باشد.

۴. شتر در حال نحر ایستاده و از سر دست‌ها تا زانوی آن بسته باشد، و کسی که قربانی می‌کند در طرف راست شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد.

۵. در وقت نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند بگوید:

وَجْهُتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذِلِّكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، إِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَكْبُرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي .  
(و در بعضی روایات این تتمه وارد شده است).

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلِكَ وَمُؤْسِي كَلِيمِكَ وَمُحَمَّدٌ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيهِمْ .

۶. مستحب است که خودش قربانی را نحر یا ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست روی دست کسی که آن را می‌کشد بگذارد.

مسئله ۱۹۳. قربانی را به کسی می‌توان داد سر ببرد که ذیحه او حلال باشد (یعنی مسلمان باشد هر چند اثنا عشری نباشد).

## حلق یا تقصیر

مسئله ۱۹۴. بعد از قربانی کردن باید حلق کنند، یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر نمایند، یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند، و برای مردی که موی سر خود را با یکی از مواد چسبنده چسبانیده، یا موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و باfte باشد، احتیاط لازم تراشیدن تمام سر است، و هم چنین هر کسی که حج اول او باشد احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر و اکتفا نکردن به تقصیر است.

مسئله ۱۹۵. بر زن‌ها و ختنی، یعنی کسی که هم آلت مردی و هم آلت زنی دارد، واجب است تقصیر کردن، یعنی ناخن گرفتن یا از مو گرفتن و برای آنها سر تراشیدن جایز نیست.

مسئله ۱۹۶. در حلق یا تقصیر باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجۃ الاسلام سر خود را می‌تراشم یا مو ناخن خود را می‌گیرم، و بهتر آن است که کسی سر او را می‌تراشد نیز نیت کند.

مسئله ۱۹۷. وقتی حاجی حلق یا تقصیر نمود، هر چه بر او در احرام حرام شده بود حلال می‌شود، مگر زن و صید و بوی خوش.

مسئله ۱۹۸. بنابر احتیاط واجب باید رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را به ترتیب بجا آورده، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله اول قربانی کرد و بعد رمی و حلق نمود یا اول حلق کرد و بعد رمی و قربانی را انجام داد، ضرر ندارد و اگر عمدآ خلاف ترتیب عمل کند مشهور آن است که اعاده واجب نیست، ولی اگر احتیاط ممکن باشد ترک نکند.

مسئله ۱۹۹. اگر در روز عید حلق یا تقصیر را فراموش کرد تا از منی بیرون رفت، واجب است برگردد و حلق یا تقصیر کند، و اگر ممکن نشود در هر جا یادش آمد حلق یا تقصیر کند، و مستحب است اگر ممکن شود موی خود را به منی بفرستد، که در آن جا دفن شود.

مسئله ۲۰۰. اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند، و بعد از طواف یادش باید حلق یا تقصیر کند، و دوباره طواف را بجا آورده، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

### مستحبات حلق و تقصیر

مسئله ۲۰۱. مستحبات حلق و تقصیر سه چیز است.

۱. در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند.
۲. از طرف راست جلو سر شروع کند و این دعا را بخواند.  
اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَغْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۳. موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند، و احوط آن است که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد، و ناخن‌ها را تیز بگیرد.

### واجبات بعد از اعمال منی

مسئله ۲۰۲. هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع، طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز آن می‌باشد، پس واجب است بعد از رمی و قربانی و حلق یا تقصیر، از منی به مکه برگردد، و آن‌ها را به دستوری که در عمره تمتع گفته شد بجا آورده، لیکن واجب نیست که بعد از اعمال منی فوراً به مکه برگردد، بلکه می‌تواند تا روز یازدهم برگشتن به مکه را تأخیر بیندازد، و بلکه بعد نیست جایز باشد تا آخر ذی حجه اعمال مکه را تأخیر بیندازد، اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

مسئله ۲۰۳. جایز نیست برای ممتع پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی بجا آوردن طواف و سعی، ولی کسی که نتواند بعد از برگشتن به مکه آن را بجا آورد مثل زن که گمان کند بعد از برگشتن از منی حیض یا نفاس بییند یا آن که پیرمرد بواسطه زیادی جمعیت بعد از برگشتن نتواند طواف کند، در این صورت برای او جایز است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، و احتیاط آن است که بعد از برگشتن اگر ممکن شود در ایام تشریق (روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد.

مسئله ۲۰۴. کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی در تمام ماه برای او طواف و سعی ممکن نمی‌شود، واجب است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورده، ولی احوط آن است که پس از مراجعت از منی کسی را نائب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

مسئله ۲۰۵. بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن، و سعی بین صفا و مروه علاوه بر آن‌چه بواسطه تقصیر بر او حلال شده بود، بوی خوش نیز بر او حلال می‌شود، ولی صید و زن بر او حرام است، و وقتی طواف نساء و نماز آن را که دستورش مثل طواف

زيارت و نماز آن است بجا آورده، زن و صیدهای که برای احرام بوده برا او حلال می‌شود، اما صید حیوانات حرم که حرمت آن برای حرم است بر او حرام می‌باشد، و احتیاط واجب در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوي خوش نیز اجتناب کند.

مسئله ۲۰۶. از آنچه گفته شد معلوم شد که هر کس حج تمتع بجا می‌آورد بتدریج محروم احرام در سه مرتبه بر او حلال می‌شود: اول - بعد از حلق یا تقصیر. دوم - بعد از سعی بین صفا و مروه. سوم - بعد از نماز طواف نساء.

مسئله ۲۰۷. اگر کسی عمداً اگرچه جاهل باشد یا سهواً طواف نساء و نماز آن را ترک نماید حجش فاسد نمی‌شود، بلکه واجب است آن را بجا آورده، و تا آن را بجا نیاورده زن بر او حلال نمی‌شود، حتی عقد کردن و شاهد عقد شدن هم حرام است، و احتیاط واجب آن است که ادای شهادت هم ننماید، و هم چنین زن تا طواف نساء را بجا نیاورده مرد بر او حلال نمی‌شود.

## مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء

مسئله ۲۰۸. مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء چند چیز است:

از جمله آن که روز عید، بعد از اعمال منی به مکه برگردد، و اگر نشد فردای آن روز که روز یازدهم است مراجعت به مکه کند، و دیگر آن که غسل کند، و متوجه مسجدالحرام شود، و ذکر و تمجید و تعظیم الهی را بجا آورده، و بر محمد و آل محمد صلووات الله علیهم، صلووات بفرستد، و چون به در مسجدالحرام آید این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى نُسُكِكَ، وَسِلْمُنِي لَهُ وَسِلْمُهُ لِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسَالَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُغْتَرِفِ بِعَذَابِهِ، أَنْ تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلْدُ بَلْدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتَكَ، مُتَبَعًا لِأَمْرِكَ راضِيًّا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسَالَةَ الْفَقِيرِ الْمُضْطَرِ إِلَيْكَ، الْمُطْبِعِ مِنْ عَذَابِكَ، الْحَائِفِ لِعُقوَتِكَ، أَنْ تُبْلِغَنِي عَفْوَكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

پس به نزد حجرالاسود بیاید و آن را ببوسد، و آنچه در طواف عمره گفته شد طواف کند، آداب طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، چنان شوط بدستوری که در طواف عمره گفته شد طواف کند، و هفت است که سابقًا در طواف و سعی عمره گفته شد.

## ماندن در منی در شب‌های تشریق

شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

مسئله ۲۰۹. دوازدهم از واجبات حج تمتع، ماندن در منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم است، و اگر از زن یا صید پرهیز نکرده باشد واجب است شب سیزدهم را نیز بماند، پس بر کسی که حج می‌گذرد اگر روز عید برای طواف و سعی به مکه رفته باشد، واجب است برای آن که این شبها را در منی به سر برد به منی برگردد.

مسئله ۲۱۰. برگشتن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است، و قبل از ظهر جایز نیست. و اگر تا شب برنگشت باید شب را در آن جا بماند، و در روز سیزدهم نیز به سه جمره سنگ بیندازد.

مسئله ۲۱۱. برای ماندن در منی در این شبها باید نیت کند که این شب را در منی می‌مانم از برای حج تمتع حجۃ الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند متعال.

مسئله ۲۱۲. باید تا بعد از نصف شب در منی بماند، پس اگر بعد از نصف شب بیرون رود ضرر ندارد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسئله ۲۱۳. اگر کسی بدون عذر، ماندن در این شبها را در منی ترک کند گناه نموده لیکن حج او صحیح است، و واجب است که برای هر شبی یک گوسفند ذبح نماید. و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر، مثل بیماری و پرستار بودن ترک کرد یک گوسفند ذبح نماید، هر چند گناه نکرده است.

مسئله ۲۱۴. برای کسی که این شبها را به عبادت در مکه احیا کند، و بکار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضع، ماندن در منی واجب نیست و کفاره ندارد.

### رمی جمرات سه گانه

مسئله ۲۱۵. واجب است در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، یعنی انداختن هفت سنگریزه به سه گانه، به این ترتیب:

اول - جمره اولی.

دوم - جمره وسطی.

سوم - جمره عقبه.

پس اگر برخلاف این ترتیب رمی می کند باید دوباره آنچه را برخلاف ترتیب انجام داده از سر بگیرد که ترتیب بعمل آید. پس اگر مثلاً اول به جمره وسطی سنگ انداخت، و بعد به جمره اولی، باید رمی جمره وسطی را دوباره انجام دهد و بعد از آن رمی جمره عقبه را بجا آورد.

مسئله ۲۱۶. در روز سیزدهم نیز بر کسی که ماندن شب بر او به شرحی که گفته شد واجب شده باشد، رمی جمرات سه گانه واجب است.

مسئله ۲۱۷. اگر چهار سنگ به جمره انداخت و از روی فراموشی مشغول رمی جمره بعد شد کفایت می کند، و سه سنگ باقی مانده را بعد از آن به جمره ای که چهار سنگ زده بزند، و اگر عمداً باشد احتیاط لازم آن است که با رعایت ترتیب رمی را دوباره انجام دهد، چنان که احوط الحق جاہل است به عامد.

مسئله ۲۱۸. واجبات دیگر رمی، به شرحی است که در اعمال منی در رمی عقبه گفته شد.

مسئله ۲۱۹. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را سهواً یا عمداً اگر چه جاہل باشد ترک کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منی، و رمی را بجا آورد، و اگر ممکن از رجوع نیست نایب بگیرد و اگر تا ایام تشریق خودش یا ناییش بجا نیاورد، باید در سال بعد خودش یا ناییش رمی را قضا نماید در ایام تشریق.

مسئله ۲۲۰. اگر کسی مریض باشد و مأیوس باشد از این که بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری با نیابت او رمی کند، و اگر ممکن باشد سنگ را بدست خود بگیرد، و دیگری رمی کند، و اگر خوب شد اعاده رمی لازم نیست، اگر چه احوط آن است که در صورتی که در ایام تشریق خوب شود خودش آن را بجا آورد.

مسئله ۲۲۱. کسی که عمداً رمی جمرات را ترک کند حجش باطل نمی شود ولی گناه کرده.

مسئله ۲۲۲. اگر کسی نتواند بواسطه عذری در روز، رمی کند، می تواند در شب قبل از آن روز، آن را انجام دهد.

مسئله ۲۲۳. اگر رمی یک روز را فراموش کرد روز دیگر یادش آمد، باید اول قضای رمی روز گذشته را انجام دهد، و بعد رمی واجب آن روز را بجا آورد.

مسئله ۲۲۴. کسی که بر او ماندن شب سیزدهم در منی واجب نیست، لازم نیست روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

مسئله ۲۲۵. در این روزها چند چیز مستحب است:

۱. چون از مکه به منی مراجعت کند بگوید:

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْتُ وَلَكَ أَشْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَغِنِّمِ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.**

۲. آن که اگر طواف زیارت را روز عید بجا آورده در این سه روز از منی بیرون نرود، حتی به جهت طواف مستحب.

۳. در وقت رمی جمره اولی و وسطی رو به قبله کند، و در جانب چپ جمره بایستد و رمی کند، و در رمی جمره عقبه رو به روی آن بایستد و پشت به قبله نماید، بلکه احوط است چنان که گذشت.

۴. موقع رمی، الله اکبر بگوید، و حمد و ثنای خداوند عالم بجا آورد، و صلوات بفرستد، پس اندکی پیش رود و دعا کند و بگوید:  
**اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي**

پس کمی بیشتر رود و دعائی را که روز دهم در وقت رمی می خواند بخواند و رمی کند.

۵. تکبیر گفتن در منی مستحب است، و احوط آن است که آن را در منی و غیر آن ترک نکند، و در منی عقب پائزده نماز، از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم، تکبیر بگوید، و کیفیت آن چنانچه در بعض روایات است این است:  
**اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ**  
و در بعضی از روایات در آخر آن این جمله نیز هست:  
**وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا.**

۶. اگر روز دوازدهم از منی کوچ کرد بیست و یک سنگریزه را در منی دفن کند.

۷. نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که هر که در مسجد خیف صدر کعت نماز بگزارد پیش از آن که مسجد بیرون رود، برابر است با عبادت هفتاد سال و هر که صد مرتبه سبحان الله بگوید بنویسد از برای او ثواب بندۀ آزاد کردن، و هر که صد مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید برابر است با ثواب احیاء نفسی، و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید، برابر است با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد.

### مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع

مسئله ۲۲۶. مستحب است مراجعت از منی به مکه به جهت طواف وداع، هر گاه طواف واجب و سعی و طواف نساء را قبلاً-انجام داده باشد، و اگر انجام نداده باشد واجب است برگشتن به مکه برای بجا آوردن آنها.

مسئله ۲۲۷. مستحب است پیش از حرکت از منی شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند.

مسئله ۲۲۸. مستحب است که چون به مکه رود داخل خانه کعبه شود خصوصاً اگر حج اولش باشد، که در حدیث است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خدا است، و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان است.

مسئله ۲۲۹. مستحب است به جهت وارد شدن در خانه کعبه غسل کند، و پای بر هنر وارد شود، و پیش از ورود هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

**اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ يَتِيكَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ، وَقَدْ قُلْتَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَآمِنْيَ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَجْرِنِي مِنْ سَخْطِكَ.**  
(پس داخل شود و بگوید).

**اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، اللَّهُمَّ فَآمِنْيَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ.**

پس دو رکعت نماز بخواند در میان دو ستون سرسنگ سرخ، و در رکعت اول بعد از حمد، سوره (حمد سجده) و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و چهار آیه از سایر قرآن بخواند، و در گوشه های خانه نیز نماز بخواند، پس به رکنی آید که در آن جا حجر الاسود

است، و بطن خود را به آن بچسباند، پس دور ستون بگردد و ظهر و بطن خود را به آن ستون بمالد، و چون خواست بیرون آید نردهان را بدست چپ بگیرد، و نزدیک کعبه دو رکعت نماز بخواند.

مسئله ۲۳۰. مستحب است بسیار طواف کردن، و آن برای حاجیان از نماز مستحبی بهتر است، لکن در سعی غیر از سعی واجب در هر یک از حج و عمره مشروع بودن آن، چه برای خود و چه به نیابت از غیر، محل اشکال است.

مسئله ۲۳۱. مستحب است طواف به نیابت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرات دوازده امام علیهم السلام، و به نیابت پدر و مادر و زن و فرزند، و اهل شهر و سایر مؤمنین و ثواب آن بسیار است و ممکن است یک طواف به نیابت چند نفر بجا آورد.

مسئله ۲۳۲. مستحب است بجا آوردن سیصد و شصت طواف به عدد ایام سال و اگر نتوانست سیصد و شصت دور طواف کند که پنجاه و یک طواف و سه شوط می شود و چون هر طواف باید هفت دور باشد چهار دور دیگر بر آن اضافه کند که پنجاه و دو طواف شود.

مسئله ۲۳۳. مستحب است ختم قرآن مجید در مکه، و مشرف شدن به مکان ولادت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و متزل حضرت خدیجه ام المؤمنین، و زیارت قبر حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و آمنه مادر مکرمہ پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبر خدیجه ام المؤمنین که در حججون معروف است، و رفتن به غار حرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت در آن عبادت می کردند و رفتن به غار ثور.

## دستور عمره مفرد

مسئله ۲۳۴. بعد از انجام اعمال حج عمره مفرد مستحب است و فاصله بین عمره مفرد بعد از حج و عمره تمنع معتبر نیست پس می تواند بلافاصله بعد از انجام حج تمنع، عمره مفرد بجای آورد. بلی اگر عمره مفردهای را برای خودش انجام داده باشد و بخواهد مکرراً برای خودش بجای آورد و یا برای دیگری بجای آورده و بخواهد مکرراً برای همان شخص بجا آورد چون در همان ماهی است که عمره اولی را بجای آورده عمره دوم را رجاءاً بجا آورد ولی در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف فصل معتبر نیست.

مسئله ۲۳۵. میقات احرام عمره مفرد ادنی الحل است و مقصود از آن اولین مکان خارج حرم است از هر طرف و بهتر احرام بستن از جعرانه یا تعنیم یا حدیبیه است.

مسئله ۲۳۶. در عمره مفرد بعد از احرام، طواف و نماز طواف و سعی و تقسیر کند، و طواف نساء و نماز آن لازم است، و تابجا نیاورد زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود.

## طواف وداع

مسئله ۲۳۷. چون بخواهد از مکه بیرون رود مستحب است غسل کند، و طواف وداع بجا آورد، و در هر دوری دست یا بدن به حجرالاسود و رکن یمانی برساند، و چون به مستجار رسید دعاهائی را که پیش از این گفته شد بخواند، پس به نزد حجرالاسود بیاید، و خود را به خانه بساید، و یک دست به حجرالاسود گذارد و دست دیگر بجانب خانه بگشاید، و حمد و ثنای خداوند متعال را بجا آورد، و صلووات بر محمد آل محمد علیهم السلام بفرستد، و مستحب است که از در حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود، و عزم کند که دوباره به حج برگردد، و از خدا بخواهد که به او توفیق مراجعت عنایت فرماید، و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدق بدهد بر فقراء، برای احتمال آن که در حال احرام از روی غفلت بعض محرمات حال احرام را مرتكب شده باشد.

## استفتاءات حجّ

س - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود به جدّه وسایل حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا می‌تواند محل شود و به مدینه برود و بعد از آن میقات دیگر محرم شده و وارد مکه شود؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمی‌شود، و با آن که احرام بسته، تجدید به نحو جزم مشروع نمی‌باشد، بلی رجاءً بخواهد در مسجد شجره تجدید نیت کند مانع ندارد.

س - اگر از حاجی در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است حیوان کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند؟

ج - در احرام عمره تمنع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید، و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند، و اگر عمداً یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد، در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید، و اگر ممکن نشد هر چند به واسطه عدم دسترسی به فقیر مؤمن در مکه و منی باشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجاءً ذبح نماید.

س - در حیوان کفاره نیز، رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر؟

ج - احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.

س - سجده کردن بر سنگ‌هایی که مسجدالحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده، از سنگ مرمر و غیره آن جایز است یا خیر؟

ج - بلی جایز است، و معادنی که سجده بر آن جایز نیست معادنی است که عرفاً به آن‌ها زمین گفته نمی‌شود مثل طلا و نقره و عقق و مس و سایر فلزات.

س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، احرام در آن صحیح است یا خیر؟

ج - اگر به عین آن پول معامله واقع شده باشد احرام در آن جایز نیست، و هم چنین اگر خود جامه احرام متعلق خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست، و طواف در آن باطل است ولی اگر آن را با پول کلی خریده باشد احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت، پول خمس یا زکات نداده را بدهد لکن ذمه او به مقدار خمس یا زکات بری نمی‌شود، و ضامن آن مقدار خمس و زکات می‌باشد.

س - در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به واسطه ازدحام و کثرت جمعیت، ممکن نمی‌شود که در موقع نماز طواف، مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن، جلو مشغول نماز نباشد، در این صورت نماز آن‌ها صحیح است یا خیر؟

ج - بلی صحیح است.

س - کسی که می‌دانسته است در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آن‌ها را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او مروه را بجای صفا به او نشان داده، و بنا به گفته او از مروه شروع به سعی کرده، پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داده، ملتفت اشتباه شده، و یک مرتبه دیگر سعی نموده، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج - احوط اعاده سعی است.

س - اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود، و به مکه بیاید، و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود، مثل این که همراهان او عازم مراجعت باشند، آیا می‌تواند برای طواف حج و نماز آن، و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد؟

ج - بلی لازم است بر او که نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف حج و نماز آن را انجام داد، خودش سعی را بجا آورد، و بعد از سعی برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

س - کسی که حج تمنع بجا می‌آورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود، کفایت از سایر اعمال حج می‌نماید یا

باید برای او نائب گرفته شود؟

ج - کفایت می کند و گرفتن نایب لازم نیست خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

س - اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود بیند و شک کند که پیش از انجام عمل، حایض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اعتنا به این شک نکند و حج او محکوم به صحت است.

س - کسی که با احرام عمره تمتع وارد جدّه شد، و به واسطه نبودن وسیله، احرام را به هم زد و رفت به مدینه منوره، که در مراجعت، از مسجد شجره محرم شود حکم‌ش چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمی‌رود، اگر چه قصد به هم زدن آن را کرده باشد، و باید با همان احرام، عمره را تمام کند، و تجدید احرام، بعد از برگشت از مدینه لازم نیست، لیکن اگر بخواهد رجاءً در مسجد شجره تجدید احرام کند مانع ندارد، ولی لازم نیست، و اگر به گمان اینکه احرامش به هم خورده مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در احکام محرمات احرام گفته شد.

س - شخصی که به احرام عمره تمتع، در ماه شوال و ذی قعده و ذی حجه وارد مکه معظمه شود و بعد از اتمام عمره قصد رفتن به مدینه یا محل دیگری کرد که در مراجعت از میقات، مجدداً احرام بیند آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج - کسی که عمره تمتع را بجا آورده و محل شده، تا حج را بجا نیاورد جایز نیست از مکه بیرون رود مگر برای حاجت، که در این صورت می‌تواند از سه روز پیش از ترویه در مکه محرم شود به احرام حج تمتع، و بعد برای انجام حاجت خود از مکه بیرون برود، و پس از مراجعت، با همان احرام، باقی اعمال حج را بجا آورد. اما قبل از سه روز در صورتی که ترک خروج برای او حرجی باشد می‌تواند بدون احرام بیرون برود، پس اگر مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را بجا آورده همان عمره اولی کافی است، و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره، و اگر در غیر آن ماه باشد باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از وارد شدن به مکه عمره تمتع را انجام دهد و عمره اولی مفرده می‌شود، و بعد محرم به احرام حج شود.

س - کفاره کشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج - یک کف طعام یا یک دانه خرما است به طور تخيیر، و اگر هر دو را بدهد بهتر است.

س - اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد کفاره آن چیست؟

ج - یک گوسفند قربانی بر او واجب می‌شود.

س - اگر ملخ بسیار باشد و همه آن‌ها را بکشد حکم آن چیست؟

ج - احوط آن است که اگر بیشتر از یک ملخ کشته باشد یک گوسفند قربانی کند، و احوط از آن، ضمیمه ساختن یک کف طعام و یک دانه خرما است.

س - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن آن‌ها حفظ نماید چه کند؟

ج - در این صورت چیزی بر او واجب نیست.

س - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟

ج - بر کسی که در منی باشد حرام است، و روزه عید قربان بر همه کس حرام است.

س - طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرده و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمی‌شود، بر زن‌ها نیز این طواف و نماز آن لازم است یا نه؟

ج - بلی بر زن نیز لازم است و تا آن را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند طواف نساء او هم

لازم است، و تا طواف نساء او انجام نشود زن بر او حلال نمی‌شود.

س - نماز طواف مستحب، واجب است یا مستحب؟

ج - مستحب است.

س - در حرم بر محل، صید کردن حرام است یا نه؟

ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است بر محل نیز در حرم حرام است.

س - کسی که بدون وصیت فوت نموده و مستطیع نیز بوده است، آیا حج بلدی برای او واجب است یا غیر بلدی هم کفایت می‌کند؟

ج - حج میقاتی کفایت می‌کند.

س - زن‌ها در حال احرام می‌توانند جوراب پوشند یا بایستی روی پای آن‌ها مثل مردان باز باشد؟

ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

س - بر حسب فتوای حضرت مستطب عالی جایز است که محرم، در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد، و هم چنین در منی و عرفات؟

ج - مراد از منزل، محل نزول است، در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانع ندارد، هر چند درآمد و شد برای حوائج باشد.

س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن، یا آمدن جامه احرام روی پا، در حال سیر، یا در منزل چه صورت دارد؟  
ج - اشکال ندارد.

س - در منزل سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدن مقداری از سر می‌شود چه صورت دارد؟

ج - سر روی بالش گذاردن مانع ندارد.

س - در اثر هجوم جمعیت، وقت بوسیدن حجرالاسود ممکن است جامه احرام بعض از حاجیان سر آن‌ها را یا سر سایر حجاج را پوشاند، اگر تصادفاً این طور شد چه صورت دارد؟  
ج - در صورت تصادف اشکال ندارد.

س - محرم اگر روی لباس دوخته یا پتوی دوخته بشیند یا بخوابد، یا زیر پتوی دوخته یا لحاف بخوابد، چه صورت دارد؟

ج - اقوی جواز آن است، لیکن پتو و لحاف را بخود نپیچد که مثل لباس شود.

س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود، مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه، آیا برای حرام او اشکال دارد یا نه؟  
ج - برای احرام او اشکال ندارد ولکن احوط آن است که در صورت امکان تطهیر یا تبدیل نماید.

س - نظر حضرت عالی درباره کسی که در عمره مفرده نماز طواف نساء را نخوانده، و به ولايت خود مراجعت کرده چیست؟

ج - اگر برگشتن به مسجدالحرام برای او دشوار باشد می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد.

س - شخصی به واسطه ندانستن مسائله، طواف نساء را بجا نیاورده، ولی نیت طواف مستحب کرده، به این نیت که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته ام قربة الى الله بجا می‌آورم، و بعد از گذشتن یک سال ملتفت شده آیا این طواف او، از طواف نساء کفایت می‌کند؟

ج - در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات، با زن نزدیکی نکند، و در صورت تمکن برود طواف نساء را خودش بجا

آورده، و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، اگر چه در غیر ماه حج باشد.

س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر؟

ج - بله لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد، و اگر عمداً مقدم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است، و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است، و اگر خودش نمی‌تواند اعاده کند نائب بگیرد.

س - کسی که عمره مفرده استحبابی بجا می‌آورد، اگر طواف نساء آن را عمداً اگر چه جاهل به حکم باشد یا سهوأ ترک کند، آیا زن بر او حرام می‌شود؟

ج - بله تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.

س - در صورتی که جهلا نماز را قبل از طواف بجا آورد تکلیف او چیست؟

ج - نماز را دوباره بجا آورد.

س - اگر نماز طواف حج را بعد از سعی بجا آورد آیا لازم است برای حفظ ترتیب، سعی را اعاده نماید؟

ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است.

س - اگر جهلا سعی را بر طواف زیارت مقدم دارد چه حکمی دارد؟

ج - احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.

س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر، آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح می‌دانید یا خیر؟

ج - در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد به طوری که سعی بین دو کوه صدق بکند مانع ندارد.

س - آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی، بدون فاصله بجا آورد یا نه؟

ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است، و مدرکی برای فوریت آن به نظر نرسیده.

س - آیا اجازه می‌دهید که در حال ضرورت، یک نفر به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟

ج - در قربانی مباشرت شرط نیست، و می‌تواند وکیل این کار را انجام دهد، هر چند ضرورت نباشد لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً و اگر چه گوسفند به قصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین، صحیح نیست.

## آداب تشرف به مدینه طیبه و زیارت

حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

مسئله ۲۳۸. یکی از مستحبات مؤکده مخصوصاً برای حاجیان، زیارت مرقد منور و روضه مطهره حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و مراد مقدسه اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام است. و در حدیث وارد شده که ترک زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از حج، جفا بر آن حضرت است، و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر یک با زیارت‌هایی که وارد شده، در کتاب‌های دعا و زیارت مفصلًا مذکور است، که سزاوار است به آن کتاب‌ها رجوع شود، و بطور اختصار به بعض مستحبات و آداب اشاره می‌شود.

۱. مستحب است پیش از ورود به شهر مدینه یا پس از ورود به آن غسل کردن، و هم چنین مستحب است غسل، برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و برای زیارت آن حضرت، و اگر در غسل اول هر سه را نیت کند کافی است.

۲. از باب جبرئیل وارد شود.

۳. اذن دخول بخواند.

۴. با آرامی و وقار وارد مسجد شود.

۵. در وقت ورود دعاها را که وارد شده بخواند.
۶. دور کعت نماز تحيت بجا آورد.
۷. سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و همراهان.
۸. دور کعت نماز برای زیارت، و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت.
۹. نزد منبر ایستادن، و حمد و ثنای خدا بجا آوردن و دعا کردن.
۱۰. نماز و دعا در مقام جبرئیل علیه السلام
۱۱. نماز در خصوص روضه (بین قبر و منبر).
۱۲. نماز در بیت فاطمه علیه السلام.
- ۱۳- صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه وآلہ در وقت ورود و خروج از مسجد.
۱۴. نماز در مقام پیغمبر صلی الله علیه وآلہ.
۱۵. دور کعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه، و خواندن نمازهای واردہ.
۱۶. مواظبت بر اداء نمازهای واجب در مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآلہ.  
و بر حسب بعض روایات، ثواب نماز در مسجد آن حضرت  
معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد الحرام، و در بعض روایات برابر ده هزار نماز است.
۱۷. در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآلہ صدا را بلند نکند.
۱۸. در مدینه از تصدق به فقیر هر چه می تواند کوتاهی نکند و هم چنین بسیار تسبیح و ذکر بگوید، و قرائت قرآن بکند و استغفار بنماید و صلوات بسیار بفرستد.
۱۹. زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خانه آن حضرت، و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید.
۲۰. زیارت فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر محترمه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه وآلہ.
۲۱. زیارت جناب حمزه و سایر شهداء احد در احد.
۲۲. رفتن به مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند رسول خدا، و مسجد فضیخ که در آن رد شمس برای امیر المؤمنین علیه السلام شده، و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در این مساجد نماز خواندن خصوصاً مسجد قبا فضیلت بسیار دارد.
۲۳. مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین مکه و مدینه در طرف رابع واقع است.

## آداب زیارت

مدینه منوره

## آداب زیارت مدینه منوره

اما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآلہ.

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول الله صلی الله علیه وآلہ یا در یکی از مشاهده مشرفه ائمه

طاهرین علیهم السلام پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابِ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقْدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هذا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْتِهِ، كَمَا أَعْتَقْدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءً عِنْدَكَ يُبَرِّزُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسِّعُونَ كَلَامِي وَيَرِدُونَ سَيِّلَامِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُناجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَشِتَّأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيَاً، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمامَ الْمَفْرُوضَ عَلَى طَاعَتِهِ

نام آن امامی را که زیارت کند ذکر می کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

الْحَسَنَيْنَ بْنَ عَلَيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ....

و هکذا پس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ بِهِذِهِ الْبَقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلُ يا رَسُولَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يا مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذْنُ لِي يَا مَوْلَايِ فِي الدَّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أُولَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ لِذَلِكَ.

پس داخل شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَأِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْلِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَى، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

## زیارت اول

كيفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآلہ

اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآلہ و سلم چنین است هرگاه وارد شدی به مدینه پیغمبر صلی الله علیه وآلہ و سلم پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی، بایست نزد در و بخوان اذن دخول را و داخل شو از در جبریل و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه الله اکبر بگو پس دو رکعت نماز تحيت مسجد بگزار و برو به سمت حجره شریفه و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّنَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقْمَتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكُوَةَ، وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَنَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر مطهر است و رو به قبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش راست بجانب منبر که موضع سر رسول خدا صلی الله علیه وآلہ است و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَّيْحَتَ لِأَمْتَكَ، وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْدَتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسِينَةِ، وَأَدَّيْتَ الذِّي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رَوَفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلَطْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرْفِ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ، الْحَمْدُ لِهِذِي الذِّي اسْتَقَدَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَالصَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعُلْ صَلَواتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِيَّنَ، وَمَنْ سَيَّبَحْ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُوَالِيَّنَ وَالآخِرِيَّنَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَتَجِيئِكَ وَحَسِيبِكَ وَصَفِيقِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرِتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعِثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، يَغْبُطُهُ بِهِ الْمَأْوَلُونَ وَالآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَذْظَلُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرُ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا)، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيِّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَيَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيغْفِرَ لِي

ذُنْوِيَ.

و اگر ترا حاجتی باشد رو به قبله کن و دست‌ها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که برآورده شود إن شاء الله تعالى.

پس زیارت کن حضرت فاطمه سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره و مستحب است که بگوئی:

السلام علیک، يا بنت رسول الله، السلام علیک يا بنت نبی الله، السلام علیک يا بنت حبیب الله، السلام علیک يا بنت صیفی الله، السلام علیک يا بنت امین الله، السلام علیک يا بنت خیر خلق الله، السلام علیک يا بنت افضل انبیاء الله و رسیله و ملائکته، السلام علیک يا بنت خیر البریة، السلام علیک يا سیده نساء العالمین من الاولین والآخرين. السلام علیک يا زوجة ولی الله وخیر الخلق بعد رسول الله، السلام علیک يا ام الحسن والحسین سید شباب اهل الجنة، السلام علیک آیتها الصدقه الشهیده، السلام علیک آیتها المرضیه الرضیه، السلام علیک آیتها الفاضله الرکیه، السلام علیک آیتها الحوراء الانسیه، السلام علیک آیتها التقیه النقیه، السلام علیک آیتها المحدثه العلیمه، السلام علیک آیتها المظلومه المغضوبه، السلام علیک آیتها المضطهده المقهوره، السلام علیک يا فاطمه بنت رسول الله، السلام علیک وعلی بعلک وبنیک ورحمه الله وبرکاته، صلی الله علیک وعلی روحک، وبذرک، اشهد انک مضیت علی بینه من ربک، وان من سیرک فقد سیر رسول الله، صلی الله علیه وآلہ، ومن جفاک فقد جفا رسول الله، صلی الله علیه وآلہ، ومن آذاک فقد آذی رسول الله صلی الله علیه وآلہ، ومن وصلک فقد وصل رسول الله، صلی الله علیه وآلہ، ومن قطعک فقد قطع رسول الله، صلی الله علیه وآلہ، لأنک بضم ع منه، وروحه التي بین جنبيه، اشهد الله ورسیله وملائکته، اني راض عن رضايتك علی من سخطت علیه، مثیرء من تبرأت منه موال لمن وآيت، معاد لمن عادیت، مبغض لمن أبغضت، محب لمن أحبت، وكفى بـ الله شهیداً وحيساً يا وجاريها ومشیها.

پس صلوات می‌فرستی بر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام. زیارت دوم

زیارت دوم زیارتی است که سید بن طاووس علیه‌الرحمه نقل نموده:

السلام علیک يا سیده نساء العالمین، السلام علیک يا والدۃ الحجج علی النّاسِ اجمعین، السلام علیک آیتها المظلومه الممنوعه حکها.

پس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمْتَكَ وَابْنَتِكَ وَزَوْجِكَ وَصِبِّرِكَ، صَلَّاً تُرْلُفُهَا فَوْقَ زُلْفِي عِبَادِكَ الْمُكَرَّمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ. که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامزد او را داخل بهشت نماید و بعضی از علماء این زیارت را اختصاص داده‌اند به روز وفات آن مظلومه که سوم جمادی الثاني باشد و صلوات بر آن مظلومه این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةِ الرَّكِيَّةِ حَبِيبَكَ وَبَنِيَّكَ وَأَمْ حِبَّاتِكَ وَأَصْفَافِيَّاتِكَ الَّتِي اتَّجَبَتْهَا وَفَضَّلَتْهَا وَأَخْتَرَتْهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبُ لَهَا مِنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخْفَ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّاثِيرُ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أَمْ أَئِمَّةَ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللَّوَا، وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْكَلْمَأَ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا صَلِّ لَاهَ تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٌ صَلِّ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقْرِبُ بِهَا أَعْيَنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَلْيَهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحْمِيدِ وَالسَّلَامِ.

در بحار الانوار از تهدیب نقل می‌کند از ابراهیم بن محمد عریضی که حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: وقتی که موفق شدی به زیارت جدّه خود فاطمه سلام الله علیها بگو:

یا مُمْتَحَنُهُ امْتَحَنَکِ اللهُ الذِّی خَلَقَکِ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا اَنَا لَکِ اَوْلَیاءَ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ ما آتانا بِهِ ابُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاتَّانا بِهِ وَصِهِيْهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُکِ اَنْ كُنَّا صَدِقَنَا کِ اِلَّا الْحَقْتَنَا بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا لِتُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَرْنَا بِولَایتِکِ.

## زيارت ائمه بقیع علیهم السلام

زيارت ائمه بقیع علیهم السلام یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام.

چون خواستی زيارت کنی اين بزرگواران را باید بعمل آوری آنچه در آداب زيارت ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو ايها و نيز بگو:

يَا مَوَالِيٍّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أَمِّكُمْ، الَّذِلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْعِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُشْتَجِرًا بِكُمْ، قَاصِدًا إِلَى حَرَمَكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامَكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، إَأْذُنُلُّ يَا أَوْلَيَاءَ اللَّهِ، إَأْذُنُلُّ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقَمِّيْنَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.

و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كِبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِهِ بَكْثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَهُ وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِهَا الْفَرِدُ الصَّمِيدُ، الْمَاجِدُ الْأَحَدُ، الْمُتَفَضِّلُ الْمَنَانُ، الْمُتَطَوَّلُ الْحَنَانُ، الَّذِي مَنْ بِطْوَلِهِ، وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِيِّ يَا حَسَانِيِّ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَعَ.

پس نزديك قبور مقدسه ايشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ايشان کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةُ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيَّهَا الْحُجَّاجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيَّهَا الْقَوْمَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَّيْخَتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذَّبْتُمْ وَأَسْيَءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَئِمَّةُ الرَّاسِتُونَ الْمُهَتَّدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتُكُمْ مَفْرُوضَهُ، وَأَنَّ قَوْلَكُمُ الصَّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعِينِ اللَّهِ، يَتَسَخُّكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرِ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهَلَاءُ، وَلَمْ تَشْرَكْ فِيْكُمْ فِتْنَ الْأَهْوَاءِ، طَبْتُمْ وَطَبَّتُمْ مَبْتَكُمْ، مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلْتُمْ فِي بَيْوَتِ أَذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْعَعَ وَيُدْكَرْ فِيهَا أَسْمُهُ، وَجَعَلْتُمْ صَلَواتِي عَلَيْكُمْ رَحْمَهُ لَنَا وَكَفَارَةً لِإِذْنُوبِنَا، اذ احْتَارَ كُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وِلَائِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسِيَّحِينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامُ مَنْ أَشِرَّفَ وَأَخْطَأَ وَأَشَيَّكَانَ وَاقَرَّ بِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصِ، وَأَنْ يَسِّيَّقْدَهُ بِكُمْ مُسِيَّحِيْنَ الْهَلْكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُوْنُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ اذ رَغَبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوا، وَأَشَيَّكَبُرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسِّهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمُنْ بِمَا وَقَفْتُنِي، وَعَرَفْتُنِي بِمَا أَقْمَسَنِي عَلَيْهِ، اذ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخْفُوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاءِ، فَكَانَتِ الْبَيْنَةُ مِنْكَ عَلَى مَعَاقِمِهِ الْخَلَاصِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اذ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخْيِّنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زيارت بکن یعنی از برای هر امامی دور گشت.

## زيارت امين الله

که در جمیع روضات مقدسه باید به آن مواظبت نمود از حضرت امام زین العابدین علیهم السلام مؤثر است که به زيارت امير المؤمنین علیهم السلام آمد، نزد قبر ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

(اگر زيارت برای غير امير المؤمنین خوانده شود) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ در آن گفته نمی شود، بلکه رجاءً نام امامی را که زيارت می کند بيرد و بعد بدون هیچ تغیری زيارت را تا آخر بخواند لیکن در قبرستان بقیع که قبور شریفه چهار امام در آن جا است

هر گاه همه آن بزرگواران با هم بیک مرتبه زیارت امین الله خواندن زیارت شوند زیارت را باین نحو شروع کند.

السلام علیکم یا امناء الله فی ارضیه و حججه علی عباده اشهد انکم جاهدتم فی الله حق جهاده و عملتم بكتابه، واتبعتم سین نبیه صیلی الله علیه وآلہ حتی دعاکم الله الی جواره فقضیکم ایه باخیره، والزم أعداء کم الحجۃ مع مالکم من الحجج البالغة علی جمیع خلقه، و از جمله (الله اجعل).

بدون تغییر زیارت را تا آخر بخواند.

الله اجعل نفسی مطمئن بقدر ک راضیه بقضائیک مولعه بذکر ک و دعائیک، محبه لصیفه اولیائیک، محبوبه فی ارضیک و سیماک، صابرہ علی نزوی بلاستک، شاکره لفواضه نعماتک ذاکرہ لسوابع آلاتک، مشتاقه إلى فرحة لقائک، متروده التقوی لیوم جزائک، مسنته بسین اولیائیک، مفارقه لأخلاق اعدائک، مشغوله عن الدنیا بحمدک و شنايك.

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

الله این قلوب المحبین إليک و الله و سیمیل الزاغین إليک شارعه واعلام الفاصه دین إليک واضریه و افتاده العارفین منک فازعه و اصوات الداعین إليک صاعده وابواب الاجابه لهم مفتحه ودعوه من ناجاك مستجابه ودعوه من آناب إليک مقبوله وعبره من بکی من خوفک مرحومه والا غاشه لمن استغاث بك موجوده والاعانه لمن استعن بك مبذوله وعداتك لعبادک منجزه ورلل من است تعالك مقاله واعمال العاملین لدیک محفوظه وارزاقک إلى الخلايق من لذنك نازله وعوائد المزید اليهم واصمله وذنوب المستغفرين مغفوره وحوائج خلقک عندك مقصده وجوائز السائلین عندك موفره وعوائد المزید متواتره وموائد المیش تطعیمین معده ومناهل الظماء مترعه، الله فاسیتی بدعای واقبل شنای واجمع بینی ویین اولیائی بحق محمد وعلی وفاتیه والحسن والحسین، إنک ولی نعمائی و مسنهی منای وغایه رجائی فی منقلبی ومشای.

و در کامل الزیاره این اضافات مسطور است.

آن‌ت‌إلهی وسیلی و مؤلای اغفر لاؤلیائنا و کف عن آعیدائنا و اشـعـلـهـم عن آذـانـا و اـظـهـرـهـ کـلـمـهـ الـحـقـ وـاجـعـلـهـاـ الـعـلـیـ وـادـحـضـ کـلـمـهـ الـبـاطـلـ وـاجـعـلـهـاـ السـفـلـیـ إنـکـ عـلـیـ کـلـ شـیـ قـدـیرـ.

## ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه

در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه وآلہ وسلم می ایستی نزدیک قبر و می گویی:

السلام علی رسول الله، السلام علی حبیب الله، السلام علی صفی الله، السلام علی نجی الله، السلام علی محمد بن عبد الله، سید الانبیاء و خاتم المرسلین و خیر الله من خلقه فی ارضیه و سیماهی، السلام علی جمیع آنسیائه و رسیله، السلام علی الشهداء والسعیداء والصالحین، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین، السلام علیکم آیتها الرؤوح الزاکیه، السلام علیکم آیتها النفس الشریقه، السلام علیکم آیتها اللسالله الطاهرہ، السلام علیکم آیتها النسمہ الزاکیه، السلام علیکم یا بن خیر الوری، السلام علیکم یا بن النبی الموجبی، السلام علیکم یا بن المبعوث إلى کافه الوری، السلام علیکم یا بن البشیر الندیر، السلام علیکم یا بن السراج المنیر، السلام علیکم یا بن المؤید بالقرآن، السلام علیکم یا بن المرسل إلى الانس والجان، السلام علیکم یا بن صاحب الرایه والعلامة، السلام علیکم یا بن الشفیع یوم القيمة، السلام علیکم یا بن حباه الله بالكرامة، السلام علیکم ورحمة الله وبركاته، اشهد انک قد اختار الله لك دار انعامه قبل ان یکتب علیکم احكامه او یکلفک حلاله وحرامه فتكلک ایه طیبا زاکیا مرضیا طاهرا من کل نجس مقدس من کل دنس وبوآک جنة المأوى ورفعک إلى الدرجات العلی وصلی الله علیک صلاة تقریها عین رسوله وتبلاعه اکبر مأموله.

الله اجعل افضل صیلواتک وارکاها وانمی برکاتک وآوفاها علی رسولک ونیک من خلقک محمد خاتم النبین، وعلی من نسل من اولاده الطیین الطاهرین وعلی من خلف من عترته الطاهرین برحمتک يا ارحم الراحمین. الله اینی اسئلک بحق محمد صفیک

وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَيْكَ أَنْ تَجْعَلْ سَعْيِ بِهِمْ مَشْكُوراً وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَحَيَاةِي بِهِمْ مَرْضِيَّهُ وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْيَّهُدَهُ وَشَمُونَى بِهِمْ مَعْمُودَهُ، اللَّهُمَّ وَاحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسَنِ عَنِّي كُلَّ هُمَّ وَضِيَقَ، اللَّهُمَّ جَبَنِي عَقَابِكَ وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَآشِكَّنِي جَنَانَكَ وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَامَانَكَ وَآشِرَكَ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالَّدِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتَ إِنَّكَ وَلِي الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِنَ ربَ العالمينَ.

پس بخواه حاجات خود را و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمہ امیر المؤمنین علیہ السلام می ایسٹی نزد قبر شریفہش و می گویی:

السلام علی نبی الله، السلام علی رسول الله، السلام علی محمد سید المرسلین، السلام علی محمد سید الأولین، السلام علی محمد سید الآخرين، السلام علی من بعثه الله رحمة للعالمين، السلام علیک ک ایتها النبی و رحمة الله و برکاته، السلام علی فاطمة بنت آسید الهاشیمیه، السلام علیک ایتها الصدیقه المرضیه، السلام علیک ک يا کافله محمد خاتم النبیین، السلام علیک ک يا والده سید الوصیین، السلام علیک ک يا من ظهرت شفقتها علی رسول الله خاتم النبیین، السلام علیک ک يا من تربیتها لولی الله الامین، السلام علیک ک وعلی روحک و بیدنک الطاهر، السلام علیک وعلی ولدک، ورحمة الله و برکاته، اشهد انک احسنت الكفاله، وادینت الامانه، واجتهدت فی مرضات الله، وبالغت فی حفظ رسول الله، عارفة بحقه، مؤمنة بصحة مدققه، معتبرة بثبوته، مستبصرة بنعمته، کافله بتربیته، مشفقة علی نفسه، واقفة علی خدمته، مختاره رضاه، مؤثره هواه، وأشهد انک مضيٰت علی الإيمان والتمسک باشرف الأديان، راضیه مرضیه، طاهره رکیه، تقیه نیقیه، فرضی الله عنک وارضاک، وجعل الجنۃ متزلک و ماؤاک، اللهم صل علی محمد وآل محمد، وانفعنی بزيارةها، وتبئنی علی محبیها ولا تحرمنی شفاعتها وشفاعۃ الائمه من ذریتها، وارزقنى مرفقتها، واحشرنی معها ومع اولادها الطاهرين، اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی ایاها، وارزقنى العیودیها ابیدا ما ابیتني، وادا توفیتني فاحشرنی فی زمرتها، وادخلنی فی شفاعتها، برحمتك يا ارحم الرحیمين، اللهم بحقها عندک ومتزلها لمدینک، اغفرلی ولوالتدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات، وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة، وقنا برحمتك عذاب النار.

پس دو رکعت نماز زیارت می کنی و دعا می کنی به آن چه خواهی.

## زیارت حضرت حمزہ عم بزرگوار

پیغمبر صلی الله علیه و آله در احد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گویی نزد قبرش:

السلام علیک ک يا عَمَ رَسُولُ اللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السلام علیک ک يا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ، السلام علیک ک يا آسَدَ اللهِ وَآسَدَ رَسُولِهِ، اشهد انک قدْ جاهیدت فی الله عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَّتَ حَتَّى رَسُولَ اللهِ، وَكُنْتَ فِي مَا عِنْدَ اللهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنَّتْ وَأُمَّى، آتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَلْكِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْغَى بِزِيَارَتِكَ خَلاصَ نَفْسَتِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ أَسْتَحْقَهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هاربًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَقْتُهَا عَلَى ظَهَرِي، فَزَعَ عَلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَمِهِ رَبِّي، آتَيْتُكَ مِنْ شُفَّةٍ بَعِيدَهُ، طالبًا فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهَرِي ذُنُوبِي، وَآتَيْتُ مَا أَسْيَخَتَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعَ إِلَيْهِ حَيْرَانِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرَّتِ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَآتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بِاکیا، وَصِرَّتِ إِلَيْكَ مُغْرِداً، وَأَنْتَ مَمْنَ أَمَرْنَی الله بِصِلَتِهِ، وَحَثَنَی عَلَى بِرَّهُ، وَدَلَّنَی عَلَى فَصْلِهِ، وَهَدَانِی لِجَهَهِ، وَرَعَيْنَی فِي الْوِفَادِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَنِی طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتَمْ أَهْلَ بَيْتِ لَا يَشْقَى مِنْ تَوْلَاکُمْ، وَلَا يَخِبُّ مِنْ أَتَاکُمْ، وَلَا يَخْسُرُ مِنْ يَهْوَاکُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مِنْ عَادَاکُمْ.

پس رو به قبله کن و دو رکعت نماز زیارت بجا آورد و بعد از فراغ خود را به قبر بچسبان و بگو:

اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِ لِفَبِرِ عَمْ نَيْكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِيجِيرَنِی مِنْ نِقْمَتِكَ فِي

یوم تکرّر فیه الأصواتُ، وَتُشغِلُ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرْحَمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَلَا حُزْنٌ، وَأَنْ تَعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تَصْرُفْنِي بَعْدِ حَابِتِي، فَقَدْ لَصَّةَ قُتُّ بِقَبِيرِ عَمْ نَيْكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلَ مِنِّي، وَعَيْدَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى جِنَاحِيَّةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقْلِيَ عَلَى قَبِيرِ عَمْ نَيْكَ، فَبِهِمَا فُكَنَّى مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَيِّعِي، وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ اِبْتِهالِي، وَلَا تَحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْبِلَنِي بِغَيْرِ حَوَاجِي، ياغِيَّاثُ كُلَّ مَكْرُوبٍ وَمَخْزُونٍ، وَيَا مُفَرِّجَ جَاهَدَةِ الْمُلْهُوفِ الْعَسِيرِ الْمُسْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرِ إِلَيَّ نَظَرَةً لَا أَشْقَى بَعْدِهَا أَبَدًا، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَفْرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْحَيْثُ الَّذِي لَا يُعْطِيْهِ أَحَدٌ سِواكَ، فَلَا تَرَدَّ أَمْلِي، اللَّهُمَّ أَنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَاءِهِ سُوءِ فَعْلِيِّ، فَلَا أَخِيَّنَّ الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرُفِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنِي شُخُوصِي وَوِفَادِتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَأَتَعْبَتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتِي، وَآثَرْتُ مَا عَنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَلَذِكْتُ بِقَبِيرِ عَمْ نَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاكَ، فَعَيْدَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي، فَقَدْ عَظَمَ جُرمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ.

## زيارت قبور شهداء احمد رضوان الله عليهما

السلام على رسول الله، السلام على نبی الله، السلام على محمد ابن عبید الله، السلام على أهل بيته الاطهرين، السلام عليکم أيها الشهداء المؤمنون، السلام عليکم يا أهل بيته الایمان والتوحيد، السلام عليکم يا انصار دین الله وانصار رسوله عليه وآلله السلام سلام عليکم بما صبرتم فیعْمَ عقبی الدار، اشہدُ انَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَاصْطَطَافَكُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جَهَادِهِ وَذَبَّتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَيْيِهِ وَحْيَدْتُمْ بِإِنْفَسِتِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزاَكُمُ اللَّهُ عَنْ نَيْيِهِ وَعَنِ الْإِشَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفَنَا وُجُوهُكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ اِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّنَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُلْئِكَ رَفِيقًا.

اشہدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُنْتَرِبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِيَّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضْبُهُ وَسَخْطُهُ، اللَّهُمَّ افْعُنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَبَثْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوْفِنِي عَلَى مَا تَوَفَّتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقْرَرِ دَارِ رَحْمَتِكَ، اشہدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَا حِقُونَ.

وَمِنْ خوانی سوره انا انزلناه فی لیله القدر را آن چه تواني.

## زيارة وداع

هر گاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله عليه و آلہ و زیارت آن بزرگوار را بجا آور پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

السلام علیکَ يا رسول الله، اشیتَوْدِعُكَ الله وَأَسْتَرِعِيكَ وَأَقْرَأْ عَلَيْكَ السلام، آمَنْتُ بِالله وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَذَلَّتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبِيرِ نَيْكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهَدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاةِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و حضرت صادق عليه السلام (على المحکی) در وداع قبر پیغمبر به یونس بن یعقوب فرموده بگو:

صلی الله علیکَ، السلام علیکَ لا جعله الله آخر تسليمی علیکَ.

## دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

بِشَرٍ وَبَشِيرٍ فَرِزْنَدَانَ غَالِبٍ روایت نموده‌اند، که در روز عرفه خدمت امام حسین علیه السلام رسیدیم در حالی که آن حضرت با اهل بیت و فرزندان و پیروانش از خیمه خارج شده و در طرف چپ کوه زیر آسمان روی پا ایستاده دست‌ها را مقابل صورت گرفته و به حالت خضوع و خشوع کامل چنین می‌خوانند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الْحَمْدُ لِهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَاءِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَاءِ مَابِعٍ، وَلَا كَصْبٍ نَعِهِ صِنْعٌ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَنْقَنَ بِحُكْمِهِ  
الصَّنَاعَةَ، لَا تَحْفِي عَلَيْهِ الطَّلَائِعَ، وَلَا تَصْبِعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعَ، جَازِي كُلَّ صَانِعٍ، وَرَاهِمٌ كُلَّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعَ، وَالْكِتَابُ  
الْجَامِعُ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلَّدَعْوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلْجَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ  
شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْلَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالْأَرْبُوْيَةِ لَكَ، مُقْرًا بِإِنَّكَ رَبِّي، وَإِنَّ إِلَيْكَ مَرْدِّي، إِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَيْذُوكُورًا،  
وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْيَكْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرِبِّ الْمُؤْنَونِ، وَأَخْتَالَفَ الدُّهُورَ وَالسَّيْنَيَّ، فَلَمْ أَزِلْ طَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَيْ رَحْمَ فِي تَقَادُمِ  
مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَّةِ وَالْقَرْوَنِ الْخَالِيَّةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَلَطَفِيكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَنَمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ،  
وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنْ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوْفَتَ بِي، بِحِمْلِ  
صُنْعَكَ وَسَوَابِعِ نِعْمَكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِّي يُمْنَى، وَأَسْيَكْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثٍ، يَبْيَنَ لَحْمَ وَدَمٍ وَجَلْدٍ، لَمْ تُشَهِّدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ  
تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي

مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِّاً سَوَيْيًا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طَفْلًا صَيْيَا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِتَادِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ  
كَفَلْتَنِي الْأَمْهَاتِ الرَّوَاحِمِ، وَكَلَمَاتِنِي مِنْ طَوارِقِ الْجَانِ، وَسَلَّمَتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّفُصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا أَسْتَهْلَكَ  
نَاطِقًا بِالْكَلَامِ، أَتَمَّتَ عَلَيَّ سَوَابِعَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامِ، حَتَّى إِذَا أَكْتَمَتْ فِطْرَتِي، وَأَعْتَدَلَتْ مَرَتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ  
بِإِنَّ الْهُمَّتِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَعْتَنِي بِعِجَابِ حِكْمَتِكَ، وَأَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَّاتَ فِي سَيِّمَاءِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّتَنِي لِشُكْرِكَ  
وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ، وَفَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلِكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقْبَلَ مَرْضَايِكَ، وَمَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ  
ذَلِكَ بِعَوْنَكَ وَلَطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الرَّثَى، وَلَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصِنُوفِ  
الرَّيَاشِ، بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النَّعْمَ، وَصَرَفْتَ عَنِي كُلَّ النَّقْمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ  
جَهَلِيَّ وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَّتْنِي إِلَى مَا يُقْرَبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَقْتَنِي لِمَا يُزِلْفُنِي لِمَدِيْكَ، فَإِنَّ دَعَوْتُكَ أَجْبَتَنِي وَأَنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَأَنْ  
أَطْعَنْتَكَ شَكْرَتَكَ زِدَتْنِي، كُلُّ ذَلِكَ اِكْمَالٌ لِأَنْعُمَكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبِدِّي مُعِيدٍ حَمِيدٍ  
مَحِيدٍ، وَتَقَدَّسْتَ أَشِمَاؤُكَ، وَعَظَمْتَ آلَاؤُكَ، فَإِنِّي نِعْمَكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ  
أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَنْلُغُ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَاتَ عَنِّي.

اللَّهُمَّ مِنَ الْضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَّةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ عَرَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ  
صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ صَدِيرِي، وَعَلَاقَتِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرُوقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ  
مَارِنِ عَزِيزِنِي، وَمَسَارِبِ سَمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضُمِّنَتْ وَأَطْبَقْتَ عَلَيْهِ شَفَتَنِي، وَحَرَّكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِي، وَمَنَابِتِ  
أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرِبِي، وَحِمَالَيْهُ أُمْ رَأْسِي، وَبَلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنْقِي، وَمَا شَتَّمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَيْدِرِي، وَحِمَائِلِ حَبَيلِ  
وَتَيْنِي، وَنَيَاطِ حِجَابِ قَلِّي، وَأَفَلَاذِ حَوَاشِتِي كِبِيدِي، وَمَا حَوَّتْهُ شَرَاسِيَفُ أَضْلاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَبَقْضُ عَوَالِمِي، وَأَطْرافُ  
أَنَامِلِي، وَلَحْمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي، وَبَشَرِي، وَعَصَبِي، وَقَصْبِي، وَعِظَامِي، وَمُخْنِي وَعُرُوقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا يَنْتَسِيَحُ عَلَى  
ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي، وَيَقْطَنِي، وَسُكُونِي، وَحَرَّكَاتِ رُكُوعِي وَسُبُّجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ

مَيْدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤْدَى شُكْرًا وَاحِدَةً مِنْ أَنْعَمِكَ مَا أَسْتَطَعْتُ ذلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ، الْمُوجِبُ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَيْدَا جَدِيدًا، وَثَنَاءً طَارِفًا عَيْدًا، أَجْلٌ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِنَيْ مَيْدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآئِفِهِ مَا حَصَّيْ رِنَاهُ عَدَدًا، وَلَا حَصَّيْ يِنَاهُ أَمِيدًا، هَيَّهاتَ أَنَّى ذلِكَ، وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالْتَّيَا الصَّادِقِ (وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوْهَا)، صَدَقَ كِتابُكَ اللَّهُمَّ وَأَبْيَاوُكَ، وَبَلَغَتْ أَبْيَاوُكَ وَرُسْلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشَهُدُ بِجَهَدِي وَجِدْيِي، وَمَبْلَغُ طَاعَتِي وَوُسْعِيِّ، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِهِ الَّذِي لَمْ يَتَحَمَّدْ وَلَدَاهُ يَكُونَ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادُهُ فِيمَا ابْتَدَأَ، وَلَا وَلِيُّ مِنَ الدُّلُلِ فَيُرَفَّدُهُ فِيمَا صَيَّبَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِهِ حَمْدًا يُعادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرِّبِينَ، وَأَنْيَاءِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِهِ مُحَمَّدَ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخَلَّصِينَ وَسَلَّمَ.

سپس شروع به درخواست های خود از خداوند نمود، و در دعا اهتمام می‌ورزید، و در حالی که می‌گریست، می‌فرمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَانَى أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلِي فِي قَضَاءِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبْ تَعْجِيلَ مَا أَخَرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْأَخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصَرَةِ يَرَهُ فِي دِينِي، وَمَتَغْنِي بِحِجَّةِ وَارِحِي، وَابْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَارْبَنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي، وَأَقْرَبِ بِذِلِكَ عَيْنِي.

اللَّهُمَّ اكْسِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُرْ لِي خَطِيَّتِي، وَاخْسِأْ شَيْطَانِي، وَفُسْكَ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلَيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَيِّمِيَا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيَا رَحْمَمِهِ بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَيْتِيا.

رَبِّ بِمَا بَرَأْتِنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتِنِي فَأَخْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَّتِنِي، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتِنِي وَوَقْفَتِنِي، رَبِّ بِمَا آتَيْتَنِي فَهَدَيْتِنِي، رَبِّ بِمَا أَوْتَيْتِنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتِنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي وَأَقْتَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَنِي وَأَغْرَزْتِنِي، رَبِّ بِمَا سِرَّكَ الصَّيَّافِي، وَيَسَّرَتْ لِي مِنْ صِنْعِكَ الْكَافِي، صَيَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْنَى عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ الْلَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجَّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَأَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَخْدُرُ فَقِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَخْلُفْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتِنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَنَذَلَّنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظَمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ فَسَلَّمْنِي، وَبِمَذُونِي فَلَا تَفْضَلْنِي، وَبِسَرِيرَتِنِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْلَلِنِي، وَنَعْمَكَ فَلَا تَسْلُلِنِي، وَإِلَيَّ غَيْرِكَ فَلَا تَكْلُنِي.

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكَلَّنِي، إِلَى قَرِيبِ فِي قَطْعَنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدِ فِي تَجَهِّمِنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتْهُ أَمْرِي.

إِلَهِي فَلَا تُخَلِّلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبَتْ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سِواكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافِيَّتَكَ أَوْسَعَ لِي، فَاسْتَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقْتَ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِّفْتَ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحْتَ بِهِ أَمْرَ الْأُولَئِينَ وَالآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمْيِنَنِي عَلَى غَصَبِكَ، وَلَا تُنْزِلَ بِي سَيِّخَطِكَ، لَكَ الْعَتْبِي حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعُرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَخْلَلَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرْمِهِ، يَا عِيدَتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غَيْاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلَيِّي فِي نِعْمَتِي.

يَا إِلَهِي وَالَّهُ أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبَرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَآلِهِ الْمُسْتَبْجِينَ، وَمُنْزَلَ التَّوْرَأَ وَالْأَنْجِيلِ وَالرَّبُّوْرِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزَلَ كَهِيعَصْ وَطَهَ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمِذَاهِبُ فِي

سَعْتِهَا، وَ تَضَّيْهِ يُقْ بِي الْمَأْرُضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ أَنْتَ مُقْبِلٌ عَيْرَتِي، وَلَوْلَا سَيْرُكَ إِيَّاً لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَ أَنْتَ مُؤَيَّدٍ بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاً لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاءُهُ بِعَزَّهِ يَعْتَزُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِئَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْرَهُ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَالدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَيَدَ الْهَوَاءِ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطُعُ أَبَدًا، يَا مُقْيَضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلْدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبْ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَثْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُرْزِنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الْضُّرِّ وَالْبُلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَيَا مُمْسِكَ يَدَى إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ أَبِيهِ بَعْدَ كِبْرِ سَنَنِهِ وَفَنَاءِ عُمْرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرَدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِيَنِي إِسْرَائِيلَ فَمَانِجِيْهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرِقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْعَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَبُوا رُسْلَهُ.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا يَدِيْ، يَا يَدِيْعَا لَا تَنْدَلَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيَا حَيْنَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسِيْبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرُمْنِي، وَعَظَمَتْ خَطِيَّسِي فَلَمْ يَفْضِحْنِي، وَرَآنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهُرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغِيرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبِيرِي، يَا مَنْ أَيَادِيَهُ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمَهُ لَا تُحْصِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضَتْهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصَيْانِ، يَا مَنْ هَيَّدَنِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرَفَ شُكْرَ الْأَمْتَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعَزَّيَا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهَلًا فَعَرَفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَنِي، وَمُقْلًا فَأَعْنَانِي، وَمُسْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَيْبًا فَلَمْ يَشْهُرْنِي، وَأَمْسَيْكُتْ عَنْ جَمِيعِ ذِلِكَ فَابْتَدَأْنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَيْرَتِي، وَنَفْسَ كُوبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَغَنِي طَلْبِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَأَنْ أَعْدَ نَعْمَكَ وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مِنْجِكَ لَا أَخْصِيَها.

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَسْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْحَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آتَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَيَّدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَرَتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرَتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْلَتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرَتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبَا أَبَدًا.

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرُفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكْتُ، أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَى وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَصْرُهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغُنْيُ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوْفَقُ مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِعَوْنَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي.

إِلَهِي أَمْرَتْنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهِيكَ، فَاصِيَّبَحْتُ لَا ذَبَرَائِهِ لَيْ فَاعْتَذِرُ، وَلَا ذُقُوَّهُ فَانْتَصَرُ، فَبِأَيِّ شَيِّءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَبْسِمْعِي أَمْ بَصِيرِي أَمْ بِلْسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجلِي، الَّذِي كُلُّهَا نَعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّيْلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبْاءِ وَالْأَمْهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِمَحْوَانِ أَنْ يَعِيَّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يَعَاقِبُونِي، وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنْ أَذَّا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَفَضُونِي وَقَطَّعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدِيْكَ يَا سَيِّدِي خَاصِي دَلِيلٌ حَصَّيْرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَائِهِ فَاعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّهُ فَانْتَصَرُ، وَلَا حُجَّهُ فَاخْتَيَّجْ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرْخُ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءً وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ جَحِدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنَّ ذِلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَهُ عَلَى بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِيْنًا غَيْرَ ذِي شَكٍ أَنَّكَ سَائِلٌ مِنْ عَظَائِمِ الْأَمْوَارِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَعِدْلُكَ مُهْلِكٌ، وَمِنْ كُلِّ عِدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبِنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ

تعفٰ عَنِ فِي حِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرِمِكَ.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوْحَدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَافِقِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِيلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبائِي الْأَوَّلِينَ.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَاءٌ عَلَيْكَ مُمْجَدًا، وَإِخْلَاصٌ لِتَذَكِّرَكَ مُؤْحَدًا، وَأَنْ كُنْتَ مُقْرَأً إِنِّي لَمْ أُخْصِهَا لِكُثْرَتِهَا وَسُبُوغُهَا وَتَظَاهُرُهَا وَتَقَادُمُهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَرُلْ تَعَهَّدْنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلْقُتِي وَبِرَأْتِنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْأَغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الْصُّرُّ وَتَسْبِيبِ الْيُسُرِ وَدَفْعِ الْعُسُرِ وَتَفْرِيغِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الدِّينِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدْنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعَ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيَتْ مِنْ رَبِّ كَرِيمِ عَظِيمِ رَحِيمِ، لَا تُخْصِي أَلَاوِكَ، وَلَا يُبَلِّغُ شَنَاؤِكَ، وَلَا تُكَافِي نَعْمَاؤِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتَيْمَ عَلَيْنَا نِعَمَكَ، وَأَسِعْدَنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُحِبُّ الْمُضْطَرَ وَتَكْسِفُ السُّوءَ، وَتُغْيِّثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَحْبِّرُ الْكَيْتَيْرَ، وَتَرْحُمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرَ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرَ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلَقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسْتَيْرِ، يَا رَازِقَ الطَّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصِيمَةَ الْخَافِيَ الْمُسْتَبِّحِرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطَنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أُعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا، وَآلَاءٍ تُحِلِّدُهَا، وَكُبَّةٌ تَكْسِبُهَا، وَدَعْوَةٌ تَسْجُعُهَا، وَحَسِينَةٌ تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَى، وَأَسْرَعُ مِنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مِنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مِنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مِنْ سُيَّلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِيلَتَكَ مَشْيُولُ وَلَا سِواكَ مَأْمُولُ، دَعَوْتُكَ فَمَاجَبَتِي، وَسَيَّلْتُكَ فَمَاعَطَيَتِي، وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فَرَحْمَتِي، وَوَثَقْتُ بِكَ فَنَجَّيَتِي، وَفَرَغْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيَتِي.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّبِيعَيْنِ الطَّاهِرِيْنَ أَجْمَعِينَ، وَتَمَّ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَنْتَنَا عَطَاءَكَ، وَأَكْتُبنا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِائِكَ ذَاكِرِينَ، آمِنَ آمِنَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، وَقَدَرَ فَقَهَرَ، وَعَصَتَيَ فَسَرَّ، وَاسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَائِيَ الْطَّالِبِيْنَ الرَّاغِبِيْنَ، وَمُنْتَهَى أَمْلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسَعَ الْمُسْتَقِلِيْنَ رَأْفَةَ وَرَحْمَةَ وَحْلَمًا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَّفَتْهَا وَعَظَّمَتْهَا بِمُحَمَّدٍ نَّبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِتَكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّرَّاجُ الْمُنِيرُ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِيْنَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلَ إِنْذِلَكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلَّى عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُنْتَجَبِيْنَ الطَّبِيعَيْنِ الطَّاهِرِيْنَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ الْلُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تَشْرُحُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقَ تَبَسِّطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ أَقْبَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مُبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَةِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ عَطَاءِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرْدَنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَأِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِيْنَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِيْنَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوْقِنِينَ، وَلَيْسَنِكَ الْحَرَامُ آمِنٌ قَاصِدِيْنَ، فَاعِنَا عَلَى مَنَاسِيْنَا، وَأَكْمَلْ لَنَا حَجَّنَا، وَاعْفُ عَنَا وَاعِفَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيْنَا، فَهَيَ بِذَلِيلِ الْأَعْتَرَافِ مَوْسُومَهُ.

اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَيَّلْنَاكَ، وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِ لَنَا غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا

عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِيَّةُكَ لَنَا الْخَيْرُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ.

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ الدُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصِرْ فَعَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَيَّئَلَكَ فَاعْطَيْتُهُ، وَشَكَرَكَ فَرَدْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلُّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ.

اللَّهُمَّ وَنَقَّنَا وَسَيَّدْدُنَا وَأَحْمَّهُ مَنَا، وَأَقْبَلَ تَضَرُّعَنَا يَا حَيْثَ مِنْ سُيَّئَلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ أَسْتُرْحَمَ، يَا مِنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُنُونِ، وَلَا لَعْنُ الْعَيْنِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَ فِي الْمُكْوُنِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَخْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعُهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى إِمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَيْرًا، تُسَيِّعُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبَعُ وَالْأَرَضُونَ وَمِنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَيِّعُ بِحِمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدَدِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْأَنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَالَلِ، وَعَافِنِي فِي بَدْنِي وَدِينِي، وَآمِنْ حَوْفِي وَأَعْيُقْ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدِرْ جِنِّي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرِءْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ.

سپس آن حضرت علیه السلام سر به آسمان برداشته، و در حالی که بر گونه های شریف‌ش اشک می‌ریخت، با صدای بلند می‌فرمود: يَا أَشِيمَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَ أَشَّلَّكَ اللَّهُمَّ حاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ أَعْطِيَنِيهَا لَمْ يَضُرْنِي مَا مَنَعَنِي، وَإِنْ مَنَعَنِي مَا أَعْطَيَنِي، أَشَّلَّكَ فَكَاكَ رَقْبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبَّ يَا رَبَّ.

و مکرر می گفت یا رَبِّ کسانی که همراه حضرت بودند گوش می دادند و فقط آمین می گفتند پس صداها یشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا آفتاب غروب کرد و روانه به طرف مشعر الحرام شدند.

زيارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

یکی از مستحبات روز عرفه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است پس این زیارت را به قصد رجاء بخوان:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَيْفُوَهُ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحَ نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْدِي طَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلَى الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ الْزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَاللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرِ الْمُؤْتُورِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقْمَتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الرَّكَاءَ، وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطْعَتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ، فَلَعْنَ اللَّهِ أَمَّهُ فَتَلَّشِيكَ، وَلَعْنَ اللَّهِ أُمَّهُ سَمِعْتُ بِمَذِلِّكَ فَرَضَيْتُ بِهِ، يَا مَوْلَايَا يَا آبَا عَبْدِاللهِ، أَشْهَدُ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرَسُلِهِ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِيَايِّكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلى، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي، فَصَلَّيْتُ اللَّهَ عَلَيْكَمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدَكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيَّنَ، وَابْنَ إِمامِ الْمُتَقَيَّنَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرُّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَكَيْفَ لَا تَكُونَ كَذِلِّكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمامُ الْتَّقِيَّى، وَالْعَزُوهُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَخَامِسُ أَصْيَحَابِ الْكِسَاءِ، غَذْتُكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِيَّعْتَ مِنْ شَدْدَى الْإِيمَانِ، وَرُبِيَّتَ فِي حِجْرِ الْإِسْلَامِ، فَمَالَنَفْسُ عَيْرُ رَاضِيَّةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكِهٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَّيْتُ اللَّهَ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَاءِكَ وَأَبْنَاءِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيعَ الْعَبْرَةِ السَّاِكِبَةِ، وَقَرِينَ الْمُصْبَحَيَّةِ الرَّاتِبَةِ، لَعَنَ اللَّهِ أُمَّهُ أَسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارَمِ، وَأَتَهَكَ فِيَكَ حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ، فَقُتِلَتْ صَيَّالَى اللَّهِ عَلَيْكَ مَقْهُورًا، وَاصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُورًا، وَاصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى حَيْدَكَ وَأَيِّسِكَ، وَأَمْكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالسَّاهِدِينَ لِرَوْارِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَوْلِ عَلَى دُعَاءِ شَيْعَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، يَايَ أَنْتَ وَأَمَّي يَابْنَ رَسُولِ

الله، بِسَبِّي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِّيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيَّةُ بِسَكَّ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشِرَّجْتُ وَالْجَمْتُ وَتَهَيَّأْتُ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تَوَسَّلْتُ وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الدِّي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحْلِ الدِّي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصْلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنْهُ وَجُودِهِ وَكَرْمِهِ.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَلْيَغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحْيَةِ وَالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ وَهَا تَانِ الرَّكْعَتَانِ هَيْدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمْلَى وَرَجَاءِي فِيَكَ، وَفِي وَلِيَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و در زیارت حضرت علی اکبر عليه صلوات الله بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ بْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهِ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهِ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيَّةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِّيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَعَنَ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَءَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و در زیارت سایر شهداء علیهم السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُولَيَاءِ اللَّهِ وَأَحْبَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْيَفِيَاءِ اللَّهِ وَأَوْدَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، بِسَبِّي أَنْتُمْ وَأُمِّي، طَبِّئُمْ وَطَبَّاتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُرِّئُتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفْوَزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتِهِ.

واز حضرت صادق علیه السلام نقل شده، هر کس زیارت کند آن حضرت را در هر کجا و در هر وقت به این کیفیت که بجانب

راست و چپ نظر کند پس سر بجانب آسمان کند و این کلمات را بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَّ كَاتِهِ.

امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود بنابراین شایسته است کسانی که روز عرفه در عرفات هستند این سلام مختصر را نیز ترک نکنند.

## فهرست

فضیلت حج ۳

احکام حج ۴

افسام حج ۴

- حج قرآن ۴

- حج افراد ۴

- حج تمتع ۵

- عمره تمتع ۵

مستحبات احرام عمره ۶

مکروهات احرام ۸

مواقیت احرام ۹

احکام میقات ۱۰

احکام احرام بانوان ۱۰

نذر احرام پیش از میقات ۱۳

واجبات احرام ۱۴

چیز بر محرم حرام است ۱۵

محل ذبح کفاره ۲۳

طواف عمره ۲۴

- مستحبات داخل شدن به حرم ۲۴

- مستحبات داخل شدن به مکه معظمه ۲۵

- مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام ۲۵

احکام طواف عمره تمتع ۲۷

شرایط طواف ۲۸

واجبات طواف ۳۰

مستحبات و مکروهات طواف ۳۲

نماز طواف ۳۴

مستحبات نماز طواف ۳۵

سعی ۳۶

- واجبات سعی ۳۶

- مستحبات سعی ۳۸

قصیر ۴۰

مسائل حج تمتع ۴۱

احرام حج ۴۲

وقوف به عرفات ۴۴

مستحبات وقوف به عرفات ۴۵

وقوف به مشعر ۴۹

اعمال منی در روز عید ۵۳

رمی جمره عقبه ۵۳

مستحبات رمی ۵۴

قربانی ۵۵

مستحبات قربانی ۵۷

حلق یا تقصیر ۵۸

مستحبات حلق و تقصیر	۵۹
واجبات بعد از اعمال منی	۵۹
مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء	۶۰
ماندن در منی در شب‌های تشریق	۶۱
شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم	۶۱
رمی جمرات سه گانه	۶۱
مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم	۶۳
مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع	۶۴
دستور عمره مفرد	۶۵
طواف وداع	۶۵
استفتاءات حجّ	۶۶
آداب تشرف به مدینه طبیه و زیارت	۷۱
حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآلہ وسلم	۷۱
آداب زیارت	۷۳
مدینه منوره	۷۳
آداب زیارت مدینه منوره	۷۳
زیارت ائمه بقیع علیهم السلام	۷۶
زیارت امین الله	۷۷
ذکر سایر زیارات در مدینه طبیه	۷۸
زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار	۸۰
زیارت قبور شهداء احمد رضوان الله علیهم	۸۱
زیارت وداع	۸۱
دعای امام حسین علیهم السلام در روز عرفه	۸۲
	۵۵

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاھِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام)؛ خدا رحم نماید  
 بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند  
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹  
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای بر جسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) شهره بوده و لذًا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی‌محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شباهت منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشد.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزو و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سه مراد

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، اینمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴۰۵۰۲۳)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/ خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۰۶۰۱۵۰۲۶۰۱۰۸۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ - ۰۳۱۱ - ۰۲۲۵۷۰۲۳ - ۰۳۱۱ فکس ۰۲۱ (۸۸۳۱۸۷۲۲) دفتر تهران ۰۲۱ (۲۲۵۷۰۲۲) بازرگانی و فروش کاربران ۰۴۵ (۲۲۳۳۰۴۵)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از این‌رو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الا عظیم عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۹۵۳ ، شماره کارت: ۱۹۷۳-۳۰۴۵-۵۳۳۱-۶۲۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

### ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بندۀ بزرگوار شریک کتنده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدمان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساكت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بندۀ دارد».



www

برای داشتن کتابخانه های شخصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی  
**www.Ghaemiyeh.com**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و بروای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۴۰۰۰ ۱۰۹